

سوکندبه قلم و آنچه می نویسند

موفقیت در آزمون های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوق برای قبولی در آزمون وکالت راه اعاشه ای برای مؤسسات و مدرسینی را فراهم کرده که با تبلیغات فریبا سعی در جذب دانشجویان دارند. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل ترین و ساده ترین جزوه حقوق جزای اختصاصی ۲ به صورت رایگان قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما شگفت انگیز - موفقیت شما را تضمین می کند.

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۲

جزوه حقوق جزای اختصاصی ۲

جرائم علیه مصالح عمومی کشور

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

به کوشش انور یوسفی

بسیاری از اوونهایی که می خوان در آزمون های حقوقی قبول بشن در انبوه کتاب های موجود در آشفته بازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی ست اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می کنم این جزوه، برای آزمون های حقوقی، کافی است. یه تیکه از کتاب «کیمیایاگر» نوشته پائولو کوئیلو رو براتون می آرم: «وقتی با تمام وجود و از درون، چیزی را می خواهید تمام کائنات دست در دست هم می دهند تا خواسته شما را اجابت کنند. آرزوها زبان خداوند هستند، در این جهان حقیقتی بزرگ وجود دارد، هر کس که باشی یا هر عملی که از تو سر می زند و وقتی چیزی را از ته قلبت بخواهی آنگاه این خواسته تو از وجود این جهان سرچشمه می گیرد و تو مأمور انجام آن می شوی» خواستم بگم که اگر این جزوه به دست شما رسیده، حکمتی در آن است!

حیرت‌انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

درس حقوق جزا با این که از جرم، جنایت و مجازات بحث می‌شه اما جذابیت‌های خاص خودش داره و از شیرین‌ترین درس‌های حقوق و البته از مهم‌ترین دروس در همه آزمون‌های حقوقی وکالت، ارشد و قضاوته! در این جزوه از ورود به مباحث حاشیه‌ای و بعضاً زائد پرهیز شده و فقط به نکات و مباحث اصلی و مهم پرداخته شده. به طوری که با خوندن این جزوه مطالب حقوق جزا به صورت مُدَوْن در ذهن شما شکل می‌گیره. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سَبُک و روانِ حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید.

ما در سایت فوق، کانال تلگرام و صفحه اینستاگراممون، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان‌آور است. نگارندگان، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند. به صورت مُدَوْن و مُنظم، کلِ حقوق جزا را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که بعد از مطالعه این جزوه احاطه کامل بر مباحث حقوق جزا داشته باشید. مفاهیم و مباحث حقوق جزا اگر بدون اسلوب مُدَوْن توضیح داده بشه فهم آن دشوار و غیرقابل تحمل است ما در این نوشته، مطالب حقوق جزا را به نحو طبقه‌بندی شده نگاشته‌ایم به صورتی که شما با خواندن این جزوه نیاز به خواندن هیچ کتاب و جزوه دیگری ندارید جزا رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم! البته بگم که حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و همینطور دروس دیگه رو هم با همین روش گفته‌ام.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید.

داستان من: امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین‌کننده جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خواهم داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خبر اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ به دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اون‌ها رو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می‌خواهم بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت بین پسر جون! اینجا یه مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد یه جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟» گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!» ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای تایی رو در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!» ادامه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوه دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوه تایی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوه تایپ‌شده هم ایراداتی وجود داره که سرکلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کنن!» ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوونهایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو پیچوند! زنگ زدم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات نت‌برداری کن، البته باز نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصِر بودن» و «پیگیر بودن» اَصَن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مُلا‌ها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت‌برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشت و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشت مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اون‌ها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤولند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اونهایی که نیاز به خدمت تو دارن تَبَرُّعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعدهم رو شروع می‌کنم الان نه سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سرِ راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیه امورم دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه داندود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو داندود کنید و اگه به معجزه اون‌ها پی بردین اون‌ها رو به دوستان‌تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

تقدیم به تمام کسانی که تابه حال هیچ‌به‌آن‌ها تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنمان!

جرائم علیه مصالح عمومی کشور در ۲ قسمت عمده قابل بررسی می‌باشد:

- ۱. جرائم علیه امنیت کشور:** منظور از جرائم علیه امنیت کشور، مجموعه رفتارهای مجرمانه‌ای است که با قصد بر هم زدن امنیت کشور (امنیتدیر مفهوم عام کلمه اعم از امنیت کشور از منظر احساس امنیت در حوزه داخلی و همچنین از منظر احساس امنیت در حوزه روابط ایران با سایر کشورها چه در بستر روابط منطقه‌ای و چه در بستر بین‌المللی) و یا با قصد اقدام علیه نظام حاکم و به نفع دشمنان نظام انجام می‌شود؛ بنابراین رفتارهایی که در راستای بر هم زدن امنیت ملی و تشویش اذهان عمومی با چنین عنصر روانی تحقق پذیرند، به عنوان جرائم علیه امنیت کشور شناخته خواهند شد.
- ۲. جرائم علیه آسایش عمومی:** جرائم علیه آسایش عمومی مجموعه رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که هر چند می‌توانند موجب اضرار عمومی را فراهم کنند، لیکن لزوماً با قصد بر هم زدن آسایش یا لطمه به نام جمهوری اسلامی ایران واقع نشده‌اند؛ این نوع از جرائم هرچند در برخی موارد ممکن است به ضرر اشخاص خاصی نیز واقع شده باشند، اما در عین حال اضرار به نظم جامعه، اعم از نظم سیاسی، نظم اجتماعی یا نظم اقتصادی نیز به صورت بالفعل یا بالقوه داشته‌اند، جرائمی از نوع جعل، استفاده از سند مجعول، قلب سکه و جرائم مرتبط با آن، رشاء و ارتشاء از جمله جرائم علیه آسایش عمومی هستند.

جرائم علیه امنیت کشور

جرائم علیه امنیت کشور به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱. جرائم علیه امنیت که موجب حدّ می‌باشند:** جرائم محاربه، افساد فی الارض و بغی
- ۲. جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی که موجب مجازات‌های تعزیری می‌باشند:** جرائم موضوع مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

جرائم علیه امنیت موجب حد

جرم محاربه

تعریف جرم محاربه

ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد»

جرم محاربه در فقه اسلامی: مطابق آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا ۚ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ ۚ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۴)

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. (۳۳) مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می‌پذیرد)؛ خداوند آمرزنده و مهربان است (۳۴).

عناصر تشکیل دهنده جرم محاربه

عنصر قانونی جرم محاربه: مواد ۲۷۹ تا ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عنصر قانونی جرم محاربه را تشکیل می‌دهند.

ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود.»

عنصر مادی جرم محاربه: بنا بر نظر مشهور فقها محاربه عبارت است از «تجريد السلاح لأخافة الناس»؛ بنابراین رفتار مجرمانه جرم محاربه اسلحه کشیدن (تجريد السلاح) برای ایجاد ناامنی و ترس مردم (لأخافة الناس) می‌باشد.

✓ از عبارت «کشیدن سلاح» در ماده فوق مشخص می‌شود که نیازی به استفاده عملی از سلاح نیست و صرف نمایان ساختن آن کفایت می‌کند. برای مثال همین که کلاشینکف را آشکار کند و نشان بدهد، کفایت می‌کند و نیازی به تیراندازی نیست.

✓ صرف به همراه داشتن سلاح تا زمانی که مرتکب آن را نمایان نکرده باشد، موجب تحقق این جرم نمی‌شود، ولو آنکه مردم را تهدید به همراه داشتن سلاح نماید. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۲۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه: «رکن اساسی محاربه، کشیدن سلاح (دست بردن به اسلحه) به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست؛ بنابراین صرف حمل سلاح بدون تظاهر به استفاده از آن، نمی‌تواند مشمول عنوان محاربه باشد»

✓ مطابق ماده ۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ۱۳۹۰: «مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیرگلوله‌زنی و مهمات مربوط به آنها است. تبصره - اسلحه لیزری و آن دسته از شبه‌سلاح‌هایی که به دلیل مشابهت و کاربرد، قابلیت جایگزینی سلاح را دارند از حیث احکام مندرج در این قانون، حسب مورد تابع احکام سلاح گرم قرار می‌گیرند و سلاح‌های آموزشی و بیهوش کننده تابع احکام سلاح شکاری می‌باشند.» بنابراین مواردی مانند چوب، سنگ، شیشه شکسته، قفل فرمان، اسید و ... را نمی‌توان سلاح دانست و در صورت استفاده از اقلام مذکور، محاربه محسوب نمی‌شود.

✓ به موجب ماده ۵ و ۱۱ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز ۱۳۹۰، حمل، نگهداری، معامله و قاچاق موارد ذیل به نحو غیرمجاز جرم‌انگاری شده است:

۱. سلاح سرد جنگی.
۲. سلاح گرم سبک خودکار و غیرخودکار.
۳. سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین.
۴. مواد رادیواکتیو و میکروبی.
۵. مواد منفجره نظامی یا شیمیایی.
۶. مواد ناریه یا منفجره غیرنظامی.
۷. گازهای بی‌حس کننده، بیهوش کننده و اشک‌آور.
۸. مواد محترقه و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها).

✓ مطابق تبصره ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: «منظور از سلاح عبارت است از:

۱. انواع اسلحه گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.
۲. انواع اسلحه سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس.
۳. انواع اسلحه سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران یا مشابه آنها و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.
۴. انواع اسلحه شکاری شامل تفنگ‌های ساچمه‌زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی.

✓ خالی بودن سلاح مانع تحقق محاربه نیست و برای تحقق محاربه صرف کشیدن سلاح کفایت می‌کند، البته تفسیر به نفع متهم اقتضای آن را دارد که سلاح اسباب‌بازی (ولو شبیه سلاح واقعی) را مشمول حکم فوق ندانیم. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۲۲۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه: «با توجه به ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، یکی از مواردی که محاربه صدق می‌کند، ارباب مردم توسط کشیدن سلاح به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد لذا در فرضی که مردم از کشیدن سلاح دچار رعب و وحشت شده و ناامنی در محیط ایجاد گردیده، گرچه اطلاع از خالی بودن اسلحه نداشته باشند، چون همه اجزاء عنصر مادی جرم موضوع ماده ۲۷۹ قانون مذکور محقق گردیده است، با حصول سایر شرایط و ارکان این بزه، می‌تواند از مصادیق محاربه محسوب شود.» همچنین مطابق نظریه

مشورتی شماره ۷/۴۰۹۹ مورخ ۱۳۷۹/۵/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه: «اسلحه آلتی است که برای جنگ یا دفاع ساخته می‌شود و در هر زمانی به مناسبت پیشرفت‌های حاصله بشری، نوع آن متفاوت است، ولی به هر حال کلمه اسلحه عام است و شامل سلاح‌های گرم و سرد می‌شود و سلاح‌های سرد نیز دو نوع است یکی از آنان سلاحی است که کاربرد جنگی دارد و نوع دیگر کاربرد جنگی ندارد؛ بنابراین سلاح‌های بدلی مشمول این تعریف نیست و جزء سلاح‌های جنگی نیست و فی الواقع یک اسباب‌بازی است»

✓ داشتن جواز حمل اسلحه مانع تحقق این جرم است، ولی سؤال این است که اگر شخص فاقد مجوز حمل اسلحه باشد، آیا می‌توان او را علاوه بر مجازات محاربه به مجازات حمل سلاح غیر مجاز نیز محکوم ساخت؟ به نظر می‌رسد با توجه به آنکه شرط تحقق محاربه، استفاده از سلاح است، بحث تعدد جرم ناظر بر حمل سلاح غیر مجاز و محاربه منتفی است و همان گونه که در بند (د) ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نیز آمده است: «در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود»

✓ جرم محاربه در زمره جرائم علیه امنیت کشور است و صرف نمایان ساختن سلاح برای ترساندن یک نفر را نمی‌توان محاربه دانست، لفظ «مردم» در ماده فوق نیز مؤید همین مطلب است؛ بنابراین هرگاه کسی با انگیزه شخصی (مثلاً انتقام‌جویی، تسویه حساب شخصی و ...) به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی‌شود.

✓ فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محارب، دست به اسلحه ببرد محارب نیست. (ماده ۲۸۰ ق.م.ا)

✓ محارب محسوب نشدن شخص در ماده فوق، مستلزم آن است که شخص «برای دفاع و مقابله با محارب» دست به سلاح بشود، اما نکته مهمی که در این زمینه باید یادآور شد که اگر رفتار شخص در مقام دفاع، مشمول دفاع مشروع باشد، نه تنها محارب نیست، بلکه اساساً مجرم نیست، اما سوال اینست که اگر شخص صرفاً به قصد مقابله (نه دفاع و مقابله) دست به سلاح ببرد، باز محارب محسوب نمی‌شود؟ در پاسخ به این سوال ممکن است دیدگاه مختلفی بیان شود؛ در نظر نخست با استناد به ظاهر ماده فوق و استفاده از «واو معیت» میان دفاع و مقابله، می‌توان گفت که اگر مقابله به قصد دفاع نباشد، رفتار شخص مشمول ماده فوق نیست، اما طبق نظر دوم حتی اگر رفتار شخص مشمول دفاع نباشد، باز او را نمی‌توان محارب محسوب نمود که البته در این صورت اگر جرم دیگری مانند تخریب مرتکب شود، مسؤول است.

✓ در مواردی که شخص به طور غیر مجاز سلاح به همراه داشته باشد، حتی اگر رفتار او دفاع مشروع باشد، هم به مجازات حمل سلاح غیر مجاز محکوم می‌شود.

✓ در صورتی که شخصی با تصور این که طرف مقابل، محارب است، دست به سلاح ببرد، اما نفر دوم واقعاً محارب نباشد (مثلاً انگیزه شخصی داشته باشد) باز هم محارب محسوب نمی‌شود؟ چنانچه در تشخیص طرف مقابل دچار اشتباه موضوعی شده باشد، باز نمی‌توان او را به مجازات محاربه محکوم نمود و در صورتی که در اثر رفتار او جنایتی حاصل شود، به پرداخت دیه جنایت شبه عمدی محکوم خواهد شد.
نتیجه حاصله جرم محاربه: محاربه در زمره جرائم مقید است و تحقق آن منوط به ایجاد ناامنی در محیط است و چنانچه در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود (مثلاً مردم رفتار او را شوخی بیندارند) رفتار مرتکب را نمی‌توان محاربه دانست؛ اما در فرضی که حتی یک از رفتار محارب دچار هراس شود (ولو آنکه خیلی ترسو باشد) به دلیل تحقق شرط مذکور، محاربه تحقق می‌یابد.

عنصر روانی جرم محاربه

علم به موضوع: محارب باید بداند آنچه را که به کار گرفته است؛ عرفاً سلاح بوده و موجب خطر یا ترساندن مردم خواهد شد.

سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم محاربه نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عاقد باشد؛ یعنی عمد در بکار بردن اسلحه داشته باشد.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم محاربه نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوء نیت خاص باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم محاربه قصد نتیجه که همان قصد تجاوز به جان، مال یا ناموس مردم یا قصد إرغاب مردم می‌باشد.

✓ اگر مرتکب با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص اسلحه بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. (ماده ۶۱۷ ق.م.ا تعزیرات)

مصادیق محاربه

ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی: «راهنزان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.»

✓ جرم فوق در زمره جرائم مقید و منوط به سلب امنیت است و در صورتی که منتهی به نتیجه مزبور نشود، رفتار مرتکب را نمی‌توان مشمول ماده فوق دانست.

✓ در مواد ۶۵۱، ۶۵۲ و ۶۵۴ ق.م.ا تعزیرات نیز به جرم سرقت مسلحانه با مجازات حبس و شلاق اشاره شده است، استناد مواد مذکور ناظر بر فرضی است که سرقت مشمول شرایط ماده فوق نشده و موجب سلب امنیت مردم نگردد، و گرنه مرتکب به مجازات محاربه محکوم خواهد شد، برای مثال در فرضی که سارق مسلح شبانه وارد خانه دیگری شده و موجب هراس صاحب خانه شود، عمل او را نمی‌توان محاربه دانست، در حالی که اگر سارق مسلح وارد یک فروشگاه زنجیره‌ای شده و موجب هراس مردم شود، محارب محسوب شده و مجازات آن بر اساس ماده ۲۸۲ ق.م.ا (نه مواد مذکور) تعیین می‌شود.

✓ در رابطه با اینکه آیا جرم فوق مشمول تعدد جرم است یا دارای عنوان مجرمانه واحد است، باید یاد آور شد که با توجه به بند (د) ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نیز آمده است، چنانچه مجموعه جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، بحث تعدد جرم، منتفی است؛ بنابراین در فرض فوق نمی‌توان مرتکب را علاوه بر مجازات محاربه، به مجازات حمل سلاح غیرمجاز نیز محکوم نمود؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۶۷ مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۶ اداره حقوقی قوه قضاییه: «(حمل و نگهداری و اخفاء مال مسروقه» به وسیله سارق که بدون مجوز مال مسروقه در ید او قرار گرفته هر یک به تنهایی جرم مستقلی نمی‌باشد بلکه این اعمال مستتر در عمل سرقت و کلیه اعمال در حکم عمل واحد و یک مجازات برای سارق (سرقت) در نظر گرفته می‌شود.»

✓ در فرضی که بعضی سرقت‌های ارتكابی مشمول محاربه بوده و بعضی دیگر محاربه محسوب نشود، مقررات تعدد جرم درباره مرتکب اعمال خواهد شد، مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۲۵۲۹ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۶: «اگر در بین سرقت‌ها، سرقت مسلحانه باشد و عنوان محاربه داشته باشد، چون محاربه غیر از سرقت است برای محاربه یک مجازات و برای سایر سرقت‌ها که عنوان محاربه ندارد نیز مجازات دیگری باید تعیین شود»

✓ در ماده ۶۵۳ ق.م.ا تعزیرات هم به جرم راهنزی اشاره شده است، ولیکن استناد به ماده مذکور ناظر بر فرضی است که رفتار مرتکب، مشمول عنوان محاربه نباشد: «هر کس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهنزی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به ۳ تا ۱۵ سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.» جرم موضوع ماده ۶۵۳ ق.م.ا تعزیرات بر خلاف ماده ۲۸۱ ق.م.ا مستلزم دست بردن به اسلحه نیست و صرف راهنزی برای تحقق آن کفایت می‌کند، از سوی دیگر مرتکبین این جرم لزوماً راهنزان هستند و بنابراین ارتکاب آن لزوماً راه‌ها و شوارع است، در حالی که مرتکب جرم موضوع ماده ۲۸۱ ق.م.ا اعم است از راهنز، سارق یا قاچاقچی و بنابراین محل حضور آن به جز راه‌ها و شوارع، کلیه مکان‌هایی است که مردم در آنجا حضور دارند (مانند سالن سینما، تئاتر یا رستوران) از سوی دیگر جرم موضوع ماده ۶۵۳ ق.م.ا تعزیرات مستلزم تحقق راهنزی و بردن مال مردم است، در حالی که برای تحقق جرم موضوع ماده ۲۸۱ ق.م.ا آنچه مهم است، سلب امنیت است، ولو آنکه منتهی به بردن مال مردم نشود؛ به صورت مختصر می‌توان چنین گفت، چنانچه راهنزی منتهی به سلب امنیت شود، مرتکب به مجازات محاربه و در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۶۵۳ ق.م.ا تعزیرات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: «هر نظامی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه نماید، محارب محسوب می‌شود.»

حد محاربه

حد محاربه انتخاب یکی از چهار مجازات زیر به اختیار قاضی است:

۱. اعدام
 ۲. صلب
 ۳. قطع دست راست و پای چپ
 ۴. نفی بلد
- ✓ قاضی نباید مجازاتی را تعیین کند که اجرای حد را منتفی سازد، برای مثال در مورد شخصی که فاقد دست و پا است، نمی‌توان مجازات قطع عضو را برای او تعیین نمود؛ زیرا این کار به منزله معطل ماندن حدود الهی است.
- ✓ مجازات‌های فوق قابل جمع نیستند، برای مثال قاضی نمی‌تواند هم حکم به صلب دهد و هم حکم به تبعید.
- ✓ مجازات اعدام به صورت حلق آویز و از طریق طناب دار و یا به شیوه دیگری که کمترین آزار را برای محکوم داشته باشد، اجرا می‌شود. (ماده ۴۰ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ زمان اجرای مجازات اعدام حین طلوع آفتاب است؛ مگر آن‌که دادگاه زمان دیگری را تعیین کرده باشد. (ماده ۴۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ چنانچه پس از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس، مرگ قطعی محکوم به تأیید پزشک حاضر در محل نرسد یا حیات وی احراز شود، اجرای حکم تا سلب کامل حیات ادامه می‌یابد. (ماده ۴۸ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ در اجرای حد صلب محکوم را در فضای باز به چوبه دار که شبیه صلیب است آویزان می‌کنند؛ به نحوی که پشت به صلیب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد. همچنین دست‌های محکوم را به دو چوبه افقی و پاهایش را به چوبه عمودی بسته و به مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت مأموران به همان حال رها می‌کنند. تبصره ۱- نحوه بستن محکوم نباید به گونه‌ای باشد که موجب مرگ مصلوب شود. تبصره ۲- منظور از سه روز، سه روز و دو شب داخل آن است و با غروب آفتاب روز سوم، محکوم از چوبه دار پایین آورده می‌شود. چنانچه فوت مصلوب زودتر از سه روز محرز گردد، جسد برای انجام مراسم مذهبی و کفن و دفن پایین آورده می‌شود. (ماده ۵۸ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ اگر مصلوب پس از سه روز فوت نکرده باشد، او را رها می‌کنند و چنان چه نیازمند ارائه خدمات پزشکی باشد، اقدامات درمانی بلامانع است و در صورت فوت مطابق ماده (۴۹) آیین‌نامه اقدام می‌شود. (ماده ۵۹ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ نحوه اجرای حد قطع دست و پای محارب همان است که در ماده (۲۷۸) قانون مجازات اسلامی برای سارق پیش‌بینی شده است. (ماده ۹۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ نفی بلد: طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص؛ به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت بوده و مجاز به ترک محل و مراد و معاشرت با کسی نباشد. این مجازات وفق مقررات قانونی در جرم محاربه قابل اعمال است. (بند «ح» ماده ۱ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست. (ماده ۲۸۴ ق.م.ا)
- ✓ در نفی بلد، محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت، مراد و رفت و آمد نداشته باشد. (ماده ۲۸۵ ق.م.ا)
- ✓ محکوم در محکومیت به نفی بلد حق ملاقات، معاشرت و رفت و آمد با دیگران و نیز حق استفاده از وسایل ارتباطی از قبیل تلفن و اینترنت را ندارد؛ اما می‌تواند از رسانه‌های ملی نظیر رادیو، تلویزیون و نشریات مجاز داخلی استفاده کند. تبصره - ممنوعیت مراد و معاشرت با دیگران در نفی بلد شامل حال خانواده محکوم نمی‌باشد. (ماده ۱۴۲ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ چنانچه امکان جلوگیری از مراد و معاشرت محکوم با دیگران نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مراتب را جهت اتخاذ تصمیم به دادگاه منعکس می‌نماید تا در اجرای حکم حکومتی مقام معظم رهبری (حس در تبعید) تصمیم مقتضی اتخاذ کند. (ماده ۱۴۳ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)
- ✓ در صورتی که محکوم به تبعید یا نفی بلد، محل را بدون اذن قاضی اجرای احکام کیفری ترک کند، به دستور وی دستگیر و تحت‌الحفظ به محل اجرای حکم اعاده می‌شود. (ماده ۱۴۴ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه)

- ✓ علاوه بر مجازات‌های مذکور، انتشار حکمی محکومیت قطعی به عنوان مجازات تعزیری درجه ۶ نیز از دیگر مجازات‌های محارب به شمار می‌رود که با استناد به ماده ۳۶ ق.م.ا برای یک نوبت در یکی از روزنامه‌های محلّی منتشر می‌شود، مگر آنکه انتشار حکم محکومیت موجب اخلال در نظم و امنیت باشد که در این صورت منتشر نمی‌گردد.
- ✓ با توجه به ماده ۴۶ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود ... ۱۳۹۸/۳/۲۷ رییس قوه قضاییه، در مواردی که مرتکب به مجازات اعدام محکوم شده باشد، به تشخیص قاضی اجرای احکام فیلم یا تصاویر مراسم اجرای مجازات سالب حیات (اعدام) از سوی مقامات زندان یا مأموران انتظامی، تهیه و در پرونده محکوم ثبت و نگهداری می‌شود.
- ✓ در صورتی که محارب علاوه بر کشیدن سلاح و سلب امنیت، کسی را مجروح نموده یا به قتل رسانده یا اموال او را برده باشد، از این جهت نیز ضامن است و به قصاص، دیه، ردّ مال و ... محکوم خواهد شد.
- ✓ رسیدگی به جرم محاربه در صلاحیت دادگاه انقلاب است و این دادگاه در این فرض با سیستم تعداد قضات رسیدگی می‌کند و رأی صادره در این مورد قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.
- ✓ با توجه به حدّی بودن مجازات محاربه، امکان تخفیف یا تعلیق مجازات محاربه وجود ندارد و تخفیف یا سقوط مجازات تنها از طریق عفو خاص یا توبه امکان‌پذیر است. ممنوعیت تخفیف در مورد محاربه، شامل شروع به محاربه و معاونت در آن نمی‌شود، با توجه به تعزیری بودن مجازات در این موارد، امکان تخفیف مجازات از سوی قاضی وجود دارد، البته در مورد تعلیق، قاضی چنین اختیاری ندارد و به صراحت صدر ماده ۴۷ ق.م.ا و بند «ث» آن، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در اتهام شروع به محاربه یا معاونت در آن ممنوع می‌باشد.
- ✓ مطابق مواد ۱۲۲ و ۱۲۷ ق.م.ا در شروع به جرم و معاونت در آن، به مجازات قانونی جرم توجه می‌شود، نه مجازات قضایی یا مجازات مقرر در دادنامه.

• **سوال:** برای تعیین مجازات شروع به جرم یا معاونت کدام یک از مجازات‌های قانونی فوق باید مورد توجه قرار گیرد؟ برای مثال در فرض شروع به محاربه، چنانچه ملاک، مجازات اعدام باشد، مجازات شروع به آن حبس درجه ۴ و چنانچه ملاک، مجازات قطع عضو باشد، مجازات شروع به محاربه حبس درجه ۵ است.

✓ **پاسخ:** در این موارد باید مجازات شدیدتر یعنی اعدام را مورد توجه قرار داد که با توجه به این امر مجازات شروع به محاربه حبس درجه ۴ و مجازات معاونت در آن حبس درجه ۲ یا ۳ خواهد بود.

✓ مجازات تعزیری مزبور در مورد معاونت در محاربه منصرف از مواردی است که در شرع برای معاون مجازاتی در نظر گرفته شده باشد و در این موارد قاضی مؤظف است با توجه به ماده ۱۲۷ ق.م.ا مجازات معاون را بر مبنای حکم شرعی تعیین نماید.

مجازات اشخاص معاون در محاربه مطابق شرع:

- * **ردء:** کسی است که محارب را در ضبط و حمل و نگهداری اموال کاروانیان به راهزنان کمک می‌کند، بی آنکه دست به سلاح ببرد
- * **طلیع:** کسی است که مراقب کاروان‌ها بوده و رسیدن آن را به قطاع‌الطریق (راهزنان - محارب) خبر می‌دهد و آنان را در جمع‌آوری اموال کمک می‌کند.

✓ با توجه به حکم شرع باید حکم به کور نمودن چشم معاون داده شود.

إعمال قاعدة درأ در محاربه

با توجه به إعمال قاعدة درأ (تدراً الحدود بالشبهات) که در ماده ۱۲۰ نیز تصریح شده است اگر در جرم و شرایط ناظر بر آن و یا شرایط مسؤولیت کیفری شبهه‌ای ایجاد شود با إعمال قاعدة درأ، جرم اثبات نخواهد شد با این حال ماده ۱۲۱ ق.م.ا جهت إعمال قاعدة درأ در برخی جرایم موجب حد و به ویژه محاربه نظر دیگری داشته است.

ماده ۱۲۱ ق.م.ا: «در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

مطابق ماده فوق در کلیه جرایم حدّی اگر شبهه حاصل شود با عملی ساختن قاعدة درأ، جرم یا شرایط مورد تردید ثابت نخواهد شد، اما این قاعده در چهار جرم مستوجب حد متفاوت است و آن جرایم عبارتند از: سرقت، قذف، محاربه، افساد فی الارض.

با توجه به مفهوم مخالف ماده ۱۲۱ ق.م.ا با ایجاد شبهه در جرم محاربه مقام قضایی نمی‌تواند به صرف شبهه با تردید و «بدون نیاز به تحصیل دلیل»، اعمال قاعده نماید، بلکه باید تلاش عرفی را جهت انجام تحقیق با هدف نفی شبهه انجام دهد و اگر در نتیجه تحقیق و بررسی دلیلی بر نفی شبهه و تردید خود حاصل نکرد با اعمال قاعده در آن به براءة متهم رأی خواهد داد. این نکته مهم در تبصره ۱ ماده ۲۱۸ ق.م.ا تصریح شده است. قانونگذار در ماده ۲۱۸ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینة و سوگند پذیرفته می‌شود.»؛ اما در تبصره ۱ همین ماده با استثناء کردن محاربه چنین بیان داشته است: «در جرم محاربه صرف ادعاء، مُسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.»

توبه محارب: در محاربه توبه دارای ۳ نقش است:

۱. توبه محارب قبل از دستگیری: موجب سقوط مجازات است.
 ۲. توبه محارب پس از اثبات جرم: امکان عفو از سوی رهبری وجود دارد.
 ۳. توبه محارب پس از مدّت تبعید: شرط رهایی از تبعید می‌باشد.
- ✓ توبه مرتکب پس از دستگیری باید نزد قاضی دادگاه به اثبات برسد و بنابراین به نظر می‌رسد دادستان در این موارد موظّف به ادامه تعقیب و درج مراتب توبه در پرونده است تا دادگاه بر مبنای مرتکب، مجازات او را ساقط نماید.
- ✓ در رابطه با توبه پس از اثبات جرم به نظر می‌رسد، چنانچه دادگاه حکم به تبعید داده باشد، امکان عفو مرتکب وجود نداشته باشد و در هر حال مدّت یک ساله تبعید (نفی بلد) باید سپری شود.
- ✓ توبه مرتکب پس از دوران تبعید باید در دادگاه محرز شود و همین که دادگاه توبه او را احراز نماید، مرتکب آزاد می‌گردد.

جرم محاربه		
محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد		
محاربه جرمی، ساده، آنی و مقید است		
مواد ۲۷۹ الی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲		عنصر قانونی
کشیدن سلاح	رفتار مجرمانه	عنصر مادی
تجاوز به جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب مردم	نتیجه حاصله جرم	
مرتکب بداند آنچه را که به کار گرفته است؛ عرفاً سلاح بوده	علم به موضوع	عنصر روانی
داشتن قصد مجرمانه یعنی، قصد کشیدن سلاح را داشته باشد.	سوء نیت عام	
داشتن قصد نتیجه یعنی، قصد تجاوز به جان، مال یا ناموس مردم یا قصد ارباب مردم را داشته باشد.	سوء نیت خاص	
حد محاربه انتخاب یکی از چهار مجازات زیر به اختیار قاضی است:		حد محاربه
۵. اعدام		
۶. صلب		
۷. قطع دست راست و پای چپ		
۸. نفی بلد		

جرم افساد فی الارض

عناصر تشکیل دهنده جرم افساد فی الارض

عنصر قانونی جرم افساد فی الارض: ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مُفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره. هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیان‌بار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ محکوم می‌شود.

آیا محاربه و افساد فی الارض هر دو در آیه ۳۳ سوره مائده در قالب یک عنوان خاص مجرمانه مورد نظر شارع بوده است یا خیر؟ بسیاری از فقها و صاحب‌نظران با استناد به آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» محاربه و افساد فی الارض را در یک معنا به کار می‌برند، قانونگذار در مواد ۱۸۳ و ۱۹۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ با اتخاذ رویکردی مشابه، این دو جرم را در یک معنا به کار برده است، اما با توجه به ماده فوق (ماده ۲۸۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲) قانونگذار نظر به رویکرد فقهی‌ای دارد که محاربه را از افساد فی الارض تفکیک کرده و هر یک را جرم مستقل می‌داند. به همین دلیل ماده ۲۸۶ ق.م.ا به نحو جداگانه و مستقل به تعریف افساد فی الارض و تعیین حد مجزا یعنی حد اعدام به آن می‌پردازد.

البته که وجود برخی واژه‌ها و عبارات در متن ماده، آن را با نقد و چالش‌های جدی ناظر بر نحوه تفسیر ماده روبه‌رو می‌سازد که وجود برخی واژه‌ها و عبارات در متن ماده، آن را با نقد و چالش‌های جدی ناظر بر نحوه تفسیر ماده روبه‌رو می‌سازد که با توجه به قاعده احتیاط در دماء مسلمین این خطر وجود خواهد داشت که مبادا با تفسیرهای مطلق و مؤسّع از ماده ۲۸۶ ق.م.ا. در مورد رفتارهای مجرمانه برخی متهمین به سهولت حکم به اعدام ایشان قابل صدور باشد. واژه‌هایی از قبیل «به طور گسترده»، «شدید»، «عمده» و «در حد وسیع» که در طی متن ماده به عنوان وصف رفتار مجرمانه و یا نتایج حاصل از آن توسط قانونگذار تعیین شده‌اند؛ لیکن هیچ تعریفی برای این اوصاف و یا هیچ حدود و ثغوری برای آنها تصریح نشده است. در عین حال دایره رفتارهای مجرمانه ماده بسیار متعدد بوده و تقریباً تمام انواع رفتارهای مجرمانه قابل تصوّر در نظام عدالت کیفری را در برمی‌گیرد؛ اعم از جنایات و اقدام علیه تمامیت جسمانی اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت، جرائم اقتصادی، جرائم علیه تمامیت معنوی اشخاص، جرائم علیه امنیت و نظم عمومی کشور و جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی. بنابراین کافی است که هر یک از این رفتارها که هر کدام دارای مصادیق و عنوان خاص می‌باشد، به نحو گسترده (بدون اینکه ملاک این گستردگی معلوم باشد) واقع شوند و سپس منتهی به نتایج مندرج در ماده شوند؛ حسب مورد اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شوند. بنابراین مقام قضایی رسیدگی‌کننده می‌تواند با احراز وصف گستردگی در رفتار مجرمانه (به زعم خود و با احراز ملاک‌های عرفی که معین و ثابت نیستند و خصیصه آنها نسبی بودن است) و با تحصیل بر اینکه نتایج حاصل از آن رفتار، شدید یا عمده یا وسیع بوده است (همچنان بدون وجود ملاک معین در شدت، وسعت و عمدگی) حکم بر اعدام حدی مرتکب دهد.

عنصر مادی جرم افساد فی الارض

رفتار مجرمانه جرم افساد فی الارض: ارتکاب جرائم ذیل به طور گسترده:

۱. جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد

۲. جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور

۳. نشر اکاذیب

۴. اخلال در نظام اقتصادی کشور

۵. احراق و تخریب

۶. پخش مواد سمّی و میکروبی خطرناک

۷. دایر کردن مراکز فساد و فحشا

۸. معاونت در جرائم فوق

نتیجه حاصله جرم افساد فی الارض: در صورتی که ارتکاب جرائم فوق به طور گسترده موجب:

۱. اخلال شدید در نظم عمومی کشور

۲. یا ناامنی

۳. یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی

۴. یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود.

✓ جرم افساد فی الارض در زمره جرایم مقید است همچنین با لحاظ عمدی بودن جرم افساد فی الارض مرتکب باید علاوه بر قصد فعل مجرمانه از قصد نتیجه یا سوءنیت خاص نیز برخوردار باشد و اقدامات مرتکب باید منتهی به اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، و همان گونه که در تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا آمده است، که اگر از مجموع ادله و شواهد محرز شود که مرتکب عالم به اثرگذاری رفتار خود با لحاظ نتایج حاصل از آن نبوده است با اِعمال قاعده درأ (تدرأ الحدود بالشبهات) و رعایت ماده ۱۲۱ و تبصره ۱ ماده ۲۱۸ ق.م.ا تحقق افساد فی الارض منتفی شده و حد اعدام ثابت نخواهد شد. در این فرض رفتار مجرمانه ارتكابی تحت شرایط ذیل قابل مجازات خواهد بود:

- * یا این رفتار خود مستقلاً واجد عنوان مجرمانه است که غالباً همین گونه می باشد و بنابراین مجازات همان جرم ارتكابی اِعمال خواهد شد.
- * اما اگر رفتار ارتكابی عنوان مستقل مجرمانه نداشته باشد با لحاظ میزان و نتایج رفتار ارتكابی مشمول عنوان خاص مجرمانه تعیین شده در فراز آخر تبصره ماده ۲۸۶ ق.م.ا شده و بر این اساس متضمن حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ خواهد بود.

عنصر روانی جرم افساد فی الارض

سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتكاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم افساد فی الارض نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عا مد باشد؛ یعنی عمد در رفتارهای مجرمانه ذیل داشته باشد: ۱- جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد ۲- جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ۳- نشر اکاذیب ۴- اخلال در نظام اقتصادی کشور ۵- احراق و تخریب ۶- پخش مواد سمّی و میکروبی خطرناک ۷- دایر کردن مراکز فساد و فحشا ۸- معاونت در جرائم فوق.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم افساد فی الارض نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوء نیت خاص باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم افساد فی الارض قصد نتیجه که همان ارتكاب جرائم فوق به طور گسترده موجب: ۱- اخلال شدید در نظم عمومی کشور ۲- یا ناامنی ۳- یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ۴- یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود.

در مورد جرم افساد فی الارض نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ برای تحقق جرم افساد فی الارض برخلاف محاربه نیازی به استفاده از سلاح نیست، هرچند استفاده از سلاح در مورد برخی از مصادیق افساد فی الارض مانند نشر اکاذیب، پخش مواد سمّی و میکروبی و ... اساساً متصور نیست.
- ✓ تحقق جرم افساد فی الارض مستلزم رفتار مرتکب در سطح گسترده و تحقق نتیجه در سطح گسترده است؛ بنابراین در فرضی که یک شخص با کشتن یک فرد صاحب نفوذ سیاسی موجب ایجاد رُعب عمومی شود، رفتار وی را نمی توان افساد فی الارض دانست؛ زیرا بر رغم بازتاب وسیع این جرم، رفتار مرتکب در سطح گسترده نبوده و صرفاً یک نفر را به قتل رسانده است.
- ✓ مصادیق مقرر در ماده فوق هر یک دارای وصف مجرمانه مستقل هستند، ولی به نظر می رسد در مواردی که مجموع رفتارهای فرد مشمول افساد فی الارض باشد، باز باید دادگاه حکم به افساد فی الارض بدهد و بحث صدور حکم نسبت به اتهام دیگر منتفی است. برای مثال مطابق

تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۷/۲: «در مواردی که اسیدپاشی مشمول مقررات ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ باشد؛ اقدام مرتکب، افساد فی الارض محسوب، و به مجازات آن محکوم می‌شود»

✓ قانونگذار در ماده ۲۸۶ ق.م.ا، معاون در افساد فی الارض را هم مُفسد فی الارض و مستحق حدّ اعدام دانسته است؛ اما ایرادی که از این جهت به ذهن می‌رسد، مغایر حکم مزبور با بند (ث) ماده ۴۷ ق.م.ا است؛ زیرا قانونگذار در این بند صدور قرار تعلیق اجرای مجازات را در معاونت در قتل عمدی، محاربه و افساد فی الارض ممنوع دانسته است؛ در حالی که با توجه به حدّی بودن مجازات معاونت در افساد فی الارض اساساً سخن از تعلیق اجرای مجازات و دیگر نهادهای ارفاقی که مختص جرائم تعزیری هستند، امری لغو است.

✓ مطابق ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۹۶، مجازات اعدام و حبس ابد در مورد مرتکبین این جرائم لغو و اعدام به حبس درجه ۱ تا ۳۰ سال و جزای نقدی درجه ۱ تا ۲ برابر حداقل آن تبدیل شده است.

✓ همچنین مطابق ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۹۶، مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم همچنین مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم می‌شوند:

- * مرتکب سلاح (اعم از سرد یا گرم) کشیده باشد.
 - * مرتکب سلاح گرم یا شکاری به همراه داشته باشد، ولو آنکه آن را نمایان نکند
 - * مرتکب نقش سردسته، پشتیبان مالی یا سرمایه‌گذار را داشته باشد.
 - * مرتکب از مجانیین یا افراد کمتر از ۱۸ سال استفاده کرده باشد.
 - * مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از ۱۵ سال داشته باشد.
- ✓ در رابطه با مجازات حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ که در تبصره ماده فوق به آن اشاره شده است، بایستی خاطرنشان ساخت که مجازات مذکور برخلاف شروع به افساد فی الارض یا معاونت در آن قابل تعلیق است، حتی اگر در زمره جرائم امنیتی محسوب کنیم؛ زیرا به صراحت ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در صورتی که در جرائم علیه امنیت، مرتکب همکاری مؤثری در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان داشته باشد، تعلیق بخشی از مجازات (نه همه آن) امکان‌پذیر است.
- ✓ تعیین مجازات فوق ناظر بر فرضی است که در سایر قوانین مجازات دیگری برای این جرم در نظر گرفته نشده باشد؛ برای مثال قانونگذار در مورد پخش رادیواکتیو در مواردی که رفتار مرتکب مشمول افساد فی الارض نباشد، به طور صریح در ماده ۱۳ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰ تعیین تکلیف نموده است؛ مطابق این ماده: «در صورتی که قاضی با جلب نظر کارشناسان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا سازمان انرژی اتمی در مورد مواد رادیواکتیو تشخیص دهد اقلام یا مواد تحت کنترل، با توجه به مقدار و میزان خسارات احتمالی، عمده و انبوه بوده است، چنانچه مرتکب محارب شناخته نشود، وی را به حبس تعزیری از ۲۵ تا ۳۰ سال محکوم می‌نماید»

✓ تعدادی از جرائم مقرر در ماده فوق در زمره جرائم قابل گذشت به شمار می‌روند (مانند تخریب و نشر اکاذیب) ولیکن در صورتی که این رفتارها مشمول عنوان «افساد فی الارض» قرار گیرند، دیگر اراده شکات در شروع به تعقیب یا خاتمه آن تأثیری ندارد و بر خلاف گذشت شاکی خصوصی نیز تعقیب و مجازات به اجرا گذاشته می‌شود، برای مثال در جرم قتل عمدی، هر چند حق قصاص جزء حقوق خصوصی اولیای دم به شمار می‌رود، ولیکن چنانچه به دلیل گستردگی قتل‌های عمدی و سلب امنیت عمومی، رفتار مرتکب مشمول افساد فی الارض باشد، حتی با گذشت تمام اولیای دم، باز مجازات سالب حیات به دلیل افساد فی الارض (نه از باب قصاص نفس) به اجرا گذاشته می‌شود.

✓ محاربه و افساد فی الارض از نظر مجازات با یکدیگر متفاوت هستند، چرا که مجازات محارب یکی از مجازات‌های مقرر در ماده ۲۸۲ ق.م.ا است، در حالی که مجازات مُفسد فی الارض صرفاً سلب حیات یا اعدام می‌باشد.

✓ با لحاظ ماده ۱۱۴ ق.م.ا توبه مفسد فی الارض قبل از اثبات جرم و همچنین بعد از اقرار با حصول شرایط مندرج در مواد ۱۱۴ الی ۱۱۹ ق.م.ا می‌تواند از اسباب سقوط حد باشد.

✓ با توجه به ماده ۳۶ ق.م.ا حکم محکومیت قطعی کیفری در جرم افساد فی الارض قابل انتشار در یکی از روزنامه‌های محلی در نوبت می‌باشد.

در حکم مفسد فی الارض محسوب شدن برخی مجرمین قانون مبارزه با مواد مخدر و روان گردان

ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن: «مرتکبان جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل، در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به حبس درجه ۱ تا ۳۰ سال و جزای نقدی درجه ۱ تا ۲ برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه ۲ و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرائم مواد مخدر و روان گردان محکوم می‌شوند:

الف - مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند.

منظور از سلاح در این بند، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌باشد.

ب - در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

پ - مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرائم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.

ت - کلیه جرائم موضوع ماده (۴) این قانون مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از ۲ کیلوگرم باشد و درخصوص سایر جرائم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از ۳ کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجراء شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) نیز می‌باشد.

تبصره - در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از ۵ سال دارد در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده (۳۸)، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند (۱۱) اصل یکصد و دهم (۱۱۰) قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد و در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت ۵ تا ۱۰ سال تعلیق کند.

ماده ۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن:

«هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تقاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیرداروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- تا ۵۰ گرم، تا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و تا ۵۰ ضربه شلاق.

۲- بیش از ۵۰ گرم تا ۵۰۰ گرم، از شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا ۳ سال حبس.

۳- بیش از ۵۰۰ گرم تا ۵ کیلوگرم، از صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا شصت میلیون (۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۵۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و ۳ تا ۱۵ سال حبس.

۴- بیش از ۵ کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره - هرگاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، ۲۰ کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و ۷۴ ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای ۲۰ کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن: «هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیرداروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد.

۱- تا ۵ سانی گرم، از پانزده میلیون (۱۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سی و پنج میلیون (۳۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۲۰ تا ۵۰ ضربه شلاق.
۲- بیش از ۵ سانی گرم تا ۱ گرم، از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا نود میلیون (۹۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۳۰ تا ۷۰ ضربه شلاق.

۳- بیش از ۱ گرم تا ۴ گرم، از صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۲ تا ۵ سال حبس و ۳۰ تا ۷۰ ضربه شلاق.

۴- بیش از ۴ گرم تا ۱۵ گرم، از دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۵ تا ۸ سال حبس و ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق.

۵- بیش از ۱۵ گرم تا ۳۰ گرم، از سیصد میلیون (۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) تا ششصد میلیون (۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جریمه نقدی و ۱۰ تا ۱۵ سال حبس و ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق.

۶- بیش از ۳۰ گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره ۱- هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از ۱۰۰ گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

تبصره ۲- در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و شرکت‌ها و یا موسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازات‌های مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد.

به موجب تبصره ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: «تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه ۱ تبدیل می‌شود»

جرم افساد فی الارض		
ارتکاب جرائم ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی به طور گسترده		
افساد فی الارض جرمی، ساده، آنی و مقید است		
ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲		عنصر قانونی
جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد	رفتار مجرمانه	عنصر مادی
جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور		
نشر اکاذیب		
اخلال در نظام اقتصادی کشور		
احراق و تخریب		
پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک		
دایر کردن مراکز فساد و فحشا		
معاونت در جرائم فوق		
ارتکاب جرائم فوق به طور گسترده		
اخلال شدید در نظم عمومی کشور	نتیجه حاصله جرم	
ناامنی		
ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی		
اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع		
داشتن قصد رفتار مجرمانه جرائم فوق	سوء نیت عام	عنصر روانی
داشتن قصد نتیجه یعنی، ارتکاب جرائم فوق که موجب: ۱- اخلال شدید در نظم عمومی کشور ۲- یا ناامنی ۳- یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی ۴- یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود.	سوء نیت خاص	
اعدام		حد افساد فی الارض

جرم بغی

ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

✓ جرم بغی عبارت است از قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

✓ مرتکب جرم بغی را باغی می‌گویند.

✓ منظور از گروه تشکیلات مجرمانه با حداقل ۳ عضو است؛ مطابق تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.»

✓ رسیدگی به جرم بغی در صلاحیت دادگاه انقلاب است و این دادگاه در این فرض با سیستم تعداد قضات رسیدگی می‌کند رأی صادره در این مورد قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است.

✓ قانونگذار در ماده ۴۹۸ ق.م.ا بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جرم تشکیل یا اداره گروه مجرمانه برای برهم زدن امنیت کشور را جرم‌انگاری نموده است که از حیث تعداد مرتکبین و ماهیت امنیتی بودن جرم، مشابه بغی است؛ به موجب این ماده: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن

امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود» همان گونه که ملاحظه می‌شود، تعیین مجازات تعزیری مقرر در این ماده منوط به آن است که مرتکب، محارب (باغی) شناخته نشود، وگرنه به حد اعدام محکوم خواهد شد. از مهم‌ترین وجوه تمایز میان جرم بغی با جرم موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- * جرم بغی مستلزم استفاده از سلاح است؛ اما برای تحقق جرم موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات، چنین شرطی لازم نیست.
- * هدف گروه باغی قیام علیه اساس نظام جمهوری اسلامی است، در حالی که در جرم موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات هدف مرتکبین، صرفاً بر هم زدن امنیت کشور است، بی‌آنکه لزوماً درصدد مقابله با اصل نظام باشد.

ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه اعضای گروه باغی، قبل از درگیری و استفاده از سلاح، دستگیر شوند، چنانچه سازمان و مرکزیت آن وجود داشته باشد به حبس تعزیری درجه سه و در صورتی که سازمان و مرکزیت آن از بین رفته باشد به حبس تعزیری درجه پنج محکوم می‌شوند.»

✓ در مواردی که مرتکبین اقدام به استفاده از سلاح نموده باشند، در هر حال مجازات آنها اعدام است، اعم از آنکه مرکزیت گروه باقی بوده یا از بین رفته باشد.

✓ از بین رفتن مرکزیت لزوماً به معنای فوت اعضای مرکز نیست بلکه شامل مواردی به دلایلی نظیر زندانی شدن اعضای اصلی، مرکزیت گروه از بین رفته باشد هم می‌شود

✓ تشدید مجازات مرتکب در مواردی که مرکزیت گروه باقی باشد، به دلیل امکان بازگشت مرتکبین به تشکیلات خود و شورش مجدد است.

جرم بغی			
بغی جرمی، ساده، آنی و مطلق است			
عناصر قانونی		مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲	
عناصر مادی		قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران	
عناصر روانی		قصد قیام مسلحانه علیه اساس نظام جمهوری اسلامی ایران	
حد بغی	اعضای گروه از سلاح استفاده کرده باشند		اعدام
	اعضای گروه از سلاح استفاده نکرده باشند		مرکزیت گروه پا برجا مانده باشد حبس تعزیری درجه ۳
			مرکزیت گروه پا برجا نمانده باشد حبس تعزیری درجه ۵

یه پیام غیربازرگانی: ما در سایت www.mollakarimi.ir، کانال تلگرام ([@omidmollakarimi](https://t.me/omidmollakarimi)) و صفحه اینستاگراممون ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar))، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موجب مجازات‌های تعزیری

جرم تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت به منظور برهم زدن امنیت کشور

ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.»

تفاوت جرم محاربه با جرم بغی	
جرم محاربه	جرم بغی
موضوع جرم محاربه، کشیدن سلاح علیه مردم است.	موضوع جرم بغی، قیام مسلحانه علیه نظام است.
محاربه از سوی یک نفر قابل ارتکاب است	بغی لزوماً از سوی یک گروه مجرمانه تحقق می‌یابد.
محاربه جرمی مقید و مستلزم سلب امنیت عمومی است	بغی جرمی مطلق است و برای تحقق نیازی به حصول نتیجه یعنی تزلزل پایه‌های نظام جمهوری اسلامی نیست.
در محاربه صرف کشیدن سلاح کفایت می‌کند	اجرای حدّ بغی مستلزم استفاده از سلاح و شلیک حداقل چند تیر است، هر چند به نظر می‌رسد ضرورتی به آسیب جسمانی یا ورود خسارت به اموال عمومی نباشد.
مجازات محارب یکی از چهار مجازات مقرر در ماده ۲۸۲ ق.م.ا به انتخاب قاضی است.	مجازات باغی لزوماً اعدام است، مگر آنکه اساساً از اسلحه استفاده ننماید، که در این صورت به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.
با توجه به بند «ث» ماده ۴۷ ق.م.ا شروع به محاربه و معاونت در آن غیرقابل تعلیق دانسته شده است	با توجه به سکوت قانون و ضرورت تفسیر به نفع متهم، به نظر می‌رسد صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مورد شروع به بغی یا معاونت در آن، فاقد منع قانونی باشد.

همان طور که ملاحظه می‌شود قانونگذار در این ماده تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی را که ۳ نفر یا بیشتر عضو دارد را که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد را جرم‌انگاری کرده است. نکات پیرامون جرم پیش‌بینی شده در این ماده از قرار ذیل است:

- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «تشکیل یا اداره جمعیت با هدف برهم زدن امنیت کشور»
- ✓ مجازات مقرر در ماده فوق صرفاً برای مؤسس یا مدیر گروه مجرمانه است و در مورد سایر اعضای گروه باید به ماده ۴۹۹ ق.م.ا تعزیرات مراجعه نمود، ناگفته نماند در فرضی که مرتکب علاوه بر تشکیل، خود به اداره گروه بپردازد، رفتار او را نمی‌توان از مصادیق تعدّد جرم دانست؛ مگر آن که اقدامات او مربوط به دو یا چند گروه مجرمانه باشد که در این صورت، رفتار او از مصادیق تعدّد جرم محسوب می‌شود.
- ✓ منظور از تشکیل دادن، تأسیس و به وجود آوردن است و منظور از اداره کردن، مدیریت کردن این گروه است.
- ✓ هرگاه کسی دسته یا جمعیت واحدی را تأسیس کرده و خودش هم آن را اداره کند، ظاهراً نمی‌توان او را به تحمّل دو مجازات محکوم نمود.
- ✓ منظور از جمعیت به صراحت ماده فوق، گروهی با حداقل ۳ عضو است، مشابه این نظر را تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا را نیز می‌توان دید؛ مطابق تبصره مذکور: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد» با توجه به ملاک مقرر در تبصره فوق به نظر می‌رسد در مواردی که گروه فاقد انسجام و تداوم است، رفتار مرتکب را نمی‌توان مشمول ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات دانست.
- ✓ جنسیت، شغل، سمت و ملیت مرتکب و مرتکبان جرم موضوع این ماده از اهمیت برخوردار نمی‌باشد و هرکس می‌تواند مرتکب جرم موضوع این ماده شود.
- ✓ اعضای دسته یا جمعیت باید بیش از ۲ نفر یعنی ۳ نفر یا بیشتر، باشند.
- ✓ خود مؤسس یا مدیر نیز جزء نصاب فوق محسوب می‌شود، برای مثال در فرضی که «الف» اقدام به تشکیل، «ب» اقدام به اداره و «ج» عضو گروه باشد، برای تحقق دسته یا جمعیت مجرمانه کفایت می‌کند.
- ✓ لازم نیست که هر ۳ نفر تشکیل‌دهنده این گروه باشند بلکه مرتکب این جرم گروهی را با هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل داده یا اداره می‌نماید که تعداد اعضای آن ۳ نفر یا بیشتر هستند.
- ✓ جرم فوق یکی از مصادیق سردستگی است که به طور خاص جرم‌انگاری شده است و بنابراین برای تعیین مجازات سردهسته باید به همین ماده مراجعه نمود؛ نه حکم عام مقرر در ماده ۱۳۰ ق.م.ا تعزیرات.

- ✓ منظور از تشکیل یا اداره صرفاً تشکیل یا اداره مرکز اصلی نیست و شامل شعبه آن جمعیت نیز می‌شود، برای مثال در فرضی که مرکزیت گروه در لندن باشد و یکی از اعضای اصلی گروه اقدام به تشکیل شعبه دیگری از آن در امارات نماید نیز به مجازات مندرج در ماده ۴۹۸ ق.م.ا محکوم خواهد شد.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق به شمار می‌رود و صرف تشکیل یا اداره گروه مجرمانه برای تحقق آن کفایت می‌کند، اعم از آنکه در عمل منتهی به برهم خوردن امنیت کشور بشود یا نه؛ بنابراین برخلاف نظر برخی، «عبارت هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد» بیانگر انگیزه مرتکب است، نه سوءنیت خاص او؛ زیرا به صراحت ماده ۱۴۴ ق.م.ا بحث سوءنیت خاص مختص جرائم مقید می‌باشد و در جرائم مطلق اساساً بحث سوءنیت خاص یا قصد نتیجه منتفی است.
- ✓ قانونگذار در این ماده پیش‌بینی کرده است که اگر کسی دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر را تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد در صورتی که محارب شناخته نشود به ۲ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود در چه فرضی مرتکب محارب شناخته می‌شود؟ محارب محسوب شدن مرتکب منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:
 ۱. مرتکب از سلاح استفاده نموده و اقدامات او در عمل منتهی به سلب امنیت شود.
 ۲. تشکیل یا اداره جمعیت، نه صرفاً به قصد برهم زدن امنیت کشور، بلکه به قصد براندازی نظام باشد.
- ✓ فرقی نمی‌کند که محل تشکیل دسته یا جمعیت داخل کشور یا خارج از کشور باشد مرتکب ایرانی یا غیرایرانی باشد.
- ✓ مرام مرتکب جرم غالباً همان مرام دسته یا جمعیتی که تشکیل می‌دهد تلقی می‌گردد.
- ✓ منظور از مرام، بنیاد فکری، ایدئولوژی، اندیشه سیاسی یا اعتقادات مذهبی و مسلکی است.
- ✓ اگر کسی در تشکیل این قبیل دستجات دخالت یا مشارکتی نداشته باشد و فقط بعد از تشکیل، آن را اداره نماید، مشمول عنوان این جرم خواهد بود.
- ✓ اگر شخصی خارج از ایران نیز مرتکب این جرم گردد، دادگاه‌های کیفری ایران صالح به رسیدگی به این جرم است حتی به صورت غیابی، و اگر مرتکب در خارج از ایران بابت این جرم محاکمه و مجازات شده باشد، امکان رسیدگی مجدد به جرم او در ایران وجود دارد و دادگاه ایران میزان محکومیت اجراء شده را محاسبه می‌کند. (ماده ۵ ق.م.ا)

جرم عضویت در گروهی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور است

- ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به ۳ ماه تا ۵ سال حبس محکوم می‌گردد؛ مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.»
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «عضویت در گروهی که هدف آن برهم زدن امنیت کشور می‌باشد»
 - ✓ رفتار مجرمانه این جرم که عضویت است به صورت وضعیت یا حالت می‌باشد.
 - ✓ حکم فوق صرفاً ناظر بر اعضای گروه است و شامل حامیان و طرفداران آن گروه نمی‌شود.
 - ✓ ویژگی خاصی برای مرتکب شرط نیست و هر کس می‌تواند این جرم را انجام دهد؛ یعنی ایرانی یا غیرایرانی بودن اعضای این گروه مهم نیست.
 - ✓ در ماده فوق برخلاف ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات، به محارب محسوب شدن مرتکب اشاره نشده است، چرا که نقش اعضای گروه در مقایسه با مؤسسان یا مدیران آن چنان پر رنگ نیست که بتوان آنان را محارب دانست.
 - ✓ منظور از دسته یا جمعیت گروه‌هایی هستند که دارای نوعی دوام و پایداری می‌باشند؛ بنابراین نمی‌توان برای مثال تشکیل دهنده یا شرکت‌کننده در یک کنفرانس دو روزه را، حتی اگر به قصد برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده باشد، مشمول مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ ق.م.ا تعزیرات دانست.
 - ✓ منظور از عضویت قبول رسمی عضویت در این گروه‌ها است که معمولاً با صدور یک کارت عضویت و پرداخت حق عضویت و همکاری عملی و مستمر با آن گروه محقق می‌گردد؛ بنابراین یک طرفدار ساده یا یک همفکری و یا حتی تأیید شفاهی و کتبی اهداف آن جمعیت، عضویت محسوب نمی‌شود

✓ مرتکب که در حقیقت همان عضو این گروه است باید از اهداف این گروه که همان بر هم زدن امنیت کشور است آگاه باشد و این شرط است، پس اگر ثابت شود که این عضو از اهداف این گروه بی‌اطلاع بوده است به علت فقدان عنصر روانی مرتکب جرم نشده است، لازم به ذکر است که قانونگذار این امر را در قسمت اخیر ماده فوق چنین ذکر کرده است: «مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است»؛ بنابراین قانونگذار اصل را بر این امر گذاشته است که عضو از اهداف گروه اطلاع داشته است، مگر اینکه بتواند خلاف آن را ثابت کند. مشابه این حکم در مورد مؤسس و در مدیر در ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات مورد پیش‌بینی قرا نگرفته است، چون بحث جهل (عدم آگاهی) نسبت به اهداف گروه در مورد این اشخاص اساساً متصور نیست.

✓ در مواردی که اعضای گروه به دلایل شخصی مانند جهل یا جنون، از تعقیب یا مجازات معاف باشند، تاثیری در نصاب مندرج در ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات نخواهد داشت و برای مثال در فرضی که علاوه بر مدیر و مؤسس، شخص ثالثی به عنوان عضو حضور داشته باشد که اصلاً از اهداف گروه مطلع نیست، مدیر و مؤسس به دلیل تشکیل یا اداره گروه مجرمانه به مجازات مقرر در ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات محکوم شده و نفر سوم به دلیل عدم آگاهی از اهداف گروه، از مجازات معاف است، البته این حکم شامل موانع عینی مسئولیت کیفری نمی‌شود و در صورتی که در فرض فوق، نفر سوم به دلیل اکراه، مجبور به عضویت در گروه مجرمانه شده باشد، رفتار مؤسس و مدیر به دلیل نرسیدن به حد نصاب، مشمول ماده ۴۹۸ ق.م.ا تعزیرات نخواهد بود.

✓ ماده ۴۹۹ ق.م.ا تعزیرات، در مورد کسانی که عضو نبوده بلکه صرفاً حامی یا مبلغ دسته یا جمعیتی می‌باشند، قابل اعمال نیست.

✓ هرگاه کسی در بیش از یک دسه یا جمعیت مذکور در مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ ق.م.ا تعزیرات عضویت داشته یا آنها را تشکیل یا اداره نموده باشد، اعمال او را می‌توان مشمول تعدد جرم دانست.

✓ مجازات مرتکب جرم عضویت در گروهی که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور است ۳ ماه تا ۵ سال حبس می‌باشد؛ یعنی جرم تعزیری درجه ۵ محسوب می‌شود.

✓ جرم تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت به منظور تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران توسط اشخاص نظامی؛ مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که برنامه براندازی به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران را طراحی یا بدان اقدام نموده و به این منظور جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید یا در چنین جمعیتی شرکت یا معاونت مؤثر داشته باشد محارب محسوب می‌شود.» و ماده ۱۹ قانون فوق: «هر نظامی که به منظور برهم زدن امنیت کشور (ایجاد رعب، آشوب و قتل)، جمعیتی با بیش از دو نفر تشکیل دهد یا اداره کند، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌گردد. اعضای جمعیت که نسبت به اهداف آن آگاهی دارند در صورتی که محارب شناخته نشوند به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم می‌گردند»

جرم توهین به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی

ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (الحاقی به موجب قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۲۷): «هر کس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد به حبس و جزای نقدی درجه ۵ یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه ۶ یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.

تبصره ۱- منظور از توهین موارد مندرج در «قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴» می‌باشد.

تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق توطئه در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود.»

- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «توهین به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی»
- ✓ فلسفه وضع ماده فوق، جرم‌انگاری اهانت و مذاهب قانونی و اقوام در کشور با توجه به شیوع آن بالاخص از سوی افراد و گروه‌های معاند نظام است، چرا که تا پیش از این صرفاً توهین به مقدسات اسلام یا توهین به شخص حقیقی خاص (نه اقوام و ادیان) جرم قلمداد می‌شد، ولیکن با وضع این ماده توهین به اقوام نیز جرم دانسته شده و با توجه به حساسیت موضوع، مجازات شدیدتری در مقایسه با توهین عادی برای آن در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر جرم فوق بر خلاف موضوع مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، در زمره جرایم غیر قابل گذشت می‌باشد و برای شروع به تعقیب در آن نیازی به شکایت بزه‌دیده نیست.
- ✓ استناد به ماده فوق ناظر بر فرضی است که اولاً توهین به ادیان مشمول سب نبی نباشد و ثانیاً از مصادیق کذب قلمداد نشود، وگرنه مرتکب به مجازات حدی مقرر در قانون محکوم خواهد شد.
- ✓ با توجه به اصل سیزدهم قانون اساسی ادیان به رسمیت شناخته شده در قانون عبارتند از: مسیحی، کلیمی، و زردشتی.
- ✓ مطابق ماده واحد قانون استفساریه مقرر در تبصره (۱) ماده فوق: «از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق به شمار می‌رود و اینکه رفتار مرتکب موجب تنش یا خشونت شود، تأثیری در اصل جرم نداشته و تحقق تنش یا خشونت صرفاً موجب تشدید مجازات مرتکب می‌شود؛ بدین ترتیب به نظر می‌رسد منظور از «قصد خشونت یا تنش» در صدر ماده، انگیزه خاص مرتکب باشد، نه سوءنیت خاص.
- ✓ تشدید مجازات مقرر در تبصره ۲ ماده فوق برای کلیه اعضای گروه مجرمانه است و مجازات سردسته با استناد به ماده ۱۳۰ ق.م.ا حداقل تشدیدترین جرمی است که اعضای گروه (با وصف تشدید) مرتکب شده‌اند.
- ✓ برای تحقق جرم فوق وسیله فاقد موضوعیت است و توهین به هر طریقی خواه به طور لفظی، کتبی و ... صورت پذیرد، مشمول ماده فوق خواهد بود، ولیکن چنانچه «از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی مجازی» موجب تشدید مجازات مرتکب تا یک درجه خواهد بود.

جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام یا فعالیت تبلیغ به نفع گروه‌های و سازمان‌های مخالف نظام

- ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد.»
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «فعالیت تبلیغی علیه نظام یا فعالیت تبلیغ به نفع گروه‌های و سازمان‌های مخالف نظام»
 - ✓ اطلاق عنوان «فعالیت تبلیغی» بر رفتار افراد مستلزم استمرار و تکرار است و بنابراین تحقق جرم مزبور مستلزم انجام این عمل برای حداقل دو مرتبه است، ناگفته نماند تکرار تبلیغ به منزله تکرار همان عمل قبلی نیست و ممکن است نوع تبلیغ در مرتبه نخست در قالب پخش برنامه تلویزیونی در رسانه‌های خارجی و در مرتبه دوم از طریق پخش شب‌نامه و اعلامیه باشد.
 - ✓ منظور از «نظام» در ماده فوق کلیت نظام است، نه صرفاً برخی از نهادهای اداری یا اجرایی و ... در واقع فعالیت مرتکب باید برای براندازی کلیت نظام باشد، نه صرفاً نقد یا تبلیغ علیه یکی از قوای سه‌گانه و غیره.
 - ✓ ناگفته نماند در مواردی که شخص به طور غیرمستقیم علیه نظام جمهوری اسلامی فعالیت ننموده و لیکن با تبلیغ به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام (مانند گروه معاند سازمان مجاهدین خلق) اقدام به تبلیغ نماید نیز مشمول جرم فوق است.
 - ✓ جرم فوق صرفاً از سوی کسی محقق می‌شود که مباشرت در تبلیغ علیه نظام داشته باشد و کسانی که با دادن سرمایه، تجهیزات، و ... به مرتکب همکاری نمایند به مجازات معاونت در جرم (حبس تعزیری درجه هفت یا هشت) محکوم می‌شوند.

✓ جرم فوق در زمره جرم مطلق محسوب می‌شود و حتی اگر فعالیت تبلیغاتی مرتکب اثر معکوس داشته و اتفاقاً موجب حمایت مردم از نظام شود نیز مرتکب به مجازات جرم فوق محکوم خواهد شد.

✓ با توجه به ماده ۱۲۲ ق.م.ا شروع به جرم تنها در جرائم مستوجب تعزیر درجه ۱ تا ۵ متصور است؛ بنابراین شروع به جرم موضوع ماده فوق، قابل مجازات نیست، برای مثال در فرضی که شخصی مطالبی را علیه نظام آماده کرده تا در صفحه مجازی بارگذاری کند، اما در زمان بارگذاری، دستگیر شود، رفتار او شروع به جرم محسوب نمی‌شود، اما در صورتی که دارای وصف مجرمانه مستقل باشد، رفتار وی جرم محسوب می‌شود.

✓ بسیاری از جرائم علیه امنیت مندرج در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) در فصل دوم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ مورد پیش‌بینی قرار گرفته شده و مجازات شدیدتری برای مرتکب در نظر گرفته شده است ولی مشابه جرم فوق در قانون جرائم نیروهای مسلح مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است و بنابراین در صورت ارتکاب جرم مزبور از سوی نظامیان، مرتکب به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم می‌گردد.

جرم استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القاءات روانی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود یا هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام

ماده ۵۰۰ مکرر قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (الحاقی به موجب قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۲۷): «هر کس در قالب فرقه، گروه، جمعیت یا مانند آن و استفاده از شیوه‌های کنترل ذهن و القاءات روانی در فضای واقعی یا مجازی مرتکب اقدامات زیر گردد، چنانچه رفتار وی مشمول حد نباشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از این دو مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج محکوم می‌گردد. مجازات سردستگی فرقه یا گروه مزبور مطابق با ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تعیین می‌شود:

۱- هر اقدامی که موجب تسلط روانی یا جسمی بر دیگری شود به نحوی که فرد مورد بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی، جسمی یا مالی واقع شود و یا در اثر آسیب‌رسانی به قدرت تصمیم‌گیری فرد و تشویق وی به ارتکاب جرائمی از قبیل اعمال منافی عفت، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و یا مواد روان‌گردان، خودآزاری یا دیگر زنی؛ فرد، مرتکب این اقدامات گردد.

۲- هرگونه فعالیت آموزشی و یا تبلیغی انحرافی مغایر و یا مخل به شرع مقدس اسلام از طرقی مانند طرح ادعاهای واهی و کذب در حوزه‌های دینی و مذهبی از قبیل ادعای الوهیت، نبوت یا امامت و یا ارتباط با پیامبران یا ائمه اطهار (علیهم السلام)

تبصره ۱- تأمین مالی و یا هر نوع حمایت مادی دیگر از گروه‌های موضوع این ماده با آگاهی از ماهیت آنها موجب محکومیت به حبس درجه ۵ و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کمک‌های مالی و حمایت‌های مادی ارائه شده می‌باشد. چنانچه مرتکب شخص حقوقی باشد به انحلال و پرداخت جزای نقدی مذکور محکوم می‌گردد.

تبصره ۲- ارتباط گروه‌های موضوع این ماده با خارج از کشور برای دریافت حمایت یا هدایت‌های تشکیلاتی موجب تشدید مجازات مقرر به میزان ۱ درجه می‌گردد.

تبصره ۳- اموال سردسته‌ها و اشخاص تأمین‌کننده مالی گروه‌های موضوع این ماده که ناشی از جرم بوده یا برای ارتکاب جرم استفاده یا به این منظور تهیه شده باشد و اموال متعلق به گروه‌های مزبور به نفع بیت‌المال مصادره می‌گردد.

در صورتی که مشخص شود اموال متعلق به دیگری بوده یا دیگری نسبت به آن صاحب حق باشد و آن اموال به منظور انجام افعال مجرمانه در اختیار اشخاص و گروه‌های مذکور قرار نگرفته باشد، اموال مزبور به مالک یا صاحب حق مسترد و مرتکب معادل ارزش آن به جزای نقدی محکوم می‌شود، و یا چنانچه مشخص شود مجرم نسبت به دیگری دین حال دارد و اموال استفاده شده در ارتکاب جرم یا تهیه شده به منظور ارتکاب جرم، متعلق به خود او است و ناشی از جرم نیست، اموال وی معادل ارزش دین حال به طلبکار یا طلبکاران مسترد و مجرم معادل ارزش اموال مسترد شده به جزای نقدی محکوم می‌شود.

تبصره ۴- امور آموزشی و پژوهشی و سایر اقدامات مشابه به منظور رد و طرد و پاسخگویی به شبهات و نقد عقاید گروه‌های موضوع این ماده از شمول حکم این ماده و ماده (۴۹۹ مکرر) این قانون خارج است. (الحاقی ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)

✓ جرم فوق در زمره جرائمی است که لزوماً در قالب گروه، فرقه و ... (نه یک فرد) و از طریق جذب و تأثیر ذهنی بر دیگران برای انجام اقدامات مقرر در بندهای فوق، تحقق می‌یابد (مانند تأثیراتی که فرقه ضالّه وهابیت بر سایرین گذاشته و با شبهات و بدعت‌های فرقه خود، موجب انحراف تعدادی از افراد و گرایش به اعتقادات بی‌اساس این گروه‌ها شده است).

✓ تأمین مالی گروه‌های فوق در صورتی مشمول تبصره (۱) ماده فوق است که از مصادیق تأمین مالی تروریسم و حمایت مالی از گروه‌هایی مانند داعش که به فعالیت‌های تروریستی می‌پردازند، نباشد، وگرنه مرتکب به مجازات جرم تأمین مالی تروریسم محکوم خواهد شد.

✓ حکم مقرر در قسمت اخیر تبصره (۱) ماده فوق در رابطه با انحلال شخص حقوقی، استثنائی بر حکم عام ماده ۱۲۲ ق.م.ا به شمار می‌رود و حتی اگر تشکیل شخص حقوقی به منظور ارتکاب جرم نبوده یا بعداً به طور انحصاری در این زمینه به فعالیت نپرداخته باشد، حکم به انحلال صادر می‌گردد.

جرم در اختیار قرار دادن اطلاعات راجع به سیاست کشور به افراد فاقد صلاحیت: جاسوسی

ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالم‌اً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به ۱ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «در اختیار قرار دادن اطلاعات راجع به سیاست کشور به افراد فاقد صلاحیت»
✓ با توجه به ماده فوق شرط تحقق این جرم آن است که اطلاعات مزبور در اختیار شخص فاقد صلاحیت قرار داده شده یا از آن مطلع گردد؛ بنابراین ارتکاب این جرم مستلزم ارائه مستقیم اطلاعات نیست و به هر نحوی که افراد فاقد صلاحیت از آن مطلع شوند (مانند تماس تلفنی، اشتراک گذاری اطلاعات از طریق فضای مجازی، ایمیل، نامه و ...) جرم مذکور محقق می‌شود.

✓ منظور از «اطلاعات» اعم از اسرار، اسناد، نقشه‌ها و تصمیمات راجع به کشور؛ و منظور از «راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور» نیز تمام موضوعاتی است که به اداره کشور در ابعاد داخلی یا خارجی مربوط می‌شود؛ بنابراین صرفاً شامل اطلاعات راجع به امنیت داخلی یا خارجی کشور نمی‌شود و سایر امور مانند مسائل اقتصادی، نظامی و ... را هم شامل می‌شود.

✓ منظور از اشخاص فاقد صلاحیت، لزوماً دشمن یا گروه‌های معاند نیست و کلیه کسانی را که حق دسترسی به اطلاعات مذکور ندارند را در برمی‌گیرد، ولی به صراحت ماده فوق اقدام مرتکب باید «متضمن نوعی جاسوسی باشد»؛ بنابراین مرتکب این اطلاعات را باید به عنوان خبرچین و جاسوس در اختیار افراد فاقد صلاحیت قرار دهد و برای مثال در فرضی که در گفت و گو با دوست یا همسر خود به به طور اتفاقی این اطلاعات را بازگو کند، رفتار وی را نمی‌توان مشمول جرم فوق دانست.

✓ مرتکب باید عالم‌اً و عامداً این اطلاعات را در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند، قرار داده یا مطلع کرده باشد که متضمن نوعی جاسوسی باشد؛ به عبارت دیگر یعنی مرتکب باید هم به محرمانه بودن این اطلاعات و هم به فقدان صلاحیت کسی که او آنها را در اختیار وی می‌گذارد آگاه باشد؛ ولی سوءنیت خاص یعنی اینکه با انجام این کار قصد ضربه زدن به نظام یا بر هم زدن امنیت و نظایر آنها را داشته باشد یا نه ضروری نیست.

✓ منظور از عالم‌اً این است که اولاً مرتکب بداند نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیماتی را که در اختیار دیگری قرار می‌دهد یا آنها را از مضمون و مفاد آنها مطلع می‌سازد، مدارکی هستند سزی و مربوط به سیاست داخلی و خارجی کشور؛ و ثانیاً بداند افراد که او این مدارک را در اختیار آنها قرار می‌دهد صلاحیت دسترسی به آن مدارک یا اطلاع از مفاد آنها را ندارند.

✓ منظور از عامداً هم این است که مرتکب در قراردادن نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات عمد داشته باشد؛ یعنی این که مدارک را سهواً و از روی اشتباه یا بی‌دقتی یا بی‌مبالاتی در اختیار دیگری قرار نداده باشد.

- ✓ همچنین لازم نیست این اطلاعات لزوماً در اختیار یک دولت دیگر قرار داده شود و مطلع ساختن کلیه افراد فاقد صلاحیت (ولو آن که دولت نباشد) مشمول جرم فوق است.
- ✓ با توجه به عبارت «هر کس» در ابتدای ماده فوق، مرتکبین این جرم لزوماً از کسانی نیستند که اطلاعات بر حسب وظیفه در اختیار آنان قرار داده شده است و شامل افراد عادی نیز می‌شود، برای مثال در فرضی که یک فرد عادی به طور اتفاقی از تصمیمات اقتصادی کشور مطلع شده و آن را به عنوان جاسوسی در اختیار یک فرد فاقد صلاحیت قرار دهد، مرتکب جرم فوق شده است.
- ✓ لازم نیست اطلاعات تسلیم شده به صورت کتبی باشد تسلیم اطلاعات شفاهی و انتقال آن به صورت شفاهی هم مشمول حکم ماده فوق می‌باشد؛ به عبارت دیگر رفتار مجرمانه جرم فوق عبارت است از در اختیار قرار دادن اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت یا مطلع ساختن آن افراد از مضمون و مفاد این اطلاعات است؛ بنابراین در امور اینجرم لازم نیست که نقشه‌ها و اسناد به صورت فیزیکی و مادی به اشخاص فاقد صلاحیت تسلیم شود، بلکه کافی است که مرتکب جرم مفاد و مضمون آنها را به طرف اطلاع دهد.
- ✓ مرتکب جرم مورد بحث، «نظر به کیفیات و مراتب جرم به ۱ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود» هرچند عبارت کیفیات و مراتب جرم تا حدی کلی به نظر می‌رسد ولی اهمیت اطلاعات و شخصی که اطلاعات در اختیار او قرار می‌گیرد؛ از مهم‌ترین مصادیق تعیین مجازات در این زمینه به شمار می‌روند، برای مثال قراردادن اسناد به کلی سرتی، اهمیتی به مراتب بیشتر نسبت به قراردادن اسناد سرتی دارد؛ همچنان که مطلع نمودن دشمن از این اطلاعات، آسیب‌های جبران‌ناپذیرتری نسبت به آگاه نمودن سایر افراد فاقد صلاحیت دارد، در هر حال تشخیص این امر و تعیین مجازات بر مبنای آن بر عهده دادگاه است.
- ✓ جرم در اختیار قرار دادن اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت توسط افراد نظامی؛ مطابق ماده ۲۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی شده را در اختیار افرادی که صلاحیت اطلاع نسبت به آنها ندارند، قرار دهد یا به هر نحو آنان را از مفاد آن مطلع سازد به ترتیب ذیل محکوم می‌شود: الف - هرگاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان به کلی سری داشته باشد به حبس از ۳ تا ۱۵ سال.
- ب - هرگاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان سری داشته باشد به حبس از ۲ تا ۱۰ سال.
- ج - هرگاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان خیلی محرمانه داشته باشد به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال.
- تبصره ۱- هرگاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان محرمانه داشته باشد از طرف فرمانده یا رئیس مربوط تنبیه انضباطی خواهد شد.
- تبصره ۲- هرگاه اعمال فوق به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات شدیدتر محکوم خواهد شد.
- تبصره ۳- طبقه‌بندی و تغییر طبقه‌بندی اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات و اطلاعات و طرز نگهداری اسناد طبقه‌بندی شده به موجب دستورالعملی است که توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و پس از تصویب فرماندهی کل قوا جهت اجراء ابلاغ می‌گردد.»
- ✓ جرم در اختیار قرار دادن اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح به دشمن توسط افراد نظامی؛ مطابق ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که اسرار نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و یا صنعتی مربوط به نیروهای مسلح را به دشمنان داخلی یا خارجی یا بیگانگان یا منابع آنان تسلیم و یا آنان را از مفاد آن آگاه سازد به مجازات محارب محکوم خواهد شد»
- ✓ جرم تسلیم یا افشاء نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظائر آنها به دشمن توسط افراد نظامی؛ مطابق ماده بند الف ماده ۲۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «نظامیانی که مرتکب جرائم زیر شوند چنانچه ارتکاب جرم آنان به منظور براندازی نظام و همکاری با دشمن باشد به مجازات محارب و در غیر این صورت به ۳ تا ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم می‌گردند: الف - هر نظامی که افراد تحت فرماندهی خود یا پایگاه یا محلی که حفاظت آن به عهده او سپرده شده یا تأسیسات و تجهیزات و ساز و برگ نظامی یا نقشه‌ها و اسناد و اسرار نظامی و نظائر آنها را به دشمن تسلیم یا افشاء نماید.»

جرم جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر

ماده ۵۰۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم خواهد شد.»
✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران»

✓ شرایط اعمال این ماده از قرار زیر است:

* جرم در قلمرو حاکمیتی ایران اتفاق افتاده باشد.

* جرم جاسوسی به ضرر کشور بیگانه و به نفع کشور بیگانه دیگر باشد.

* به منافع ملی ایران صدمه وارد نماید.

✓ موضوع جرم فوق جمع‌آوری و ارائه اسناد مربوط به سایر کشورها است و در واقع مرتکب در اینجا به ضرر جمهوری اسلامی اقدام به جاسوسی نمی‌کند، بلکه اسرار و اطلاعات یک کشور را در اختیار کشور دیگر قرار می‌دهد و جرم‌انگاری رفتار مرتکب به دلیل آن است اولاً جرم در قلمرو ایران (اعم از هوایی، دریایی، یا زمینی) به وقوع پیوسته است و ثانیاً رفتار وی موجب صدمه به امنیت ملی ایران شده است؛ بنابراین مکان ارتکاب جرم در ماده فوق دارای اهمیت است و در فرضی که یکی از اتباع بیگانه در قلمرو کشور دیگر، به نفع یک دولت و به ضرر دولت دیگر اقدام به جاسوسی نماید، مراجع قضایی ایران صالح به رسیدگی نیستند.

✓ جرم مزبور ر زمره جرائم مقید است و چنانچه اقدامات مرتکب در قلمرو به امنیت ملی ایران صدمه‌ای وارد نکند، رفتار او را نمی‌توان مشمول جرم فوق دانست، مانند فرضی که شخصی در ایران اقدام به جمع‌آوری اطلاعات علیه کشور معاند و تسلیم به کشور دوست نماید.

✓ طرفین جاسوسی در جرم فوق لزوماً دولت هستند؛ بنابراین در فرضی که مرتکب اطلاعاتی را علیه یک کشور به دست آورده و در اختیار یک سازمان معاند آن کشور قرار دهد، مشمول جرم فوق نیست؛ زیرا اطلاعات را در اختیار یک سازمان قرار داده است، نه دیگر.

جرم ورود به مواضع مربوطه به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی و جرم نقشه‌برداری، عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از اماکن ممنوعه یا استحکامات نظامی

ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی‌صلاح در حال نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکس‌برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می‌شوند.»

✓ عنوان سرقت در این ماده ناظر به سرقت مطلق اموال و اشیاء نیست بلکه منظور سرقت اسناد محرمانه، نقشه‌ها و اطلاعات طبقه‌بندی شده است.

✓ ماده فوق عنصر قانونی ۲ جرم می‌باشد:

۱. **جرم ورود به مواضع مربوطه به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی:** منظور از ورود به مواضع مربوطه در بخش نخست ماده فوق، ورود غیرقانونی است؛ بنابراین چنانچه کارکنان و دیگر افراد که اجازه داخل شدن به این مواضع را دارند، با قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی وارد شوند، مشمول ماده فوق نخواهند بود؛ همچنان که اگر افرادی که فاقد حق ورود به مواضع فوق هستند، بدون قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی (مثلاً از روی کنجکاوی) وارد آن شوند، مرتکب جرم فوق نشده‌اند.

۲. **جرم نقشه‌برداری، عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از اماکن ممنوعه یا استحکامات نظامی:** این جرم با جرم فوق دارای تفاوت‌هایی است:

۱. در جرم نقشه‌برداری، عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از اماکن ممنوعه یا استحکامات نظامی، هدف یا انگیزه مرتکب فاقد اهمیت است و مرتکب با هر انگیزه‌ای، ولو آن که برای کنجکاوی اقدام به نقشه‌برداری، عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از اماکن ممنوعه نموده باشد، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد، به عبارت دیگر این جرم نیازی به سوءنیت خاص ندارد و مرتکب، این جرم را چه به

قصد اخلاف و امنیت انجام دهد یا به قصدت نگهداری در آلبوم شخصی انجام دهد، تفاوتی در موضوع ندارد؛ اما جرم ورود به مواضع مربوطه به سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی، ورود به مواضع مربوطه حتماً باید به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی باشد؛ به عبارت دیگر این جرم نیاز به سوءنیت خاص دارد.

۲. جرم ورود به مواضع مربوطه به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی جرمی مطلق است و صرف ورود کافی است و لازم نیست مرتکب بتواند هدف خود را اجرایی کند و مثلاً اقدام به تهیه نقشه نماید، اما جرم نقشه‌برداری، عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از اماکن ممنوعه یا استحکامات نظامی، جرمی مقید است؛ یعنی حداقل باید یک عکس گرفته شود و صرف تهیه مقدمات را نمی‌توان عکس‌برداری دانست.

۳. در جرم نقشه‌برداری، عکس‌برداری یا فیلم‌برداری از اماکن ممنوعه یا استحکامات نظامی لازم نیست مرتکب وارد اماکن ممنوعه یا استحکامات نظامی شود، اما در جرم ورود به مواضع مربوطه به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی لازم است مرتکب وارد شود ولو آنکه اطلاعاتی کسب نکند.

✓ جرم ورود به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات به قصد به دست آوردن اسناد یا اطلاعات طبقه‌بندی شده، به نفع دشمن و یا بیگانه توسط افراد نظامی؛ مطابق بند د ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که برای به دست آوردن اسناد یا اطلاعات طبقه‌بندی شده، به نفع دشمن و یا بیگانه به محل نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود، چنانچه به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری نباشد به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌گردد. تبصره - هر نظامی که عالماً و عامداً فقط به صورت غیرمجاز به محل مذکور وارد شود به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد.»

✓ جرم ورود بیگانه به مواضع حساس؛ مطابق بند ه ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر بیگانه که برای کسب اطلاعات به نفع دشمن به پایگاه‌ها، کارخانجات، انبارهای تسلیحاتی، اردوگاه‌های نظامی، یگان‌های نیروهای مسلح، توقفگاه‌های موقتی نظامی، ساختمان‌های دفاعی نظامی و وسائط نقلیه زمینی، هوایی و دریائی وارد شده یا به محل‌های نگهداری اسناد یا اطلاعات داخل شود به اعدام و در غیر این صورت به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می‌گردد.»

جرم تحریک نظامیان به عدم انجام وظایف قانونی

ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی موثر واقع شود به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و در غیر این صورت به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می‌شود.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «تحریک نظامیان به عدم انجام وظایف قانونی»

✓ منظور از تحریک در ماده فوق فقط معنای خاص آن نیست، بلکه منظور اقسام دیگر آن مانند ترغیب، تطمیع، ترساندن و ... را هم در بر می‌گیرد.

✓ قانونگذار در این ماده از قید «مؤثر» استفاده نموده است، منظور از تحریک مؤثر، تحریکی است که نوعاً تأثیرگذار بوده و به قضاوت عرفی از چنان اهمیتی برخوردار باشد که غالباً موجب واکنش طرف مقابل شود؛ برای مثال با دادن خبر دروغ به چند سرباز وظیفه، مدعی شود که نیروهای دشمن با نفرت بسیار زیاد و سلاح‌های فوق پیشرفته در حال پیشروی هستند و اگر پست خود را ترک نکنند، به زودی کشته خواهند شد.

✓ مخاطبان مرتکب در ماده فوق رزمندگان و اشخاصی هستند که به هر نحو در خدمت نیروهای مسلح هستند، از عبارت «به هر نحو» در ماده فوق چنین برداشته می‌شود که اشخاص مورد نظر قانونگذار لزوماً کسانی نیستند که در نیروهای مسلح، خدمت نظامی انجام می‌دهند و هر کس به هر نحوی که در خدمت نیروهای مسلح باشد (مانند کادر درمان، تأسیسات و ...) را شامل می‌شود.

• سوال: آیا تحریک یک نفر نظامی را هم می‌توان مشمول ماده فوق دانست؟

✓ **پاسخ:** از ظاهر ماده چنین برداشت می‌شود که تحریک حتماً باید نسبت به جمعی از رزمندگان یا نیروهای مسلح باشد، ولی در مواردی که تحریک یک نظامی از چنان اهمیتی برخوردار باشد که حتی بتواند در عمل منتهی به شکست جبهه اسلام شود (مثلاً ترغیب فرمانده به فرار) تحقق جرم فوق بعید به نظر نمی‌رسد.

✓ مرتکب باید رزمندگان یا نظامیان را تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند.

✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق است و رفتار مرتکب چه مؤثر واقع بشود و چه نشود، به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم خواهد شد؛ بنابراین منظور از «قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی» انگیزه مرتکب است، نه سوءنیت خاص او، هر چند به باور برخی، قصد براندازی در ماده فوق همان سوءنیت خاص است ولی با توجه به ماده ۱۴۴ ق.م.ا بحث قصد نتیجه یا سوءنیت خاص مختص جرائم مقید بوده و در جرائم مطلق اساساً متصور نیست.

✓ «جرم تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی»، از مصادیق معاونت، به عنوان جرم مستقل است.

✓ در این ماده ۳ فرض پیش‌بینی شده:

۱. مرتکب تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند به نحوی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود و جرم پیش‌بینی شده در این فرض یک جرم مطلق است؛ یعنی نیازی به تحقق هیچ یک از این نتایج نیست.

۲. مرتکب تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند به نحوی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را نداشته باشد و اقدامات وی مؤثر واقع شود، این جرم مقید است و به حبس از ۲ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود. (جرم تعزیری درجه ۴)

۳. مرتکب تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند به نحوی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را نداشته باشد و اقدامات وی مؤثر واقع نشود به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می‌شود. (جرم تعزیری درجه ۵)

✓ لازم به ذکر است تحریک به ارتکاب جرم در حقیقت یکی از مصادیق معاونت در جرم است که در این ماده به صورت مستقل جرم‌انگاری شده و برای مرتکب مجازات تعیین شده است؛ بنابراین طبق ماده ۱۲۷ ق.م.ا برای مرتکب مجازات تعیین نمی‌شود؛ بلکه طبق ماده ۵۰۴ ق.م.ا تعزیرات مجازات تعیین می‌شود.

✓ **جرم تحریک نظامیان به عدم انجام وظایف قانونی توسط افراد نظامی:** مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که نظامیان یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند اجبار یا تحریک به فرار یا تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند یا موجبات فرار را تسهیل یا با علم به فراری بودن، آنان را مخفی نماید در صورتی که به منظور براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن باشد به مجازات محارب والا به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌شود.»

✓ **علی‌رغم سکوت قانونگذار در ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی و ۲۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح؛** با لحاظ واژه‌هایی چون نیروهای رزمنده، فرار، تسلیم و شکست در برابر دشمن، بر مبنای تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین جزایی می‌توان بر این نظر بود که جرائم مقرر در هر دو ماده فوق مربوط به حالت جنگ داخلی یا خارجی می‌باشند.

جرم جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده با هدف برهم زدن امنیت کشور

ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسؤولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و در غیر این صورت به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم می‌شود.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده با هدف برهم زدن امنیت کشور»

✓ اطلاعات طبقه‌بندی شده به اهمیت آن به ترتیب عبارتند از: ۱- به کلی سری، ۲- سری، ۳- خیلی محرمانه، ۴- محرمانه؛ در این اطلاعات از همه مهم‌تر به کلی سری و از همه کم اهمیت‌تر محرمانه است.

- ✓ هر کس می‌تواند این جرم را انجام دهد و لازم نیست که مرتکب حتماً در پوش
- ✓ از لفظ «دیگران» در ماده فوق مشخص می‌شود که برای تحقق این جرم ضرورتی ندارد که مرتکب حتماً بخواهد اطلاعات را در اختیار دشمن یا دولت بیگانه قرار دهد و شامل هر شخص فاقد صلاحیتی می‌شود.
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق است و صرف جمع‌آوری اطلاعات برای تحقق آن کفایت می‌کند، اعم از آنکه این اطلاعات در اختیار دیگران قرار داده شود یا نه، البته در صورت موفقیت در این زمینه مجازات تشدید و به ۲ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود؛ به عبارت دیگر تحقق نتیجه در جرم فوق، در مجازات مرتکب مؤثر است نه در اصل جرم.
- ✓ جرم فوق جزء جرائم عمدی به شمار می‌رود که برای تحقق عنصر روانی آن مرتکب باید جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی‌شده با قصد بر هم زدن امنیت کشور انجام داده باشد.
- ✓ انگیزه دیگر که در ماده فوق به آن اشاره شده است؛ یعنی اینکه «بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد» ناظر بر کل ماده است و صرفاً شامل قسمت اخیر آن نمی‌شود.
- ✓ در این ماده ۲ فرض پیش‌بینی شده:
 - ۱. مرتکب بخواهد این اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را با هدف بر هم زدن امنیت در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن بشود، در این صورت مجازات مرتکب ۲ تا ۱۰ سال حبس است. (جرم تعزیری درجه ۴)
 - ۲. مرتکب بخواهد این اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را با هدف بر هم زدن امنیت در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن نشود، در این صورت مجازات مرتکب ۱ تا ۵ سال حبس است. (جرم تعزیری درجه ۵)

جرم تخلیه اطلاعاتی

ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به ۱ تا ۶ ماه حبس محکوم می‌شوند.»

- ✓ جرم تخلیه اطلاعاتی یکی از مصادیق جرائم علیه امنیت کشور است که به طور غیرعمدی و در نتیجه بی‌مبالات و عدم رعایت اصول حفاظتی مرتکب توسط دشمنان محقق می‌شود.
- ✓ این جرم، یک جرم مطلق است؛ یعنی لازم نیست که بر اثر این کار حتماً نتیجه خاصی محقق شود.
- ✓ مرتکب جرم فوق باید مشمول شرایط ذیل باشد:
 - ۱. مرتکب مأمور دولتی باشد؛ بنابراین اشخاص عادی که به دلایل مختلف از اطلاعات مزبور مطلع شده‌اند، مشمول این جرم نخواهند شد، ناگفته نماند نوع رابطه استخدامی اعم از رسمی، پیمانی و ... تأثیری در اصل جرم ندارد.
 - ۲. مرتکب مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی باشد؛ صرف اشتغال در نهادهای دولتی برای تحقق جرم کفایت نمی‌کند و مرتکب باید مسئول حفاظت از این اطلاعات باشد؛ بنابراین سایر مأموران که به طور اتفاقی از این اطلاعات آگاه شده باشند، مشمول حکم فوق قرار نمی‌گیرند.
 - ۳. مرتکب آموزش دیده باشد؛ برای تحقق این شرط گذراندن دوره‌های آموزش خاص و دریافت مدرک ضروری نیست و همین که ضوابط و شرایط کار به به مأمور نشان داده شده باشد، برای تحقق این شرط کفایت می‌کند.
- ✓ در رابطه با رفتار مجرمانه این جرم یعنی تخلیه اطلاعاتی نیز باید به چند نکته توجه نمود:
 - ۱. تخلیه اطلاعاتی مستلزم اخذ اطلاعات از مرتکب در نتیجه بی‌مبالاتی اوست؛ به عبارت دیگر خود مرتکب باید اطلاعات را افشا کند و در فرضی که اطلاعات از او ربوده شده باشد، مشمول جرم فوق نخواهد بود.
 - ۲. تخلیه اطلاعاتی باید از سوی دشمن (نه هر بیگانه‌ای) صورت پذیرد، منظور از بیگانه هر شخص دارای تابعیت خارجی است، در حالی که منظور از دشمن با توجه به ماده ۲۵ قانون مجازات نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «منظور از دشمن عبارت است از: اشرار، گروه‌ها

و دولت‌هایی که با نظام جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند و یا اقدامات آنان بر ضد امنیت ملی است. **تبصره** - هرگاه برای دادگاه، تشخیص دشمن یا دولت متخاصم محرز نباشد موضوع از طریق قوه قضائیه از شورای عالی امنیت ملی استعلام و نظر شورای مذکور ملاک خواهد بود.

✓ جرم فوق هر چند در زمره جرائم غیرعمدی است؛ ولیکن بی‌مبالاتی مرتکب به عنوان عنصر روانی این جرم باید احراز شود و در مواردی که شخص در نتیجه اجبار یا اکراه غیرقابل تحمل مجبور به افشای اطلاعات شود، مشمول ماده فوق نخواهد شد، همچنان که اگر شخص را به طور اجباری مست و او را تخلیه اطلاعاتی کنند، وی را نمی‌توان به مجازات فوق محکوم نمود، البته در مواردی که مأمور به طور اختیاری، خودش را مست کند و در نتیجه مستی اطلاعات را در اختیار دشمن قرار دهد، از مصادیق بارز بی‌مبالاتی محسوب می‌شود و علاوه بر مجازات مستی به مجازات مقرر در ماده فوق نیز محکوم خواهد شد.

✓ جرم افشاء اطلاعات و تصمیمات توسط افراد نظامی: مطابق ماده ۲۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا سهل‌انگاری یا عدم رعایت نظامات دولتی موجب افشاء اطلاعات و تصمیمات یا فقدان یا از بین رفتن اسناد و مدارک مذکور در ماده (۲۶) این قانون شود با توجه به طبقه‌بندی اسناد افشاء شده به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

الف - چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات، عنوان به کلی سری داشته باشد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال.

ب - چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات، عنوان سری داشته باشد به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال.

ج - چنانچه اسناد، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات، عنوان خیلی محرمانه داشته باشد به حبس از ۲ ماه تا ۶ ماه.

تبصره - هرگاه اسناد و مدارک، مذاکرات، اطلاعات یا تصمیمات، عنوان محرمانه داشته باشد از طرف فرمانده یا رئیس مربوط تنبیه انضباطی خواهد شد.»

✓ جرم تخلیه اطلاعاتی افراد نظامی: مطابق ماده ۲۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که پس از آموزش لازم درمورد حفظ اطلاعات طبقه‌بندی شده، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان و یا بیگانگان تخلیه اطلاعاتی شود، به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌گردد.»

✓ ماده ۵ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: «چنانچه مأموران دولتی که مسؤول حفظ داده‌های سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سامانه‌های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است یا داده‌ها یا سامانه‌های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است بر اثر بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی موجب دسترسی اشخاص فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سامانه‌های مذکور شوند، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهند شد.»

همکاری با دُول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران

ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس یا گروهی با دُول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به ۱ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌گردد.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «همکاری با دُول خارجی متخاصم علیه جمهوری اسلامی ایران»

✓ پیش‌بینی حکم فوق به دلیل آن است که سایر همکاری‌هایی که مرتکب با دُول متخاصم انجام می‌دهد و مشمول سایر عناوین مجرمانه مانند جاسوسی، معرفی جاسوس و غیره... نباشد، بر مبنای این ماده مجازات شود؛ بنابراین مطابق ماده فوق، تعیین مجازات فوق مشروط بر آن است که رفتار مرتکب مشمول محاربه نباشد و گرنه به مجازات محاربه محکوم خواهد شد.

✓ منظور از دولت متخاصم در ماده فوق لزوماً دولتی نیست که در حال جنگ مسلحانه با دولت ایران باشد و شامل کلیه دولت‌هایی که رابطه بی‌طرفانه یا دوستانه با دولت ایران ندارند، نیز می‌شوند، از سوی دیگر شامل دولت‌هایی که از نظر جمهوری اسلامی فاقد رسمیت هستند ولی در جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته شده‌اند (مانند اسرائیل) نیز می‌شود؛ اما شامل اشرار، احزاب و گروه‌هایی که دشمن جمهوری اسلامی هستند (مانند سازمان مجاهدین خلق) نمی‌شود.

✓ همکاری با دولت‌های متخاصم لزوماً در قالب کمک‌های نظامی نیست و مطابق ماده فوق همکاری «به هر نحو» اعم از اقتصادی، نظامی و ... مشمول ماده فوق خواهد بود.

جرم اخفا نمودن یا سبب اخفا شدن جاسوسان

ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود. رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «اخفا نمودن یا سبب اخفا شدن جاسوسان»

✓ مخفی کردن جاسوس لزوماً به معنای مستقر نمودن در یک مکان خاص و عدم دسترسی به او نیست و هر عملی که موجب عدم شناسایی جاسوس شود - ولو آنکه در میان مردم حضور داشته باشد - مشمول حکم فوق است؛ مانند پزشکی که با عمل جراحی پلاستیک موجب ناشناخته ماندن مرتکب (جاسوس) شود.

✓ تقدّم یا تأخّر بر عمل جاسوس در تحقق جرم فاقد تأثیر است، ولی اگر اخفای جاسوس پیش از جاسوسی باشد، رفتار مخفی‌کننده جاسوس با رعایت سایر شرایط ماده ۱۲۶ ق.م.ا معاونت در جرم جاسوسی نیز محسوب می‌شود (تعدّد معنوی) و مرتکب با استناد به ماده ۱۳۱ ق.م.ا به مجازات جرم شدیدتر محکوم خواهد شد؛ اما اگر اخفای جاسوس مؤخّر بر جاسوسی باشد، رفتار مرتکب صرفاً مشمول ماده فوق است.

✓ جرم فوق جزء جرائم عمدی به شمار می‌رود که برای تحقق عنصر روانی آن مرتکب باید اخفا نمودن یا سبب اخفا شدن جاسوسان را به قصد بر هم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن انجام داده باشد.

✓ جاسوس در ماده فوق صرفاً به معنای آن؛ یعنی مأمور جمع‌آوری اطلاعات برای دشمن نیست و کلیه افرادی را که از طرف دشمن برای وارد ساختن هر گونه لطمه‌ای اعم از اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ... مأمور شده‌اند، در بر می‌گیرند، ولی شامل مخفی نمودن کسانی که شخصاً و نه از طرف دشمن برای لطمه زدن وارد ایران شده‌اند، نمی‌شود.

✓ جرم معاونت در جاسوسی یا اخفا نمودن م پناه دادن به جاسوس: مطابق تبصره ۲ ماده ۲۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوّب ۱۳۸۲: «معاونت در امر جاسوسی و یا مخفی نمودن و پناه دادن به جاسوس جرم محسوب و مرتکب به تبع مجرمان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه و در مواردی که مجازات جاسوس مجازات محارب و یا اعدام است به حبس از ۳ سال تا ۱۵ سال محکوم می‌شود.»

جرم شناسایی، جذب و معرفی افراد جهت جاسوسی به کشور بیگانه

تبصره ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسائی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌شود.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «شناسایی، جذب و معرفی افراد جهت جاسوسی به کشور بیگانه»

✓ جرم فوق در زمره جرائم مرکب است و متضمّن ۳ جزء یعنی: ۱- شناسایی، ۲- جذب و ۳- معرفی جاسوس است؛ بنابراین صرف شناسایی و جذب شخص، برای جاسوسی تا زمانی که منتهی به معرفی او نشده باشد، مشمول جرم فوق نخواهد بود؛ البته به نظر می‌رسد که این جرم جزء جرائم مطلق باشد و برای تحقق آن ضرورتی ندارد که دولت دیگر شخص معرفی شده را به عنوان جاسوس بپذیرد.

✓ بر خلاف جرم مخفی نمودن جاسوس، در جرم شناسایی، جذب و معرفی افراد جهت جاسوسی به کشور بیگانه، این فرد هنوز عهده‌دار جاسوسی برای کشور دیگر نشده و صرفاً به دولت معرفی شده تا در صورت پذیرش، پس از آموزش و کسب مهارت برای انجام وظایف جاسوسی به خدمت دولت دیگر درآید.

✓ جرم فوق جزء جرائم عمدی به شمار می‌رود که برای تحقق عنصر روانی آن مرتکب باید شناسایی، جذب و معرفی افراد جهت جاسوسی به کشور بیگانه را به قصد بر هم زدن امنیت ملی انجام داده باشد؛ بنابراین کسی که از جاسوس بودن فرد مطلع نبوده یا به قصد گرفتار و معرفی کردن وی به مأموران او را مخفی می‌نماید، مرتکب جرم فوق نشده است.

✓ ماده ۵۱۰ ق.م.ا تعزیرات، به «جاسوسانی را که مأمور تفتیش یا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده‌اند»؛ اشاره کرده است؛ بنابراین؛ نه تنها عمل مخفی کردن کسانی که قصد کسب اطلاعات برای دشمن را دارند مشمول ماده می‌گردند، بلکه مخفی کردن کسانی که قصد کسب اطلاعات برای دشمن مأمور وارد کردن هرگونه صدمه و لطمه به کشور بوده‌اند مشمول ماده می‌شود. با توجه به اشاره ماده به «هر گونه لطمه» به نظر می‌رسد که تمامی انواع لطمات امنیتی، اقتصادی، سیاسی و حتی شاید اخلاقی را بتوان تحت شمول ماده دانست؛ بنابراین مخفی کردن کسی که قصد بمب‌گذاری یا تخریب یا پخش اسکناس‌های مجعول یا تقلب در انتخابات یا پخش اوراق و نشریات مستهجن در میان دانش‌آموزان مدارس را، به قصد بر هم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن دارد، که به ترتیب، موجب بروز صدمه امنیتی، مالی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی برای کشور می‌شوند، تحت شمول ماده قرار می‌گیرند. اما با توجه به ظاهر ماده، به نظر می‌رسد که این افراد باید از طرف دشمن مأموریت داشته باشند، و الا فردی که سر خود و بدون داشتن هیچ گونه مأموریتی از سوی دشمنان قصد انجام این گونه کارها را دارد، ظاهراً مشمول ماده ۵۱۰ ق.م.ا تعزیرات قرار نمی‌گیرد و در نتیجه مخفی‌کننده وی نیز بر اساس تبصره ماده ۵۱۰ ق.م.ا تعزیرات قابل تعقیب نخواهد بود.

✓ هرگاه عمل اخفاء جاسوس نوعی ترغیب، تهدید، تحریک، یا تطمیع مرتکب و یا تسهیل ارتکاب جرم و یا هر یک از عناوین معاونت تلقی شود، و عنصر روانی معاونت احراز گردد، مخفی‌کننده جاسوس را می‌توان به عنوان معاون در هر جرمی که شخص جاسوس ممکن است بعداً مرتکب آن شود تحت تعقیب قرار داد. در غیر این صورت، مخفی‌کننده را نمی‌توان، به صرف اخفاء، معاون جرمی محسوب کرد که شخص مخفی شده بعداً مرتکب می‌شود. در مورد جرائمی هم که شخص مخفی شده قبلاً انجام داده است، مسلماً به دلیل فقدان شرط تقدّم یا تقارن زمانی عمل معاون نسبت به عمل مباشر، فرد مخفی‌کننده را نمی‌توان به عنوان معاون جرم تحت تعقیب قرار داد.

✓ آنچه در تبصره فوق مورد توجه قانونگذار است، شناسایی، جذب و معرفی افراد جهت جاسوسی به کشور بیگانه یا دشمن است و شامل معرفی جاسوس به اشخاص، احزاب یا گروه‌های معاند جمهوری اسلامی ایران نمی‌شود.

✓ معرفی فردی به سفارت یک کشور خارجی جهت جاسوسی، در صورتی که معرفی مسبوق به شناسایی و جذب فرد باشد مشمول جرم فوق است.

✓ جذب افراد برای جاسوسی عبارت است از تشویق، ترغیب و در صورت لزوم پرداخت و دادن وعده پرداخت به افرادی که زمینه لازم و مناسب برای جاسوسی را دارند.

✓ جرم جمع‌آوری نیرو یا کمک برای دولت در حال جنگ با ایران یا برای گروه‌ها و دستجات محارب و مُفسِد: مطابق ماده ۲۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «معاونت در امر جاسوسی و یا مخفی نمودن و پناه دادن به جاسوس جرم محسوب و مرتکب به تبع مجرمان اصلی نظامی در دادگاه‌های نظامی محاکمه و در مواردی که مجازات جاسوس مجازات محارب و یا اعدام است به حبس از ۳ سال تا ۱۵ سال محکوم می‌شود.»

جرم تهدید یا ادعای بمب‌گذاری هواپیما، کشتی یا وسایل نقلیه عمومی

ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویق اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسائل مزبور بمب‌گذاری شده است علاوه بر جبران خسارت وارده به دولت و اشخاص به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌گردد.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «تهدید یا ادعای بمب‌گذاری هواپیما، کشتی یا وسائل نقلیه عمومی»

✓ ادعا حتماً باید کذب و عاری از حقیقت باشد.

✓ تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی در صورتی جرم علیه امنیت کشور است که به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی باشد.

✓ ادعای بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی در صورتی جرم علیه امنیت کشور است که دروغ بوده و به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی اظهار شده باشد.

✓ تفاوت تهدید با ادعا: در تفاوت میان این دو باید خاطرنشان ساخت که:

۱. تهدید ناظر به آینده و ادعا ناظر بر گذشته است.
۲. در تهدید، مرتکب تهدید می‌کند که خود او یا کسی که مرتبط با او است، اقدام به بمب‌گذاری کرده است؛ اما در ادعا، این شخص لزوماً با مرتکب مرتبط نیست و ممکن است مرتکب مدعی شود که شخصی که هیچ گونه ارتباطی با او ندارد اقدام به بمب‌گذاری نموده است.
- ✓ در ماده صرفاً به بمب‌گذاری اشاره شده و به مواردی نظیر اخلاص یا دست‌کاری در تأسیسات و سائل فوق که شاید به مراتب نتیجه مخرب‌تری در اذهان عمومی داشته باشد، اشاره نشده است.
- ✓ به نظر می‌رسد قید «عمومی» صرفاً مختص وسائل نقلیه باشد و در مورد کشتی و هواپیما تفاوتی میان عمومی یا خصوصی بودن آن نیست.
- ✓ نکته دیگر آنکه موارد مذکور در این ماده (هواپیما، کشتی و وسائل نقلیه عمومی) جنبه حصری دارند و شامل مواردی مانند تهدید به بمب‌گذاری در یک ساختمان، شوارع عام و ... نمی‌شود.
- ✓ جرم فوق جزء جرائم مطلق به شمار می‌رود که صرف تهدید یا ادعا برای تحقق آن کفایت می‌کند، ولو آنکه در عمل منتهی به سلب امنیت کشور یا تشویش اذهان عمومی نشود، و اتفاقاً موجب خنده سایرین بر ادعای مُضَحِّک مرتکب شود.
- ✓ جرم فوق جزء جرائم عمدی به شمار می‌رود که برای تحقق عنصر روانی آن مرتکب باید تهدید یا ادعای بمب‌گذاری هواپیما، کشتی یا وسائل نقلیه عمومی را به قصد برهم زدن امنیت کشور انجام دهد؛ بنابراین در فرضی که شخصی صرفاً به قصد شوخی سایرین را تهدید به بمب‌گذاری کند، مشمول ماده فوق نخواهد بود.
- ✓ گاهی شخص با توسل به ارباب و تهدید هواپیمای آماده برای پرواز یا در حال پرواز را در اختیار گرفته یا به نحوی از اختیار مسؤولین خارج ساخته و موجب تغییر مسیر یا مقصد هواپیما شوند یا در نقطه‌ای غیر از مقصد هواپیما را مجبور به فرو نماید، به جرم مذکور بر اساس قانون مجازات اخلاص‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسائل تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹ و در دادگاه‌های تهران رسیدگی می‌شود.

جرم اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور

- ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف‌نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم می‌گردد.
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار به قصد برهم زدن امنیت کشور»
 - ✓ رفتار مجرمانه فوق ماهیتاً معاونت در جرم است که به عنوان یک جرم مستقل پیش‌بینی شده است.
 - ✓ جرم فوق جزء جرائم عمدی به شمار می‌رود که برای تحقق عنصر روانی آن مرتکب باید اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار یا یکدیگر را با قصد برهم زدن امنیت کشور انجام دهد.
 - ✓ جرم فوق جزء جرائم مطلق به شمار می‌رود و صرف اغوا یا تحریک مردم برای انجام رفتارهای فوق کفایت می‌کند، صرف‌نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نه.
 - ✓ در صورتی که در نتیجه تحریک یا اغوا، مردم دست به قتل و غارت بزنند، رفتار مرتکب مشمول تعدد معنوی یعنی جرم موضوع ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات و معاونت در قتل عمدی یا غارت است و به مجازات جرم شدیدتر محکوم می‌گردد. برای مثال مطابق ماده ۶۸۳ ق.م.ا تعزیرات: «هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهند شد.» حال اگر جرم مزبور در نتیجه تحریک شخص «الف» بوده باشد و رفتار مرتکبین مشمول محاربه باشد، «الف» به مجازات جرم شدیدتر یعنی معاونت در محاربه محکوم خواهد شد.
 - ✓ از لفظ «مردم» در ماده فوق، مشخص می‌شود که تحریک یک یا چند نفر به کشتن یا غارت اموال دیگری مشمول این جرم قرار نمی‌گیرد، از سوی دیگر تحریک یا اغوای مردم نیز تا مادامی که به انگیزه‌های شخصی و نه با انگیزه خاص برهم زدن امنیت کشور باشد، موجب تحقق این جرم نخواهند شد و ممکن است رفتار مرتکب با رعایت سایر شرایط قانونی، تنها معاونت در قتل عمدی یا غارت باشد.

✓ موارد مقرّر در ماده فوق یعنی «قتل و غارت» جنبه حصری دارد و تحریک مردم به رفتارهایی مانند تخریب اموال عمومی، تجمعات غیر قانونی و... از شمول آن خارج است.

تشدید مجازات جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

تشدید مجازات در زمان جنگ

ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می‌گردد.»

✓ منظور از جنگ در ماده فوق، جنگ خارجی و مسلحانه است و بنابراین ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور در زمان جنگ‌های داخلی یا جنگ اقتصادی، جنگ سرد و دیگر مواردی که جنبه مسلحانه ندارند، از شمول تشدید حکم ماده فوق خارج است.

✓ برای تشدید مجازات به شرح فوق ضرورتی ندارد که مرتکب جرم علیه امنیت را حتماً به نفع دولتی انجام دهد که در جنگ با ایران است، برای مثال ممکن است ایران با کشوری در حال جنگ باشد و مرتکب اطلاعات طبقه‌بندی‌شده ایران را در همین زمان در اختیار یک دولت دیگر بگذارد که در این صورت به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

✓ در تبصره ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات، به توبه به عنوان یکی از جهات تخفیف یا سقوط مجازات اشاره شده است که با توجه به آن در صورت توبه مرتکب پیش از دستگیری تشدید مندرج در ماده فوق اعمال نخواهد شد.

تخفیف یا معافیت از مجازات جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

عذر قانونی معافیت به دلیل همکاری مؤثر در شناسایی مجرمین

ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری موثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.»

✓ قانونگذار در ماده فوق به بیان یکی از معاذیر معاف‌کننده قانونی (الزامی) پرداخته است و دادگاه باید با احراز شرایط مقرّر در این ماده مرتکب را از مجازات معاف نماید؛ این شرایط از قرار ذیل است:

۱. مرتکب نباید در زمان همکاری با مأموران یا حتی پیش از آن هیچ ریاست یا مرکزیتی در آن تشکیلات داشته باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی سابقاً از رؤسای آن تشکیلات بوده و در حال حاضر صرفاً یکی از اعضای آن است، اسرار و اطلاعات مربوط به آن را افشا نماید، به دلیل سابقه ریاستی خود از معافیت مذکور بهره‌مند نخواهد شد.

۲. مرتکب باید پیش از تعقیب قصد و اسامی اشخاص دخیل در فتنه و فساد را اعلام نموده یا پس از تعقیب به هر نحو همکاری مؤثری نماید.

✓ عذر فوق تنها باعث معافیت مرتکب از مجازات عضویت در گروه مجرمانه می‌شود و در مورد سایر جرائم مانند تخریب، شکنجه، ایراد ضرب و جرح و ... مجازات وی کماکان باقی است.

✓ منظور قانونگذار از ذکر واژه «شخصاً» در ماده فوق محدود کردن ماده به مواردی که مرتکب «مباشرت» در ارتکاب جرم داشته است نبوده؛ بلکه منظور مستثنی کردن جرائمی است که خود شخص مرتکب آنها شده است، اعم از آنکه نقش مباشر، شریک یا معاون در آن جرم داشته است.

✓ ماده فوق ۲ فرض را برای برخورداری شخص از معافیت در نظر گرفته است:

۱. شخص قبل از تعقیب قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأموران دولتی اطلاع دهند.

۲. پس از شروع به تعقیب با مأموران دولتی همکاری مؤثر به عمل آورد.

✓ به استناد ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در کلیه جرائم علیه امنیت تعزیری، دادگاه می‌تواند در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، بخشی از اجرای مجازات (نه همه آن) را به حالت تعلیق درآورد.

تبصره ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمی‌شود.»

✓ توبه در ماده فوق یک نهاد ارفاقی خاص است که صرفاً مختص جرایم مندرج در تبصره ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات - نه همه جرائم علیه امنیت - است و در مورد سایر جرائم علیه امنیت باید مقررات عام توبه در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ ق.م.ا مراجعه نمود.

✓ (معافیت از مجازات مندرج در ماده ۵۰۷ ق.م.ا تعزیرات نیز صرفاً مختص جرم مندرج در همین ماده است اما تشدید مجازات مندرج در م ۵۰۹ قانون تعزیرات مختص کلیه جرائم این فصل است.

✓ مطابق م ۱۱۸ ق.م.ا: «متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید» این حکم شامل تبصره ماده فوق نمی‌شود و شرط تاثیر توبه در موارد مذکور، همچون محاربه منوط به آن است که توبه قبل از دستیابی (دستگیری) صورت گرفته باشد.

✓ ماده ۵۰۹ ق.م.ا تعزیرات ناظر بر تشدید مجازات در جرائم زمان جنگ است؛ اما در کلیه جرائم مندرج در این فصل، در صورت احراز توبه مرتکب پیش از دستگیری، بحث تشدید مجازات منتفی خواهد بود.

✓ مطابق ماده ۲۵ قانون مطبوعات ۱۳۶۴: «هرکس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری به آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

نکاتی راجع به قواعد ماهوی جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

✓ شمول اصل صلاحیت واقعی و امکان رسیدگی به جرائم علیه امنیت ایران که اتباع بیگانه در قلمرو کشور دیگر مرتکب شده‌اند. (ماده ۵ ق.م.ا)

✓ ممنوعیت استفاده از تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۷ ق.م.ا) البته با توجه به ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، در صورت همکاری مؤثر مرتکب، تعلیق بخشی از مجازات با رعایت سایر شرایط قانونی امکان‌پذیر است.

✓ ممنوعیت تعویق صدور حکم (ماده ۴۸ ق.م.ا)

✓ ممنوعیت استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس (ماده ۷۱ ق.م.ا) البته با توجه به عدم منع قانونی، استفاده از سایر نهادهای ارفاقی مانند تخفیف مجازات، آزادی مشروط و ... امکان‌پذیر می‌باشد.

✓ ممنوعیت استناد به مرور زمان (ماده ۱۰۹ ق.م.ا)

نکاتی راجع به قواعد شکلی جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

✓ دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را دارد (ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک)؛ البته در مورد جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی ارتكابی از سوی نظامیان دادگاه نظامی صالح به رسیدگی است.

✓ در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند (تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک)

✓ اگر اعلام‌کننده جرم شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام می‌توان شروع به تعقیب کرد. (ماده ۶۵ ق.آ.د.ک)

✓ امکان جلب بدوی یا بدون احضار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک)

✓ امکان صدور قرار بازداشت موقت البته صرفاً در جرایم علیه امنیت درجه ۱ تا ۵ (ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک)

- ✓ در مورد جرایم علیه امنیت درجه ۱ تا ۵ که به طور عمدی از سوی نظامیان در زمان جنگ واقع می‌شود، صدور قرار بازداشت موقت الزامی است. (ماده ۶۱۸ ق.آ.د.ک)
- ✓ امکان شنود مکالمات تلفنی و ارتباطات غیر عمومی رایانه‌ای (مواد ۱۵۰ و ۶۸۳ ق.آ.د.ک)
- ✓ ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است. (تبصره ۲ ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک)
- ✓ اخذ تصویر یا رونوشت از اسناد و مدارک مربوط به جرائم فوق در هیچ مرحله‌ای امکان‌پذیر نیست و حتی در دادگاه هم شاکی و متهم صرفاً حق مطالعه پرونده را در مورد این جرائم را دارند. (ماده ۱۳۵ ق.آ.د.ک)
- ✓ عدم ابلاغ رأی و رونوشت آن به طرفین دعوا، اما ذینفع در این موارد می‌تواند از روی رأی، استنساخ یا رونویسی کند. (تبصره ۲ ماده ۳۸۰ ق.آ.د.ک)

تفاوت جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی با جرائم دیگر

- ✓ **رابطه جرائم علیه امنیت کشور با جرائم مخل نظم و امنیت عمومی:** بسیاری از جرائم بدون آنکه به قصد مقابله با نظم جمهوری اسلامی یا امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، موجب اختلال در امنیت و آسایش عمومی می‌شود (مانند هياهو و جنجال، نزاع عمومی)، همچنانکه بسیاری از جرائم علیه امنیت کشور لزوماً موجب اختلال در نظم و آسایش عمومی نمی‌شود (مانند جاسوسی) بنابراین شاید بتوان گفت از نظر منطقی، رابطه میان جرائم علیه امنیت کشور با جرائم مخل نظم و امنیت عمومی، عموم و خصوص من وجه است. ثمره این تفکیک را در بسیاری از مواد قانون می‌توان دید برای مثال مطابق ماده ۵۷ ق.آ.د.ک: «چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است، مشاهده کننده، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت‌مجلس، بلافاصله مراتب را به مرجع قضائی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.»
- ✓ **رابطه جرائم علیه امنیت داخلی کشور با جرائم علیه آسایش عمومی:** بسیاری از جرائم مانند تخریب، جعل، جرائم اقتصادی به رغم آنکه مستقیماً با هدف اختلال در امنیت نظام جمهوری اسلامی ارتکاب نمی‌یابد، اما موجب سلب اعتماد عمومی نسبت به نظام اقتصادی و دیگر بنیان‌های کشور می‌شود. هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۷/۱۴ به درستی به همین مطلب اشاره نموده است و رسیدگی به جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور را به عنوان یکی از جرائم علیه آسایش عمومی در صورتی در صلاحیت دادگاه انقلاب می‌داند که متضمن اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، وگرنه در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.
- ✓ **رابطه جرائم علیه امنیت کشور با جرائم سیاسی:** مرتکبین جرایم سیاسی با توجه به ماهیت و انگیزه ارتکاب جرم از امتیازاتی برخوردار هستند که در مورد مجرمان امنیتی، نه تنها هیچ یک از این امتیازات وجود ندارد، بلکه قانونگذار در بسیاری موارد با نگاهی سختگیرانه با این مجرمان برخورد کرده است، مطابق ماده ۱ قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵: «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

تبلیغ خودمون! جزوات سایت MollaKarimi.ir با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام (@vekalatyar) و تلگرام ما (@omidmollakarimi) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتس‌آپ بدین تا از آخرین تغییرات این جزوات و جزوات جدیدی که نگارش می‌شه مطلع‌تون کنیم.

جرائم مرتبط با جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

جرم توهین

توهین از جمله جرائمی است که در قانون مجازات اسلامی در قالب‌های متفاوت جرم‌انگاری شده است.

اقسام توهین

- توهین ساده: توهین به اشخاص موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات
- توهین مشدد: اقسام توهین مشدد از قرار ذیل است:

* توهین به مقدّسات اسلام

۱. توهین به مقدّسات اسلام به میزان سبّ‌النبی موضوع مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ ق.م.ا

۲. توهین به مقدّسات اسلام کمتر از میزان سبّ‌النبی موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا

* توهین به مقامات سیاسی خاص

۱. توهین به مقامات سیاسی داخلی: توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و توهین به مقام رهبری، موضوع ماده ۵۱۴ ق.م.ا تعزیرات

۱. توهین به مقامات دولتی، دولت ایران: توهین به کارمندان در حین انجام وظیفه، موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات

۲. توهین به مقامات سیاسی خارجی: توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی در ایران به صورت علنی، موضوع ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات

* اقسام دیگر توهین:

۲. توهین به بانوان و اطفال در معابر و اماکن عمومی موضوع، ماده ۶۱۹ ق.م.ا تعزیرات

۳. هجو کردن دیگران موضوع ماده ۷۰۰ ق.م.ا تعزیرات

۴. توهین به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه یا به سبب آن موضوع ماده ۲۰ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳

۵. توهین به نظامیان موضوع مواد ۶، ۴۸ و ۴۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

۶. هتک حیثیت از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی موضوع مواد ۱۶ و ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸

✓ در این مبحث فقط به توهین به مقدّسات اسلام و توهین به مقامات سیاسی و دولتی می‌پردازیم و به اقسام دیگر توهین در مبحث جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص می‌پردازیم

جرم توهین به مقدّسات اسلام

سبّ‌النبی

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی: «هر کس پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سبّ‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.

تبصره - قذف هر یک از ائمه معصومین (علیهم السلام) و یا حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یا دشنام به ایشان در حکم سبّ نبی است.»
 ✓ سبّ در لغت به معنای دشنام دادن و سبّ به عنوان اسم فاعل آن شخص دشنام‌دهنده است و منظور از سبّ‌النبی قذف یا توهین به پیامبر گرامی اسلام (ص)، پیامبران عظام الهی، ائمه معصومین و حضرت زهرا (س) است.

✓ همان گونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار قذف یا توهین به هر یک از چهارده معصوم (ع)؛ یعنی دوازده امام (ع) و پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) و همچنین انبیای عظام الهی را مشمول جرم فوق دانسته است؛ اما در مورد توهین به سایر اشخاص و مقدّسات اسلام مانند حضرت زینب (س) یا حضرت عباس (ع) نیز باید خاطرنشان ساخت که هر چند رفتار مرتکب در این موارد با توجّه به ماده ۲۶۲ ق.م.ا سبّ نبی محسوب نمی‌شود، ولی مرتکب با توجّه به قسمت اخیر ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات به ۱ تا ۵ سال حبس محکوم خواهد شد.

✓ در تفسیر انبیاء عظام الهی و اینکه کدام دسته از پیامبران را می‌توان جزء انبیاء الهی به شمار آورد، اختلاف نظر وجود دارد، به عقیده برخی منظور قانونگذار تنها پیامبران اولوالعزم و به عقیده برخی دیگر منظور، آن دسته از پیامبرانی است که نام ایشان در قرآن ذکر شده است، اما به نظر می‌رسد که لفظ «عظام» وصفی در راستای تکریم همه پیامبران می‌باشد، نه تحدید دایره شمول آنها. (نمی‌توان بعضی از پیامبران را عظام دانست و نعوذ بالله بعضی را صغار!) اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در یکی از نظریات مشورتی خود مشابه چنین نظری را دارد؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۹۸۸ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۴: «وصف عظام یک وصف احترامی است و شامل کلیه پیامبران الهی می‌شود.»

ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است سب‌النبی محسوب نمی‌شود.

تبصره - هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق است.»

✓ با توجه به پیش بینی مجازات اعدام برای جرم فوق، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، اما در مواردی ممکن است علی‌رغم توهین به پیامبر اکرم (ص) و دیگر افراد مندرج در ماده ۲۶۲ ق.م.ا دادگاه کیفری یک حکم بر اعدام صادر نکند، مثلاً مرتکب در نتیجه سبق لسان یا اشتباه لفظی، عبارت موهنی را به کار برده باشد؛ در این موارد با توجه به قاعده درأ و ضرورت تفسیر شک به نفع متهم به صرف ادعای متهم مجازات حدی ساقط و حکم به شلاق تعزیری درجه ۶ داده می‌شود.

✓ مستی از علل رافع مسؤولیت کیفری است، ولی در مورد سب نبی حتی اگر مُحَرَز شود که مرتکب خود را برای ارتکاب جرم مست نکرده و به کلی مسلوب‌الاراده شده باشد، باز حکم به شلاق تعزیری درجه ۶ داده می‌شود، البته به نظر می‌رسد نسبت به تعزیر مزبور منع قانونی برای استفاده از نهادهای ارفاقی مانند تخفیف مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و ... وجود نداشته باشد.

توهین به مقدّسات اسلام کمتر از میزان سب‌النبی

ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به مقدّسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم خواهد شد.»

✓ منظور از مقدّسات اسلام:

۱. خدا
۲. قرآن کریم
۳. چهارده معصوم (ع)، یعنی دوازده امام (ع) و پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س)
۴. انبیاء عظام، یعنی همه پیامبران (۱۲۴ هزار پیامبر)
۵. مکان‌های مقدّس، مانند کعبه یا حرم پیامبر (ص) و امامان (ع) و اشخاص قابل احترام در اسلام
۶. شخصیت‌های اسلامی، مانند حضرت ابوالفضل عباس (ع)، حضرت علی اکبر (ع)، حضرت حمزه (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت خدیجه (س)

✓ مقدّسات سایر ادیان که جزء مقدّسات اسلام نیز باشند، مشمول ماده فوق است، مانند حضرت مریم (س) یا هاجر (س)

✓ توهین به مقدّسات با ترک فعل محقق نمی‌شود، مثل اینکه کسی از صلوات فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در هنگام شنیدن نام ایشان خودداری نماید، هر چند که قصد وی از این ترک فعل توهین هم باشد.

✓ اهانت و توهین می‌تواند، علاوه بر گفتار، با فعل و کتابت یا حتی با اشاره هم (به شرط صراحت) صورت گیرد، مثل اینکه کسی در روز عاشورا به قصد اهانت با لباس قرمز در معابر و اماکن عمومی به شادی و هلهله کردن بپردازد.

توهین به مقامات سیاسی و دولتی

توهین به مقامات سیاسی داخلی و مقامات دولتی

جرم توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و توهین به مقام رهبری

ماده ۵۱۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی (رضوان الله تعالی علیه) و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»

✓ توهین به درگذشتگان اصولاً جرم محسوب نمی‌شود، مگر در مواردی که برخلاف آن تصریح شده باشد، توهین به امام خمینی (ره) از مصادیق جرم انگاری توهین به افراد متوفی است.

✓ حکم فوق شامل جرائمی مانند افترا و نشر اکاذیب نمی‌شود و در این موارد باید حکم عام مقرر در مواد ۶۹۷ و ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات مراجعه نمود.

✓ توهین به شخص اول مملکت تحت هیچ عنوان ولو با انگیزه اصلاح امور کشور تحت هیچ شرایطی جرم سیاسی محسوب نشده و مرتکب از هیچ یک از مزایا و امتیازاتی که برای مرتکبین جرائم سیاسی در نظر گرفته شده است، بهره‌مند نخواهد شد. تفکیک فوق از نظر شکلی نیز دارای اهمیت است و توهین به رهبری و امام خمینی (ره) مستنداً به بند «ب» ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود.

✓ جرم توهین مندرج در ماده فوق در زمره جرائم غیرقابل گذشت به شمار می‌رود و برای شروع به تعقیب نیازی به شکایت شاکی خصوصی یا وراثت او نیست.

✓ جرم توهین به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید در نشریات، مطابق ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴: «هر گاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد»

جرم توهین به مقامات دولتی دولت ایران

ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس با توجه به سمت، یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهوری یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به ۳ تا ۶ ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.»

✓ از اطلاق عبارت «هر کس» در صدر ماده فوق مشخص می‌شود که مرتکبین جرم فوق صرفاً ارباب رجوع نبوده و چنانچه دو همکار نیز حین انجام کار، به یکدیگر توهین نمایند، مشمول حکم ماده فوق خواهند شد، مانند اینکه کارمند یک نهاد دولتی که به دلیل مخالفت مدیر با تقاضای مرخصی او، در حضور سایر کارمندان به او توهین نماید.

✓ در صورتی که مرتکب از سمت مخاطب بی اطلاع باشد، با توجه به جهل موضوعی مشمول تشدید ماده فوق نخواهد شد و رفتار وی از مصادیق توهین ساده محسوب می‌شود؛ عبارت «با توجه به سمت» در صدر ماده فوق نیز بیانگر همین مطلب است. البته همان طور که در مباحث جزای عمومی گفته شد، علم مرتکب به جزئیات و امور فرعی فاقد تأثیر است و همین که مرتکب بداند طرف مقابل، یکی از کارکنان آن نهاد است برای تحقق جرم فوق کافی است، ولو آنکه از سمت دقیق وی در آن نهاد بی اطلاع باشد، برای مثال در فرضی که مرتکب قاضی را با یکی از ارباب رجوع اشتباه گرفته و به توهین نماید، به دلیل جهل موضوعی مشمول ماده فوق نیست و رفتار او توهین ساده محسوب می‌شود؛ اما در صورتی که از سمت وی آگاه بوده باشد اما به گمان اینکه مستشار شعبه است نه رئیس دادگاه رفتار وی توهین مشدد محسوب می‌شود؛ زیرا همان گونه که بیان شد برای تحقق این جرم نیازی به اطلاع دقیق از سمت مخاطب نیست.

✓ اشخاص و مقامات مزبور از باب حصر احصا شده‌اند و توهین به سایر مأموران مشمول تشدید فوق نخواهد شد، هرچند نوع رابطه استخدامی در این فرض تأثیری نداشته و توهین به مأموران مذکور، خواه رسمی باشند یا پیمانی، مشمول حکم مقرر در ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود؛ ولی همان طور که بیان شد توهین به سایر مقامات و مأموران از مصادیق توهین ساده به شمار می‌رود؛ برای مثال در فرضی که خانواده بیمار به دلیل نارضایتی از خدمات کادر بیمارستان خصوصی به پزشک و پرستاران توهین نمایند، مرتکب توهین ساده شده‌اند.

- ✓ با توجه به نکته فوق توهین به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی نیز به دلیل عدم تصریح در ماده فوق، مشمول این تشدید نشده و توهین ساده محسوب می‌شود.
- ✓ برخلاف اطلاق ماده فوق، به نظر می‌رسد رویه قضایی توهین به اشخاص فوق را تنها در صورتی مشدد می‌داند که به اعمال حاکمیت بپردازند و برای مثال توهین به مأموران شهرداری در مواردی که به اعمال تصدی‌گری می‌پردازند از مصادیق توهین ساده محسوب می‌شود. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳۸۵ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «چون کارمند دولت مسؤول انجام وظیفه است و با این اعتبار مسؤول شناخته می‌شود و ماده ۸۷ قانون تعزیرات (ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات) مرزی برای مشمولین ماده مذکور تعیین نکرده است و هر کارمند و مسؤولی باید در پرتو حمایت قانونی قرار بگیرد، علی‌هذا مسؤولین اجرایی که وظیفه آنان در ارتباط با اعمال حاکمیت است، مشمول ماده مذکور می‌باشند»
- ✓ تشدید مجازات توهین به اشخاص فوق مستلزم آن است که توهین به آنان در حال انجام وظیفه یا به سبب آن، بوده باشد.
- ✓ منظور از توهین حین انجام وظیفه، توهین به مأمور در ساعات کاری است، حتی اگر به سبب انجام وظیفه نباشد و مثلاً در فرضی که همسر کارمند که از رفتارهای او در خانه به تنگ آمده است، عمداً به محل کار او آمده و در مقابل همکاری‌اش به او توهین کند، رفتار وی نیز از مصادیق ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود؛ زیرا در حال انجام وظیفه صورت گرفته است؛ هرچند ارتباطی با وظیفه اداری کارمند نداشته باشد.
- ✓ ساعات انجام وظیفه لزوماً در محل اجرای خدمت نیست و برای مثال توهین به بازپرسی که برای انجام تحقیقات محلی از دادسرا خارج شده باشد، نیز در ساعات انجام وظیفه مشمول ماده فوق خواهد بود.
- ✓ ممکن است توهین در ساعات انجام وظیفه نبوده، اما به سبب وظیفه مأمور صورت گرفته باشد که در این حالت نیز رفتار مرتکب مشمول ماده فوق می‌باشد، مثلاً شخصی شماره تلفن قاضی را به نحوی پیدا کرده و شبانه از باب رأیی که صادر کرده است به او فحاشی نماید.
- ✓ بزه‌دیده در هنگام توهین باید دارای سمت‌های دولتی مذکور در ماده فوق باشد و تصدی این سمت‌ها در زمانی قبل یا بعد از توهین کفایت نمی‌کند
- ✓ بازنشستگی مأموران و مقامات مندرج در ماده فوق بعد از توهین منافاتی با تشدید مجازات مرتکب نخواهد داشت و برای مثال در فرضی که مرتکب به مأمور دولت حین خدمت یا به سبب آن توهین نموده و مأمور مذکور یک ماه بعد بازنشسته شود، رفتار مرتکب مشمول توهین مشدد موضوع ماده فوق خواهد بود.
- ✓ به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات نیز همچون جرم موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات، جزء جرائم قابل گذشت دانسته شده است و لذا حداقل و حداکثر مدت حبس آن به نصف تقلیل می‌یابد (یعنی یک ماه نیم تا سه ماه می‌شود) و با توجه به درجه آن لزوماً به مجازات جایگزین حبس تبدیل می‌گردد؛ از سوی دیگر با گذشت شاکی، تعقیب یا مجازات موقوف می‌گردد.
- ✓ با توجه به بند (الف) ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ توهین به برخی از مقامات فوق، جرم سیاسی تلقی می‌شود، مشروط به آنکه با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام صورت گرفته باشد. این اشخاص با توجه به بند مذکور عبارتند از: «توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان» فایده این بحث فارغ از امتیازاتی که در قانون برای مرتکبین جرائم سیاسی در نظر گرفته شده از نظر شکلی و تعیین دادگاه صالح نیز دارای اهمیت است، چرا که به جرم توهین اصولاً در دادگاه کیفری دو رسیدگی می‌شود ولی در صورتی که جرم سیاسی محسوب شود، رسیدگی به آن در دادگاه کیفری یک و یا حضور هیأت منصفه انجام می‌گیرد.

توهین به مقامات سیاسی خارجی

جرم توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی در ایران به صورت علنی

ماده ۵۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس علناً نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به ۱ تا ۳ ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.

تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.»

✓ تحقق جرم فوق مستلزم آن است که یا توهین در حضور حداقل یک نفر و یا در اماکن عمومی که مہیای حضور سایر مردم است، صورت گرفته باشد و در صورتی که توهین به صورت غیرعلنی صورت گرفته باشد، مشمول ماده فوق نخواهد بود.

✓ تحقق جرم فوق مستلزم آن است که رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی وارد خاک ایران (نه قلمرو هوایی یا دریایی) شده باشد؛ بنابراین در فرضی که شخصی در هوایمایی که بر فراز قلمرو هوایی ایران در حال پرواز است به اشخاص مزبور توهین نماید، رفتار وی مشمول جرم توهین ساده ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ منظور از معامله متقابل آن است که مشابه این جرم و با همین میزان مجازات در قانون دولت متبوع رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی مورد پیش‌بینی قرار گرفته باشد، در غیر این صورت رفتار مرتکب مشمول جرم توهین ساده ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ مطابق تبصره ماده فوق اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد، البته به نظر می‌رسد برخلاف باور برخی، تبصره فوق را باید به موجب ماده ۱۰۴ ق.م.ا منسوخ دانست. همچنین این نظر به ویژه با استناد به ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قابل گذشت محسوب نمودن جرم توهین به مأموران دولت موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات، تقویت می‌شود، چرا که قانونگذار برخلاف قابل گذشت دانستن این جرم، کماکان، به قابل گذشت نبودن جرائم موضوع مواد ۵۱۶ و ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات اشاره ننموده است.

✓ در صورت جهل موضوعی نسبت به عنصر موضوع جرم که همان رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی بودن بزه‌دیده است، چون موضوع جرم در این جرم از کیفیات مشدده محسوب می‌شود، تحقق جرم مشمول کیفیت مشدده نخواهد بود؛ بنابراین در فرضی که شخص بدون اطلاع از سمت رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی به او توهین کند، رفتار مرتکب مشمول جرم توهین ساده ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات خواهد بود.

✓ پیش‌بینی مجازات حبس برای جرم فوق نشان‌دهنده موضع سخت‌گیرانه قانونگذار در مقایسه به جرم توهین ساده است؛ اما نکته مهم و البته جالب این است که در حال حاضر با توجه به ماده ۶۵ ق.م.ا و الزام دادگاه به صدور حکم به جایگزین‌های حبس در جرائم به مجازات‌های قانونی تا ۳ ماه حبس، در عمل از این موضع سخت‌گیرانه فاصله گرفته شده و برای توهین عادی مجازات سنگین‌تری در نظر گرفته شده است؛ به عبارت دیگر اگر جرم ماده فوق محقق شود مرتکب تنها به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شود و در صورت تحقق جرم موضوع ماده ۶۰۸ یعنی توهین ساده، مرتکب به جزای نقدی درجه ۲ محکوم می‌گردد.

✓ قانونگذار در بند (ب) ماده ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۸۵ توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی را تحت شرایطی جرم سیاسی دانسته است؛ مشروط بر آنکه اولاً جرم با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون قصد ضربه زدن به نظام ارتکاب یافته و ثانیاً شرایط مقرر در ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات (مانند علنی بودن و معامله متقابل) رعایت شده باشد؛ اما نکته مهم این است که برای سیاسی محسوب شدن جرم فوق نیازی به ورود رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی به خاک ایران نیست (برخلاف ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات) و همین که رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی وارد قلمرو ایران شده باشد، با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون رفتار مرتکب جرم سیاسی محسوب می‌شود.

سوء قصد به جان مقامات سیاسی

جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی یا مذهبی داخلی

ماده ۵۱۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.»

- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «سوء قصد به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید»
- ✓ منظور از سوء قصد به جان مقامات سیاسی یا مذهبی داخلی، شروع به قتل آن‌ها است.
- ✓ عنصر مادی این جرم در حد «جرم عقیم» قابل فرض است، به این نحو که مرتکب علاوه بر قصد مجرمانه، اقدام به عملیات مقدماتی (مثلاً خرید اسلحه) را نیز پشت سر گذاشته و دست به عملیات اجرایی قتل بزند، ولی پس از شروع بنا به دلایلی، قصد او بلا اثر بماند؛ مثل اینکه مرتکب بر اثر خطا در تیراندازی یا دخالت محافظین فرد مورد نظر و یا ملتس بودن او به جلیقه ضدگلوله اساساً نتواند وی را هدف قرار دهد و یا اینکه تنها وی را مجروح سازد.
- ✓ بر اساس تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا، جرم محال موضوعی در حکم شروع به جرم است و با توجه به ضرورت تفسیر به نفع متهم جرائم محال حکمی و عقیم قابل مجازات نیستند؛ ولی به نظر می‌رسد سوء قصد در زمره جرائمی باشد که به رغم عقیم ماندن (مانند شلیک به خودروی ضد گلوله‌ای که رئیس جمهور سوار بر آن است) به عنوان جرم خاص (نه به عنوان شروع به جرم) جرم‌انگاری شده است؛ به عبارت دیگر چه مرتکب در میانه مسیر اجرایی از هدف خود باز می‌ماند، (مثلاً در زمان شروع به تیراندازی و پیش از کشیدن ماشه اسلحه دستگیر شود) و چه پس از خاتمه آن، مقصودش عقیم بماند، هر دو مشمول جرم سوء قصد هستند.
- ✓ در سوء قصد نیز همچون شروع به جرم، مرتکب باید به دلایل غیرارادی از هدف خود باز بماند و در صورتی که به اراده خود از عملیات مجرمانه منصرف شود، رفتار او را نمی‌توان سوء قصد دانست و فقط اگر همان میزان از عملیات او واجد عنوان مجرمانه باشد (مثلاً حمل سلاح) صرفاً به مجازات همان جرم محکوم می‌شود.
- ✓ با توجه به آن که سوء قصد ماهیتاً شروع به قتل عمدی محسوب می‌شود، شروع به آن (شروع به سوء قصد) متصور نیست.
- ✓ منظور از رؤسای قوای سه‌گانه، رؤسای فعلی قوای سه‌گانه می‌باشد، نه رؤسای سابق.
- ✓ منظور از مراجع بزرگ تقلید در ماده فوق، مراجعی هستند که تعداد قابل توجهی از شیعیان (و نه فقط اهالی یک روستا یا شهر کوچک یا خانواده آنها) از آنان تقلید می‌کنند، ولی تأیید یا عدم تأیید حکومت نسبت به شخص مرجع تقلید از اهمیت برخوردار نمی‌باشد. همین طور از ظاهر ماده برمی‌آید که تابعیت ایرانی داشتن مرجع تقلید یا تقلیدکنندگان مهم نیست؛ بنابراین هرگاه کسی در ایران به جان یک مرجع بزرگ تقلید که دارای تابعیت کشور دیگری غیر از ایران بوده و مقلدین بسیاری از میان شیعیان غیرایرانی دارد، سوء قصد نماید، مشمول ماده فوق قرار خواهد گرفت.
- ✓ در صورتی که سوء قصد به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.
- ✓ در صورتی که سوء قصد به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه‌گانه و مراجع بزرگ تقلید، بدون قصد مقابله با حکومت اسلامی (مثلاً به دلیل خصومت شخصی و بدون انگیزه عمومی) باشد، مرتکب به ۳ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شود.

جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی

ماده ۵۱۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوء قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می‌شود مشروط بر اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود و الا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود.

تبصره - چنانچه سوء قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد.»

- ✓ منظور از «رئیس کشور خارجی» شخص اول مملکت اعم از شاه، ملکه، رئیس جمهور، رهبر، رئیس حزب حاکم و مانند آن است.
- ✓ منظور از «نماینده سیاسی»، رئیس هیأت نمایندگی کشور خارجی یا هر مقام دولتی آن کشور است که پیرو دعوت رسمی دولت ایران، در اجرای یک وظیفه دولتی به ایران سفر کرده باشد.

- ✓ شرط تحقق جرم فوق، ارتکاب جرم در قلمرو ایران است؛ بنابراین در فرضی که یک ایرانی در کشور خارجی به جان رئیس جمهور ایران سوء قصد کند، رفتار او از باب تعدد معنوی شروع به قتل عمدی و سوء قصد به شمار می‌رود، اما اگر در فرض مطروحه به جان رئیس کشور خارجی سوء قصد شود، مرتکب با توجه به اصل صلاحیت شخصی به مجازات شروع به قتل عمدی (نه سوء قصد) محکوم می‌گردد، چرا که شرط تحقق سوء قصد در ماده فوق، وقوع جرم فوق در قلمر ایران است.
- ✓ شمول ماده فوق مستلزم آن است که مقامات فوق پیرو یک دعوت رسمی و به عنوان مأمور سیاسی (نه مثلاً برای گردش و به عنوان توریست) وارد قلمرو ایران شده باشند.
- ✓ رفتار مجرمانه جرم فوق باید در قلمروی حاکمیت ایران اعم از قلمروی زمینی، هوایی یا دریایی واقع شده باشد.
- ✓ تعیین مجازات فوق منوط به شرط معامله متقابل است؛ یعنی باید مشابه این جرم در قوانین دولت خارجی، مورد پیش‌بینی قرار گرفته و حتی از حیث مجازات نیز همانند قانون ایران (۳ تا ۱۰ سال حبس) باشد و در صورتی که برای جرم سوء قصد در قوانین کشور دیگر مجازات کمتری در نظر گرفته شده باد، مرتکب به همان مجازات خفیف‌تر محکوم می‌گردد.

تفاوت جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی یا مذهبی داخلی با جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی	
جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی یا مذهبی داخلی	جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی
شرط تحقق جرم فوق، ارتکاب جرم در قلمرو ایران نیست	شرط تحقق جرم فوق، ارتکاب جرم در قلمرو ایران است
جرم موضوع ماده ۵۱۵ ق.م.ا تعزیرات، در زمره جرائم غیرقابل گذشت به شمار می‌رود و شکایت یا گذشت بزه‌دیده تأثیری در روند تعقیب یا مجازات نخواهد داشت.	مطابق تبصره ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات اعمال مقررات ماده فوق منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی‌علیه یا ولی اوست و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزائی نیز موقوف خواهد شد.

مفهوم تروریسم: منظور از تروریسم، مخصوصاً تروریسم سیاسی، اعمال خشونت‌باری است که در عین حال خصیصه سازمان‌یافته دارند و معمولاً با انگیزه‌ها و اهداف سیاسی ارتکاب می‌یابند.

مقایسه تروریسم با سایر عناوین مجرمانه

۱. آنچه که ترس و وحشت موجود در تروریسم را از وحشت و ترسی که در سایر جرائم برای قربانی به وجود می‌آورد تفکیک می‌کند آن است که در جرائم دیگر ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی مجرم نیست، بلکه به طور فرعی و ثانوی از اعمال او ناشی می‌شود. برای مثال، سارق که به طرف قربانی حمله کرده و جیب او را خالی می‌کند یا به زور اسلحه، کیف او را می‌گیرد نیز ایجاد ترس می‌کند، تروریست نیست. هدف او نه ایجاد ترس بلکه ربودن مال قربانی است. لیکن برای تروریست، مخصوصاً تروریست سیاسی، ایجاد ترس و وحشت در قربانیان مستقیم این جرم، یا به طور غیرمستقیم در افراد دیگر، هدف اصلی می‌باشد.
۲. تفاوت دیگری که بین تروریسم و جرائم عادی دیگر وجود دارد این است که اولی همواره به شکل یک جرم سازمان‌یافته و گروهی ارتکاب می‌یابد؛ در حالی که جرائم عادی دیگر اصولاً به شکل جرم سازمان‌یافته و گروهی ارتکاب نمی‌یابد. ما معمولاً اعمال جنون‌آمیزی را که ممکن است یک فرد به تنهایی و به اصطلاح خودسرانه مرتکب شود و مثلاً به مدرسه یا فروشگاه‌های حمله کند و تعداد زیادی را به رگبار ببندد (که در جوامعی مثل آمریکا، که در آنها داشتن سلاح مجاز است، نمونه‌های آن کم نیست) تروریسم نمی‌نامیم.

جرم تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت

ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم خواهند شد.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «توافق حداقل دو نفر برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور یا فراهم آوردن وسایل ارتکاب آن و عدم تحقق آن به طور غیر ارادی»

✓ مجازات تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت شدیدتر بوده و مدت حبس در آن ۲ تا ۵ سال حبس می‌باشد، مگر آنکه رفتار مرتکبین از مصادیق محاربه باشد که در این صورت به مجازات جرم مذکور محکوم خواهند شد.

سوال: چه زمان می‌توان توافق افراد برای ارتکاب جرائم علیه امنیت را از مصادیق محاربه دانست؟

✓ **پاسخ:** ابتدا باید یادآور شد که تحقق جرم محاربه ماده ۲۷۹ ق.م.ا مستلزم کشیدن سلاح برای ترساندن مردم و ترس حداقل یک نفر است و محاربه دانستن توافق میان افراد بدون شرایط مزبور (مانند: کشیدن سلاح) نیازمند بررسی بیشتر است. مشابه این حکم در تعداد دیگری از جرائم به چشم می‌خورد و قانونگذار بر رفتاری که محاربه به معنای خاص آن نیست مجازات محارب را در نظر گرفته است، برای مثال مواد ۴۹۸، ۵۰۴ و ۵۰۸ ق.م.ا تعزیرات. به نظر می‌رسد برای محارب دانستن مرتکبین این جرائم باید به یکی از دو ضابطه ذهنی یا عینی را مورد توجه قرار داد، در صورتی که قصد مرتکب (ملاک ذهنی) در این موارد مقابله با اصل نظام و براندازی آن باشد یا در نتیجه رفتار او (ملاک عینی) تبعاتی مانند شکست جبهه اسلام، آسیب گسترده و ... به بار آید، مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌گردد. با توجه به این مطلب در فرضی که چند نفر برای ارتکاب جرائم علیه امنیت اجتماع کرده و هدف آنان از این تبانی براندازی نظام باشد به مجازات محارب محکوم خواهد شد.

جرم اجتماع و تبانی علیه اعراض، نفوس و اموال مردم

ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرائی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهند شد.»

✓ رفتار مجرمانه جرم فوق از نظر دکتر ملاکریمی عبارت است از: «توافق حداقل دو نفر برای ارتکاب جرم علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم و تدارک مقدمات اجرائی و عدم تحقق آن به طور غیر ارادی»

✓ قانونگذار در ماده ۶۱۱ ق.م.ا تعزیرات به جای تبانی برای ارتکاب جرم برای اقدام علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اشاره کرده و ظاهراً توافق بر اقدامات غیر مجرمانه را هم می‌توان تبانی دانست، مانند فرضی که دو نفر هماهنگ کنند که مسائل مالی شخصی را برای ورشکسته شدن او افشا نمایند، رفتار آنها ظاهراً تبانی محسوب می‌شود، هر چند افشای اسرار مالی اصولاً جرم نباشد؛ البته این تفسیر با فلسفه جرم‌انگاری تبانی و ضرورت اکتفا به قدر متیقن ناسازگار است و به نظر می‌رسد اشاره به لفظ «اقدام» در ماده فوق ناشی از تسامح و بی‌توجهی قانونگذار است و باید واژه اقدام را حمل بر معنای جرم نمود (نه هر اقدامی)؛ این نظر به ویژه با عنایت به ماد ۶۱۰ ق.م.ا تعزیرات و تصریح به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی تقویت می‌شود.

✓ از لفظ «مردم» در ماده فوق چنین برمی‌آید که بزه‌دیده این جرم، تنها اشخاص حقیقی بوده و اقداماتی را که ممکن است به شخص حقوقی خسارت وارد نماید، در برنمی‌گیرد؛ بنابراین در فرضی که دو نفر تبانی کنند تا اموال یک شرکت خصوصی را تخریب کنند، چنین توافقی را نمی‌توان تبانی محسوب نمود، از سوی دیگر در تفسیر لفظ مردم در ماده فوق نظرات مختلفی ابراز شده است؛ به تعبیر برخی این توافق برای انجام اقدامات مزبور علیه یک نفر را نمی‌توان تبانی دانست و تعداد افراد باید به قدری باشد که لفظ مردم بر آن صدق نماید، اما مطابق نظری دیگر صیغه جمع در اینجا افاده نوع می‌کند و تعداد افراد در اینجا فاقد موضوعیت است، چرا که غرض از جرم‌انگاری تبانی مقابله با حالت خطرناک مرتکبین و قصد نامشروع آنان است، اعم از اینکه این اقدامات علیه یک نفر باشد یا جمعی از افراد.

در مورد جرم تبانی نکات ذیل قابل توجه است:

✓ تبانی نیز همچون تهدید در زمره جرائمی است که در آن نیت مرتکب لزوماً به مرحله اجرا نمی‌رسد؛ ولی به دلیل آثار سوئی که ممکن است از اجتماع دو یا چند نفر به بار آید و حس اعتماد به نفس آنان را در این زمینه تقویت نماید، به طور مستقل جرم‌انگاری شده است، در مواردی دیده شده است که فرد پس از درگیری با دیگری و مجروح شدن از جانب او درصدد انتقام برآمده ولی به تنهایی جسارت اجرایی نمودن قصد

خود را ندارد؛ اما به محض در میان گذاشتن آن با دوستان و وعده همراهی آنان، این حس در او دو چندان شده و جسارت اجرا نمودن قصد خود را پیدا می‌کند، حتی اگر در عمل هرگز اجرا نکند.

✓ رفتار مجرمانه جرم تبانی عبارت است از: «توافق حداقل دو نفر برای ارتکاب جرم و عدم تحقق آن به طور غیر ارادی» صرف قصد ارتکاب جرم یا تهیه مقدمات، جرم محسوب نمی‌شود و حداقل شرط تحقق جرم، شروع به عملیات اجرایی و قطع غیرارادی عمل است، که در این صورت رفتار مرتکب با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون شروع به جرم محسوب می‌شود؛ اما در جرم تبانی به دلیل خطرانی که از اجتماع افراد ممکن است به بار آید، همین مراحل مقدماتی (پیش از شروع به جرم) جرم‌انگاری شده است؛ به عبارت دیگر صرف قصد ارتکاب جرم و تهیه مقدمات از سوی یک نفر جرم نیست؛ ام اگر همین رفتار در قالب توافق قبلی از سوی دو نفر یا بیشتر انجام شود، مشمول جرم خاص تبانی است.

✓ صرف مذاکرات اولیه پیش از رسیدن به یک توافق کلی را نمی‌توان تبانی دانست؛ زیرا ممکن است پس از همین گفتگوی ابتدایی معلوم شود که اساساً افراد قصد مشترکی را دنبال نمی‌کنند، ولی باید یادآور شد در صورت حصول توافق کلی، ضرورتی به توافق در مورد جزئیات نیست؛ برای مثال همین که دو نفر در مورد قتل شخص به توافق برسند برای تحقق جرم تبانی کفایت می‌کند و اینکه یکی نظر بر کشتن با سلاح گرم داشته باشد و دیگری نظر بر ریختن سم در غذای او در اصل قضیه تأثیری ندارد، همچنین کنار کشیدن یکی از اشخاص از توافق حاصله تأثیری در اصل جرم نداشته و نهایتاً از جهات تخفیف اختیاری به شمار می‌رود.

✓ توافق، نمود قصد درونی دو یا چند نفر بر ارتکاب جرم است و صرف اینکه چند نفر صرفاً یکدیگر را تشویق یا ترغیب به ارتکاب جرم نمایند، بی آنکه واقعاً توافق قطعی در این زمینه میان آنان شکل گرفته باشد، بحث تبانی منتفی است و نهایتاً می‌توان آن را از مصادیق معاونت در جرم (در صورت تحقق جرم اصلی) محسوب نمود.

✓ در رابطه با شرط «حضور حداقل دو نفر» برای تحقق تبانی باید ذکر نمود، ضرورتی ندارد که حتماً تمام افراد دارای شرایط عام مسؤولیت کیفری باشند، برای مثال در فرضی که که مادر با پسر چهارده ساله خود نقشه سرقت از طلافروشی را بکشند، رفتار آنان با رعایت سایر شرایط قانونی، تبانی محسوب می‌شود؛ مگر آنکه طرف دیگر به دلایل شخصی اساساً درکی از توافق با دیگری نداشته باشد که در این صورت بحث تبانی منتفی است؛ مانند تبانی شخص مجنون با شخص صغیر غیرممیز.

✓ عدم ارتکاب جرم از سوی یکی از طرفین مانع تحقق جرم تبانی نخواهد شد؛ زیرا توافق افراد در این راستا موجب بروز حالت خطرناک و جسارت مرتکب اصلی بر ارتکاب جرم می‌شود و هدف از جرم‌انگاری تبانی نیز پیشگیری از توافقاتی است که چنین پیامدهایی را به دنبال دارد؛ بنابراین در فرضی که یک کارمند دولت با یک فرد عادی توافق کنند که کارمند مرتکب اختلاس شود، هر دو نفر به مجازات جرم تبانی محکوم می‌شوند، مگر آنکه جرم مورد توافق واقعاً محقق شود که در این صورت کارمند به مجازات اختلاس و فرد عادی به مجازات معاونت در اختلاس محکوم می‌گردد.

✓ در رابطه با اینکه تبانی جرمی آنی یا مستمر است اختلاف نظر وجود دارد، به باور برخی از حقوق دانان جرم مذکور در زمره جرائم آنی بوده و به محض حصول توافق جرم محقق شده است، اما مطابق نظر عده دیگر از حقوق دانان تبانی جزء جرائم مستمر است و تا مادامی که افراد از توافق خود عدول نکرده باشند، این جرم در حال ادامه یافتن است؛ اما نظر اول صحیح‌تر بوده و به مجزّه افراد برای ارتکاب جرم به اتفاق نظر برسند، جرم تبانی محقق شده است ولو اینکه یکی از افراد فوراً از این توافق صرف نظر کند.

• **سوال:** آیا توافق مشروط میان دو یا چند نفر را می‌توان مشمول جرم تبانی دانست یا خیر؟

✓ **پاسخ:** برای پاسخ به سوال فوق باید به قصد اصلی و اولیه افراد توجه نمود؛ در صورتی که قصد اصلی افراد واقعاً ارتکاب آن جرم باشد، توافق آنان با رعایت سایر شرایط تبانی محسوب می‌شود؛ اما اگر قصد اولیه آنان امری مشروع و قانونی بوده و قصد ثانویه آنان ارتکاب جرم باشد، چنین توافقی را نمی‌توان تبانی محسوب نمود، برای مثال در فرضی که دو شریک با یکدیگر توافق کنند که اگر طرف دیگر بدهی آنان را نپردازد، مغازه‌اش را تخریب کنند، این توافق را نمی‌توان تبانی دانست؛ زیرا هدف اصلی آنان رسیدن به طلبشان است که حق مشروع می‌باشد (نه تخریب مغازه دیگری)، اما در فرضی که دو نفر با یکدیگر توافق کنند که اگر نگهبان ساختمان به مرتخصی رفته باشد از واحدهای ساختمان سرقت کنند، چنین توافقی را باید تبانی به حساب آورد؛ زیرا هدف اصلی آنان ارتکاب سرقت است.

✓ برای تحقق تبانی، محل توافق مهم نیست و چه بسا توافق افراد در خارج از ایران برای ارتکاب جرمی در ایران صورت گرفته باشد که در این صورت باید با مراجعه به قواعد تعیین قلمرو مکانی قوانین کیفری، حکم قضیه را مشخص نمود، برای مثال در فرضی که دو ایرانی در خارج از کشور تبانی کنند که مرتکب جرمی در ایران شوند، رفتار آنان با توجه به اصل صلاحیت شخصی تبانی محسوب می‌شود، همچنان که اگر دو خارجی در کشور دیگر تبانی کنند که مرتکب جرم علیه امنیت ایران شوند، توافق آنان با توجه به اصل صلاحیت واقعی تبانی خواهد بود یا اگر دو خارجی در ایران به توافق رسیده و مقدمات اجرایی را در خارج از کشور تدارک بینند، با توجه به آن که قسمتی از جرم در قلمرو ایران اتفاق افتاده، در حکم جرم ارتكابی در ایران است.

✓ در مواردی که فرد خودش جزء طرفین توافق نبوده ولی با شیوه‌هایی مانند در اختیار گذاشتن مکانی برای حضور آنان یا دادن وسایل ارتباطی شرایط را به نحوی برای آنان تسهیل نماید، رفتار او را به جهت عدم مشارکت در توافق را نمی‌توان تبانی دانست؛ ولی رفتارهایی از قبیل را با رعایت شرایط قانونی می‌توان معاونت در تبانی دانست. ناگفته نماند همان گونه که معاونت در تبانی امکان‌پذیر است، تبانی برای معاونت در جرم نیز متصور می‌باشد، برای مثال در فرضی که دو نفر با یکدیگر تبانی کنند که سم را در اختیار «الف» قرار دهند تا او آن را برای قتل به «ب» بدهد، رفتار آن دو نفر تبانی برای معاونت در قتل عمدی است؛ البته در صورت تحقق جرم اصلی محکوم ساختن آنها به اتهام معاونت در قتل عمدی (معاونت در معاونت) محتمل خواهد بود.

✓ تبانی به معنای توافق افراد برای ارتکاب جرم است؛ بنابراین هماهنگی قبلی برای انحام رفتار مستوجب ضمانت اجرای انتظامی یا مدنی را نمی‌توان تبانی دانست، برای مثال در فرضی که کارمندان یک اداره دولتی به دلیل تعویق در پرداخت حقوق ماهیانه توافق کنند که با تأخیر در محل کار حاضر شوند چنین توافقی تبانی محسوب نمی‌شود؛ زیرا اولاً هدف نهایی آنان یک امر مشروع بوده و از سوی دیگر توافق آنان نهایتاً بر انجام یک تخلف (نه جرم) بوده است. ناگفته نماند با توجه به اطلاق قانونگذار تفاوتی میان تبانی برای ارتکاب جرائم شدید یا خفیف نیست و هرگونه توافق قبلی بر ارتکاب جرم (ولو کم اهمیت) را در بر می‌گیرد، بدیهی است این مطلب شامل جرائم غیرعمدی نمی‌شود؛ زیرا با توجه به ضرورت هماهنگی قبلی میان افراد بحث تبانی در این جرائم اساساً متصور نیست.

• سوال: تبانی جزء جرائم ساده محسوب می‌شود یا جرائم مرکب؟

✓ پاسخ: برای پاسخ به این سوال باید میان جرائم علیه امنیت با جرائم علیه اعراض، نفوس و اموال مردم قائل به تفکیک شد؛ تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت در زمره جرائم ساده به شمار می‌رود و صرف توافق افراد برای ارتکاب این دسته از جرائم، تبانی به حساب می‌آید؛ اما در مورد دسته دیگر از جرائم یعنی تبانی علیه اعراض، نفوس و اموال مردم، صرف توافق کفایت نمی‌کند و باید برای رسیدن به این هدف مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند؛ بنابراین تبانی در این موارد از جرائم مرکب محسوب می‌شود.

✓ تبانی در هر دو شکل آن (یعنی چه در جرائم علیه امنیت و چه در سایر جرائم) در زمره جرائم مطلق به شمار می‌رود و برای تحقق آن نیاز به حصول نتیجه یعنی ارتکاب جرم مورد توافق نیست.

✓ قانونگذار در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ ق.م.ا. تعزیرات صرفاً توافق برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور یا اعراض، نفوس و اموال مردم را مشمول جرم تبانی دانسته و به سایر جرائم اشاره ننموده است که از این جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا توافق برای ارتکاب بسیاری از جرائم بدون بزه دیده (مانند جعل، پول شویی، قاچاق، تشکیل مراکز فساد و فحشا و بسیاری دیگر از جرائم علیه نظم و آسایش عمومی) را با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی نمی‌توان مشمول جرم تبانی دانست.

✓ تحقق جرم تبانی مستلزم آن است که مرتکبین صراحتاً بر آن جرم تراضی نمایند و در صورت عدم تصریح نمی‌توان توافق صورت گرفته را تبانی دانست، برای مثال بیان عبارتی مانند «فلانی را بیچاره می‌کنیم» یا «او را به خاک سیاه می‌نشانیم» را به دلیل عدم تصریح به ارتکاب عمل مجرمانه نمی‌توان تبانی دانست.

✓ در مواردی که افراد بر سر جرمی توافق کنند که اساساً وقوع آن غیرممکن (محال) است، آیا چنین توافقی را می‌توان مشمول جرم تبانی دانست؟ به عنوان مثال دو نفر در مورد سقط جنین زنی توافق کنند که اصلاً باردار نیست، به عقیده برخی حقوق دانان توافق بر ارتکاب جرم محال را اساساً نمی‌توان جرم دانست و در تقویت این نظر به فقدان نص خاص و ضرورت تفسیر به نفع متهم استناد می‌کنند ولی با توجه به آن که جرم محال موضوعی در تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا. به طور صریح جرم انگاری شده است، به نظر می‌رسد توافق برای ارتکاب جرم محال

موضوعی را بتوان تبانی دانست؛ بنابراین در فرضی که برای کشتن شخصی که ظاهراً خواب است توافق کرده ولی کاشف به عمل بیاید که آن شخص مرده است، این توافق را می‌توان تبانی دانست.

✓ تحقق جرم تبانی منوط به آن است که قصد افراد به دلایل غیر ارادی به نتیجه نرسد؛ برای مثال در فرضی که چند نفر توافق کنند که شبانه از طلافروشی سرقت نمایند و برای این منظور وسایل را فراهم کرده باشند، اما در در هنگام سرقت به دلیل باز نشدن درب طلافروشی موفق به ارتکاب سرقت نشوند، رفتار آن تبانی به شمار می‌رود. در صورتی که افراد موفق به عملی نمودن قصد خود شوند و مثلاً در مثال مزبور بتوانند از طلافروشی سرقت نمایند، آیا رفتار آنان مشمول مقررات تعدد جرم می‌شود (یعنی سرقت و تبانی)؟ در پاسخ به این سوال نظرات مختلفی ابراز شده است، برخی بر این باورند که اگر جرم مورد نظر محقق شود، رفتار مرتکبین مشمول تعدد مادی است و رابطه نزدیک تبانی با جرم اصلی موجب نمی‌شود که این دو جرم را در هم ادغام کنیم؛ ولی به نظر می‌رسد در این موارد مرتکبین را تنها باید به مجازات شرکت در جرم اصلی محکوم نمود و بحث تبانی منتفی است؛ زیرا جرم‌انگاری جرم تبانی به عنوان یکی از جرائم مانع بیشتر جنبه پیشگیرانه از جرم اصلی را دارد و با تحقق جرم اصلی، نقش پیشگیرانه یا احتیاطی تبانی زائل می‌شود، بدین ترتیب در فرض فوق چنانچه افراد قبل از ورود به طلافروشی توسط پلیس دستگیر شوند هم باز بحث جرم تبانی منتفی است و به مجازات شروع به سرقت محکوم می‌شوند، به عبارت دیگر محکوم کردن افراد به تبانی مستلزم آن است که جرم اصلی یا شروع به آن محقق نشده باشد.

• **سوال:** اگر شخصی دیگری را دعوت نماید تا بر سر ارتکاب جرمی توافق کنند ولی نفر دوم از پذیرش این پیشنهاد امتناع کند، آیا می‌توان رفتار نفر اول را شروع به تبانی دانست؟

✓ **پاسخ:** در پاسخ به این سوال باید گفت که به عقیده بسیاری در جرم تبانی همانند معاونت در جرم اساساً توسل به عملیات مقدماتی و ورود به عملیات اجرایی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر تبانی محقق می‌شود یا نمی‌شود و بنابراین بحث شروع به تبانی منتفی است ولی به نظر می‌رسد این مطلب تنها در تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت مصداق باشد که صرف اجتماع قصد طرفین، جرم محسوب می‌شود ولی در مورد تبانی برای ارتکاب جرائم علیه اعراض، نفوس و اموال مردم با توجه به آن که صرف توافق کافی نبوده و باید مقدمات اجرایی هم فراهم شده باشد، چنانچه افراد توافق برای ارتکاب این جرائم نموده ولیکن به دلایل غیرارادی موفق به تدارک این مقدمات اجرایی نشوند، این توافق را باید شروع به تبانی دانست.

✓ عنصر روانی جرم تبانی، داشتن قصد مجرمانه یعنی قصد عملی کردن توافق است و بنابراین در فرضی که در توافق دو نفره یکی از طرفین واقعاً چنین قصدی را نداشته باشد با توجه به عدم وجود عنصر روانی بحث تبانی منتفی است، همچنین در فرضی که یکی از طرفین قصد ارتکاب جرم دیگر را داشته باشد، به دلیل عدم وحدت قصد این توافق را نمی‌توان تبانی دانست.

✓ ناگفته نماند علم طرفین از جرم بودن رفتاری که بر سر آن توافق کرده‌اند، فاقد اهمیت می‌باشد؛ زیرا جهل به قانون اصولاً رافع مسؤولیت کیفری نیست؛ بنابراین در فرضی که دو نفر با تصور اینکه تصرف عدوانی صرفاً موجب ضمانت اجرای مدنی می‌باشد، تصمیم به تصرف ملک دیگری نموده و پس از توافق از جرم بودن این رفتار مطلع شوند، مانع تحقق جرم تبانی نخواهد بود.

✓ جرم تبانی در هر صورت در زمره جرائم غیرقابل گذشت محسوب می‌شود و در صورت وجود شاکی خصوصی گذشت او موجب موقوفی مجازات نشده و نهایتاً از جهات تخفیف اختیاری محسوب می‌شود.

✓ در صورت تحقق جرم مورد تبانی، مرتکبین به مجازات همان جرم (نه جرم تبانی) محکوم خواهند شد، حکم مقرر در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ ق.م.ا تعزیرات ۱ این جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا قانونگذار برای جرم مذکور مجازات نسبتاً شدیدی در نظر گرفته است که در بعضی از موارد از مجازات جرم اصلی شدیدتر است؛ برای مثال در فرضی که دو نفر برای فعالیت تبلیغی علیه نظام موضوع ماده ۵۰۰ ق.م.ا تعزیرات تبانی نمایند، در صورت تحقق این جرم به مجازات جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام (۳ ماه تا ۱ سال حبس) محکوم خواهند شد و در صورت عدم تحقق این جرم، به مجازات جرم تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت (۲ تا ۵ سال حبس) محکوم می‌گردند.

✓ در مواردی که شخصی سردهسته گروه تبانی‌کنندگان باشد با استناد به ماده ۱۳۰ ق.م.ا به حداکثر مجازات قانونی جرم تبانی محکوم خواهد شد.

✓ مجازات مقرر در مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ ق.م.ا تعزیرات منصرف از مواردی است که برای تبانی در جرمی خاص مجازات مستقلاً در نظر گرفته شده باشد، برای مثال مطابق ماده ۵۴۹ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد» یا مطابق ماده ۶۷۲ ق.م.ا تعزیرات: «هر گاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به ۶ ماه تا ۳ سال حبس و یا به جزای نقدی از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) میلیون ریال محکوم می‌گردد.»

جرم نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی

تعریف جرم نشر اکاذیب

منظور از اظهار اکاذیب آن است که مرتکب، مطالب و اموری را که می‌داند حقیقت و واقعیت ندارد به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی اظهار کند، مثل اینکه به دروغ شایع سازد که در فلان محل سیل آمده یا فلان خزانه دولتی یا بانک مرکزی مورد دستبرد واقع شده است.

عناصر تشکیل‌دهنده جرم نشر اکاذیب

عنصر قانونی جرم نشر اکاذیب: ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.»

عنصر مادی جرم نشر اکاذیب: عنصر مادی جرم نشر اکاذیب متشکل از ۳ جزء عبارت است از: ۱- رفتار مجرمانه جرم نشر اکاذیب ۲- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم نشر اکاذیب ۳- نتیجه حاصله جرم نشر اکاذیب

رفتار مجرمانه جرم نشر اکاذیب: رفتار مجرمانه این جرم به صورت فعل محقق می‌شود و آن عبارت است از «انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن»

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم نشر اکاذیب: در این مورد نکات ذیل قابل توجه است:

✓ در نشر اکاذیب باید مطلب دروغی به شخص دیگری نسبت داده شود که آن مطلب نه توهین محسوب شود و نه دارای وصف مجرمانه باشد. با توجه به شرط کذب بودن ادعای فرد در صورتی که بتواند صحت آن را به اثبات برساند، رفتار او اساساً جرم محسوب نمی‌شود، ولو آنکه این ادعا واقعاً موجب تشویش اذهان عمومی یا اضرار به دیگری شود.

✓ اشاره به لفظ «اکاذیب» در ماده ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات نباید موجب این تصور شود که برای تحقق این جرم، یک دروغ کفایت نکرده و حتماً باید چند دروغ به کار برده شود، چرا که صیغه جمع در این موارد افاده نوع می‌کند و منظور، کذب بودن مطلب انتسابی است و یک یا چند دروغ در این زمینه موضوعیت ندارد.

✓ در جرم نشر اکاذیب برخلاف توهین و افترا نیازی به صریح بودن انتساب نیست و همان گونه که در متن ماده نیز آمده است همین که شخص دروغی را تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد برای تحقق این جرم کفایت می‌کند، مانند فرضی که یکی از کارمندان شرکت برای بی‌سواد جلوه دادن مدیرعامل در نشریه داخلی آن شرکت بنویسد: «ما نشیده‌ایم که گفته‌اند، فلانی اصلاً مدرک معتبر دانشگاهی ندارد» در این فرض هرچند مرتکب به طور صریح این دروغ را به دیگری منتسب نمی‌نماید، ولی به طور تلویحی و به نقل قول از شخص ثالثی که اصلاً وجود ندارد، چنین دروغی را بیان می‌نماید.

✓ در این جرم نیز همچون توهین و افترا مرتکب جرم لزوماً شخص حقیقی است و عبارت «هر کس» در صدر ماده فوق نیز مؤید همین مطلب است؛ اما تفاوت مهمی که میان نشر اکاذیب با دو جرم دیگر وجود دارد در بزه‌دیده آن است؛ در جرائم توهین و افترا بزه‌دیده لزوماً شخص

حقیقی است؛ اما در نشر اکاذیب ارتکاب جرم علیه اشخاص حقوقی نیز امکان‌پذیر است و به صراحت ماده: «اعمالی را بر خلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد»؛ بنابراین در فرضی که شخصی برای بدنام کردن یک شرکت خودروسازی، به دروغ مدعی شود که تمام قطعات محصولات آن چینی است، با رعایت سایر شرایط مقرر در قانون به مجازات نشر اکاذیب محکوم خواهد شد.

✓ برخلاف جرائم توهین و افترا که وسیله در آن فاقد موضوعیت است، در نشر اکاذیب برخلاف این جرائم، وسیله ارتکاب جرم دارای اهمیت است و از مصادیق مقرر در ماده یعنی «نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی» و ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی چنین برمی‌آید که این جرم صرفاً به شکل کتبی قابل ارتکاب بوده و نشر اکاذیب به شیوه لفظی امکان‌پذیر نیست. برای مثال در فرضی که دانشجویی در حضور سایر همکلاسیان بگوید: «استاد برخلاف ظاهر، در زندگی خصوصی ناموفق بوده و تا کنون سه ازدواج ناموفق داشته است» به جهت بیان شفاهی این مطلب مرتکب جرم نشر اکاذیب نشده است. هر چند این ادعا موجب بدبینی سایر دانشجویان نسبت به استاد شود.

- **مراسلات:** هر نوع مکتوب و نوشته خصوصی است که در میان مردم رد و بدل می‌شود.
 - **عرایض:** اوراقی است که در مقام مراجعه به مقامات دولتی یا مملکتی می‌نویسند
 - **گزارش:** هر نوشته‌ای غیر از عرض حال یا شکایت است که حاوی شرح وقایع امور و سرگذشت باشد. تنظیم گزارش معمولاً در شأن مأموران دولتی یا مملکتی است ولی شاید بتوان حکمان شامل مؤسسات خصوصی از قبیل کارخانه‌ها و شرکت‌ها و بنگاه‌ها و نظایر آن دانست، مانند گزارشی که بازرس یک شرکت سهامی به مجمع عمومی یا به مدیرعامل شرکت در خصوص دفاتر آن می‌دهد.
- نتیجه حاصله جرم نشر اکاذیب:** جرم نشر اکاذیب یک جرم مطلق است؛ زیرا قانونگذار در ماده ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات بیان کرده است که «اعم از اینکه از این طریق ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نشود»؛ بنابراین جرم نشر اکاذیب جرم مطلق است.

عنصر روانی جرم نشر اکاذیب

علم به موضوع: مرتکب جرم نشر اکاذیب باید بداند مطالبی که به شخص دیگر منتسب می‌کند کذب (دروغ) است. و در صورتی که این موضوع اطلاع نداشته باشد، اساساً جرم محقق نمی‌شود.

سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم نشر اکاذیب نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عاقد باشد؛ یعنی عمد در انتساب دروغ به شخص دیگر داشته باشد.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم نشر اکاذیب نیز که یک جرم مطلق است، نیازی به سوء نیت خاص نیست، البته لازم به ذکر است که در این خصوص نظر مخالف وجود دارد و مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی برخلاف آنچه که برخی از نویسندگان گفته‌اند، هرچند که سوء نیت خاص معمولاً معادل «قصد نتیجه» است، نمی‌توان به استناد مطلق بودن یک جرم، وجود سوء نیت خاص را در آن لزوماً منتفی دانست؛ زیرا این دو مقوله از یکدیگر مجزا می‌باشند، تحقق نتیجه به عنصر مادی جرم مربوط می‌شود، در حالی که سوء نیت خاص بخشی از عنصر روانی جرم است و در جرم نشر اکاذیب بنا به تصریح ماده تحقق نتیجه خاصی در خارج شرط نیست و باز بنا به تصریح ماده ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی، به عنوان سوء نیت خاص برای تحقق این جرم ضروری است و این دو مطلب قابل جمع می‌باشند.

در مورد جرم نشر اکاذیب نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ چون در این جرم مطالبی بی‌اساس، با علم به دروغ بودن آنها، بین مردم پخش می‌شود و بدین وسیله امنیت و آسایش عمومی مختل می‌گردد؛ جزء جرائم علیه امنیت داخلی کشور یا جرائم علیه آسایش عمومی محسوب می‌گردد.
- ✓ در مواردی جرم نشر اکاذیب با انگیزه اصلاح امور کشور و بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور (نه افراد عادی) صورت می‌گیرد که رفتار مرتکب با استناد به بند (ث) ماده ۲ قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ جرم سیاسی محسوب می‌شود که این مطلب فارغ از امتیازاتی که برای مرتکبین این جرائم در نظر گرفته شده از منظر شکلی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا

به جرم نشر اکاذیب اصولاً در دادگاه کیفری دو محل وقوع جرم و با یک قاضی رسیدگی می‌شود، در حالی که اگر این جرم جنبه سیاسی پیدا کند رسیدگی با استناد به مواد ۳۰۲ و ۳۰۵ ق.آ.د.ک در دادگاه کیفری یک مرکز استان و با قضات متعدد و در حضور هیأت منصفه انجام می‌گیرد.

✓ مجازات جرم نشر اکاذیب به صراحت قسمت اخیر ماده ۶۹۸ ق.م.ا تعزیرات، حبس از ۲ ماه تا ۲ سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه می‌باشد، البته با توجه به قابل گذشت بودن این جرم و مستنداً به تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ حداقل و حداکثر مدت حبس به نصف تقلیل می‌یابد و مدت آن در حال حاضر یک ماه تا یک سال حبس می‌باشد. همچنین علاوه بر مجازات کیفری، مرتکب مؤظف به رفع آثار زیان بار و اعاده حیثیت تا حد امکان نیز می‌باشد. ناگفته نماند عدم تصریح به اعاده حیثیت در مورد جرائم توهین و افترا به معنای عدم امکان تحقق آن نیست و به صراحت ماده ۱۴ ق.آ.د.ک در این جرائم، حکم به جبران خسارت معنوی صادر می‌شود، ولی به نظر می‌رسد جبران خسارت معنوی در این جرائم، همانند ضرر و زیان مادی مستلزم تقاضای بزه‌دیده و رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۱۵ ق.آ.د.ک است.

✓ در مواردی که نشر اکاذیب در سطح گسترده ارتکاب یافته و موجب اخلاص شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی و ... در حد وسیع گردد، رفتار مرتکب به صراحت ماده ۲۸۶ ق.م.ا از مصادیق افساد فی الارض محسوب شده و به مجازات قانونی حدی اعدام محکوم می‌گردد، بدیهی است در این فرض برای شروع به تعقیب نیازی به شکایت بزه‌دیدگان نبوده و با گذشت آنان نیز تعقیب یا مجازات موقوف نخواهد شد؛ چون در این صورت، جرم نشر اکاذیب در زمره جرائم حدی و غیرقابل گذشت محسوب می‌شود.

جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای

ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این که از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

✓ جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای از نظر تمام عناصر (همانند عنصر معنوی، مطلق و مقید بودن و ...) همانند نشر اکاذیب عادی است با این تفاوت که در اینجا وسیله ارتکاب جرم سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی است، البته میان این دو جرم در بحث مجازات‌ها نیز تفاوت‌هایی وجود دارد.

✓ قانونگذار در ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای، برای جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای مجازات شدیدتری نسبت به نشر اکاذیب مقرر در ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات در نظر گرفته است؛ از سوی دیگر جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای برخلاف نشر اکاذیب ماده ۶۹۸ تعزیرات، در زمره جرائم غیرقابل گذشت محسوب شده و گذشت شاکی نهایتاً از موجبات تخفیف اختیاری محسوب می‌شود.

✓ در توهین و افترا، ارتکاب جرم از طریق رایانه با دیگر وسایل تفاوتی ندارند و همه این موارد مشمول حکم مقرر در مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ قانون تعزیرات هستند، برای مثال اگر مرتکب به جای توهین لفظی در فضای مجازی چنین الفاظی را به دیگری منتسب نماید، همان توهین عادی است که به وسیله رایانه اتفاق افتاده است اما در مورد نشر اکاذیب قانونگذار در ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای جرم مستقلی را تحت عنوان نشر اکاذیب رایانه‌ای مورد پیش‌بینی قرار داده است که به موجب آن مرتکب اظهارات کذب خود را به جای شیوه‌های مانند نوشتن نامه، توزیع اوراق چاپی و ... از طریق سامانه‌های رایانه‌ای منتشر می‌نماید. نشر اکاذیب نیز همچون سایر جرائم مستلزم عمد مرتکب در انجام عمل و علم به کذب بودن اظهارات خود است.

جرم نشر اکاذیب		
انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن		
نشر اکاذیب جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عناصر قانونی	نشر اکاذیب عادی	
	نشر اکاذیب رایانه‌ای	
عناصر مادی	رفتار مجرمانه	نشر اکاذیب عادی
		نشر اکاذیب رایانه‌ای
	شرایط و اوضاع و احوال	وسیله ارتکاب جرم در نشر اکاذیب دارای اهمیت است و از مصادیق مقرر در ماده یعنی «نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی» باید باشد
	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
عناصر روانی	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی قصد انتساب دروغ به شخص دیگر از طریق نشر آن
	سوء نیت خاص	قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی
مجازات	نشر اکاذیب عادی	حبس از ۱ ماه تا ۱ سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه
	نشر اکاذیب رایانه‌ای	حبس از ۹۱ روز تا ۲ سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات

جرم تظاهر، قدرت‌نمایی، هیاهو و جنجال

ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- حمل قمه، شمشیر، قداره و پنجه‌بوکس در صورتی که صرفاً به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح انجام شود جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردد. واردات، تولید و عرضه سلاح‌های مذکور ممنوع است و مرتکب به جزای نقدی درجه ۶ محکوم و حسب مورد این سلاح‌ها به نفع دولت ضبط یا معدوم می‌شود.

تبصره ۲- تولید، عرضه یا حمل ادوات موضوع تبصره (۱) در موارد ورزشی، نمایشی، آموزشی و نیاز ضروری اشخاص برای استفاده شغلی یا دفاع شخصی پس از دریافت مجوز بلامانع است. (الحاقی ۱۳۹۶/۹/۲۲) نحوه و مرجع صدور مجوز به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون با پیشنهاد وزرای دادگستری و کشور و با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

✓ تمام رفتارهای مقرر در ماده فوق؛ یعنی گلاویز شدن، قدرت‌نمایی با چاقو، اخاذی و ... باید با سلاح باشد و برای مثال صرف درگیری دو نفر با یکدیگر را نمی‌توان مشمول ماده فوق دانست.

✓ منظور از سلاح در ماده فوق، سلاح واقعی اعم از سرد یا گرم است و شامل مواردی مانند چوب، چماق، سلاح اسباب‌بازی و ... نمی‌شود.

✓ در صورتی که گلاویز شدن افراد از مصادیق منازعه باشد، مجازات مرتکب بر مبنای ماده ۶۱۵ ق.م.ا تعزیرات تعیین می‌شود.

✓ در صورتی که مرتکب به قصد ارباب عمومی دست به اسلحه برده و موجب هراس سایرین شود، به مجازات محاربه محکوم می‌شود و استناد به ماده فوق ناظر بر فرضی است که یا مرتکب قصد ارباب عمومی را نداشته یا به رغم داشتن چنین قصدی، هیچ کس از رفتار او دچار هراس و ترس نشود.

- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق است و برای تحقق آن سلب امنیت عمومی یا هراس سایرین لازم نیست و همان گونه که بیان شد در صورت قصد ارباب عمومی و تحقق نتیجه، محارب محسوب می‌شود.
- ✓ جرم فوق با توجه به ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک در زمره جرائمی است که صدور قرار بازداشت موقت در آن تجویز شده است، البته با توجه به اختیاری بودن این قرار، صدور سایر قرارهای تأمین کیفری مانند کفالت یا وثیقه در آن بلامانع است.
- ✓ رسیدگی به جرم فوق در صلاحیت دادگاه کیفری دو است؛ مگر آنکه از مصادیق محاربه باشد که در این صورت با توجه به ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب خواهد بود.
- ✓ مطابق بند «پ» ماده ۴۷ ق.م.ا صدور قرار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در جرم فوق ممنوع است؛ البته این ممنوعیت شامل تبصره (۱) آن نمی‌شود و در صورتی که شخص صرفاً سلاح به همراه داشته باشد، صدور قرارهای مزبور بلامانع است.
- ✓ تبصره ۱ ماده فوق متضمن دو بخش است:
 ۱. حمل قمه، شمشیر، قداره، پنجه‌بوکس به قصد درگیری فیزیکی یا ضرب و جرح است که مجازات آن حداقل مجازات مقرر در ماده فوق یعنی ۶ ماه حبس است.
 ۲. واردات، عرضه یا تولید سلاح‌های مذکور می‌باشد که برای آن جزای نقدی درجه ۶ در نظر گرفته شده است.
- ✓ بر اساس ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک رسیدگی به اتهام قاچاق سلاح در صلاحیت دادگاه انقلاب است؛ اما در رابطه با حمل، نگهداری، خرید و فروش و ... نگهداری، خرید، فروش و ... دادگاه کیفری دو صالح به رسیدگی می‌باشد.

- ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»
- ✓ در جرم فوق برخلاف موضوع ماده ۶۱۷ ق.م.ا تعزیرات، بحث استفاده از سلاح منتفی است و از سوی دیگر جرم مزبور در زمره جرائم مقید محسوب می‌شود و تحقق آن مستلزم اخلال در نظم و آسایش عمومی یا از کسب و کار انداختن مردم است. برای مثال در فرضی که دو نفر بدون سلاح با یکدیگر گلاویز شوند و موجب سلب امنیت عمومی گردند، به مجازات مقرر در ماده فوق محکوم خواهند شد؛ یا در فرضی که کسی شب هنگام و زمانی که مردم به خواب رفته‌اند داد و فریاد سر دهد یا صدای ضبط صوت ماشین خود را آنچنان بلند کند که موجب سلب آرامش عمومی شود به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.
 - ✓ صدور قرارهای تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات در جرم فوق برخلاف جرم موضوع ماده ۶۱۷ ق.م.ا تعزیرات بلامانع است.

جرائم مرتبط با جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی مندرج در قوانین خاص

جرم پولشویی

تعریف جرم پولشویی

پولشویی به معنای تطهیر اموال نامشروع از طریق وارد نمودن آن به چرخه اقتصادی است. مرتکبین پولشویی با این جرم نه تنها مانع کشف جرم اصلی می‌شوند، بلکه با وارد کردن عواید حاصل از آن به به سیستم سالم اقتصادی، لطمه بزرگی به آن وارد می‌سازند. به عبارت دیگر پولشویی به عنوان نوعی عملیات مجرمانه مالی با هدف اخفاء منشاء نامشروع تحصیل مال به مفهوم شست‌وشوی پول کثیف یا تطهیر عواید حاصل از جرم شناخته می‌شود که منظور از آن مجموعه‌ای از عملیات اقتصادی است بر روی پول‌ها و اموال حاصل از عملیات مجرمانه به نحوی که به صورت قانونی جلوه نماید.

پولشویی فرآیندی است که طی آن درآمدهای نامشروع حاصل از اعمال مجرمانه تطهیر شده و جلوه‌ای پاک و حاصل از اعمال قانونی به آن داده می‌شود تا ردیابی منشأ درآمدها دشوار گردد.

پول‌های کثیف عبارت است از عواید ناشی از جرم اعم از عواید حاصل قاچاق کالا، قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و کودکان، تروریسم، اختلاس، فساد اداری و هر گونه رفتار مجرمانه درآمدزای دیگر.

عناصر تشکیل دهنده جرم پولشویی

عنصر قانونی جرم پولشویی: عنصر قانونی جرم پولشویی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۷ و آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸ می باشد.

عنصر مادی جرم پولشویی: رفتار مجرمانه جرم پولشویی با لحاظ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی به شرح ذیل تعریف شده است: «پولشویی عبارت است از:

- الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به منشأ مجرمانه آن.
- ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان یا کتمان کردن منشأ مجرمانه آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده یا کمک به مرتکب جرم منشأ به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.
- پ - پنهان یا کتمان کردن منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.»

رفتار مجرمانه جرم پولشویی

۱. **تحصیل عواید حاصل از جرم:** به دست آوردن عوایدی که ناشی از یک رفتار مجرمانه بوده است، چه از قبل با مباشر آن جرم تبانی شده باشد و چه خیر، حتی اگر تحصیل کننده، اموال مربوطه را از مباشر جرم سرقت کرده و به این نحو عواید ناشی از جرم را به دست آورده باشد.
۲. **تملک عواید حاصل از جرم:** هرگونه اقدام تملک آور اعم از خرید و فروش (بیع)، معاوضه، قرض و هبه و هر عقد تملیکی دیگر، هر چند که عوضی هم در قبال تملک عواید حاصل از جرم داده شده باشد.
۳. **نگهداری عواید حاصل از جرم:** نگهداری اموال ناشی از جرم بدون قصد تملک آنها و بدون انتفاع از آن اموال، در راستای مساعدت به مباشر آن جرم.
۴. **استفاده از عواید حاصل از جرم:** استفاده و انتفاع از مال حاصل از جرم حتی از طریق شخصی غیر از مجرم.
۵. **تبدیل عواید حاصل از جرم:** تبدیل عواید (لایه گذاری) به مالی دیگر مثل تبدیل درآمد ناشی از قاچاق به سهام و اوراق بهادار.
۶. **مبادله عواید حاصل از جرم:** گردش مال حاصل از جرم برای گم شدن منشأ اولیه آن با توجه به اینکه تبدیل ملازمه با تغییر دارد و مبادله توأم با تغییر ماهیت مال لزوماً نیست.
۷. **انتقال عواید حاصل از جرم:** انتقال و جابه جایی مال حاصل از جرم در راستای رهایی دادن مجرم از تعقیب پیگیری.
۸. **پنهان کردن یا کتمان کردن:**

- منشأ عواید حاصل از جرم
 - منبع عواید حاصل از جرم
 - محل عواید حاصل از جرم
 - نقل و انتقال عواید حاصل از جرم
 - جابه جایی عواید حاصل از جرم
 - مالکیت عواید حاصل از جرم
- ✓ پنهان کردن یا کتمان کردن، نه ناظر بر عواید حاصله از جرم؛ بلکه ناظر بر اخفاء و کتمان اطلاعات و آگاهی از فرایند پولشویی می باشد.

آشنایی با مفاهیم مرتبط با جرم پولشویی با لحاظ ماده ۱ اصلاحی ۱۳۹۷ قانون مبارزه با پولشویی

الف - جرم منشأ: هر رفتاری است که مطابق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ جرم محسوب شود. از منظر این قانون تخلفات مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات بعدی جرم محسوب می شود.

جرم منشأ (جرم اصلی)

- ✓ پولشویی جرمی ثانویه و فرع بر جرم منشأ (اصلی) است، مقصود از جرم منشأ هر رفتاری است که مطابق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم محسوب شود؛ بنابراین در فرضی که کارمند دولت با وجوهی که به عنوان رشوه دریافت کرده است، اقدام به خرید خانه برای خودش یا اطرافیانش نماید، به دلیل مبادله با عواید حاصل از جرم منشأ (ارتشا) به مجازات پولشویی محکوم خواهد شد.
- ✓ قانونگذار در قسمت اخیر بند (الف) ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی، تخلف قاچاق کالا و ارز را هم، همچون جرم قاچاق کالا و ارز و سایر جرائم، مشمول جرم منشأ دانسته است؛ یعنی در مواردی که شخص اموال به دست آمده از تخلف قاچاق کالا و ارز را مخفی نموده یا با آن معامه کرده و ... رفتار او پولشویی محسوب می‌شود. هر چند منشأ تحصیل مال، تخلف بوده باشد، مطابق بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی: «جرم منشأ هر رفتاری است که مطابق ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ جرم محسوب شود. از منظر این قانون تخلفات مذکور در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با اصلاحات بعدی جرم محسوب می‌شود.»
- ✓ جرم پولشویی غالباً جنبه فراملی دارد و نسبت به اموالی صورت می‌گیرد که مرتکب به واسطه اعمال مجرمانه در خارج از کشور به دست آورده است (مانند قاچاق اسلحه در کشور دیگر و معامله با عواید حاصل از آن در ایران) اما سوال این است که اگر اموال به دست آمده در نتیجه رفتاری بوده باشد که در کشور خارجی، فاقد عنوان مجرمانه باشد، اما در ایران جرم باشد؛ آیا معامله این اموال را باید پولشویی محسوب نمود؟ برای مثال شخصی در کشوری که معامله مشروبات الکلی در آن آزاد و جرم نمی‌باشد، اقدام به فروش مشروبات الکلی نماید و پول حاصل از آن را در ایران سرمایه‌گذاری کند، آیا چنین رفتاری از مصادیق پولشویی به حساب می‌آید؟ پاسخ منفی است، چرا که به صراحت تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی در مواردی که جرم منشأ در کشور خارجی ارتکاب یافته باشد، رفتار مرتکب علاوه بر قانون ایران، می‌بایست طبق قانون کشور دیگر نیز جرم باشد، وگرنه بحث پولشویی نسبت به اموال به دست آمده از آن عمل منتفی است؛ مطابق تبصره مذکور: «جرم منشأ موضوع این ماده اعم است از اینکه در داخل یا خارج از کشور واقع شده باشد، مشروط بر اینکه جرم واقع شده در خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران نیز مطابق قانون جرم باشد»
- ✓ رفتارهای مندرج در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی صرفاً از سوی مرتکب جرم منشأ تحقق نمی‌یابد و اشخاص ثالثی که با علم به جرم منشأ مرتکب یکی از اقدامات مندرج در ماده ۲ قانون فوق می‌شوند، نیز به مجازات پولشویی محکوم خواهند شد؛ برای مثال در فرضی که کلاهبردار قصد تبدیل وجوه حاصل از جرم، به ارز داشته باشد و مدیر صرافی با علم به این موضوع، خواسته او را مورد پذیرش قرار دهد، به مجازات پولشویی محکوم خواهد شد. مطابق تبصره ۳ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی: «مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم منشأ، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.»
- ✓ در ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی در تبیین جرم منشأ، به مطلق جرائم اعم از کلاهبرداری، خیانت در امانت قاچاق و ... اشاره شده است، اما سوال این است که آیا مخفی نمودن، نگهداری یا معامله اموال مسروقه را هم باید یکی از مصادیق پولشویی دانست؛ یا در مورد اموال مسروقه با توجه به آن که حکم مستقلی در ماده ۶۶۲ ق.م.ا تعزیرات وجود دارد، وضعیت متفاوت است؟ پاسخ مثبت به نظر می‌رسد و هر چند تحصیل، اخفاء، قبول یا معامله اموال مسروقه نیز ماهیتاً پولشویی محسوب می‌شود؛ اما در مورد جرم مخفی نمودن، نگهداری یا معامله اموال مسروقه باید به حکم خاص مقرر در ماده ۶۶۲ ق.م.ا تعزیرات مراجعه نمود و این حکم خاص را منصرف از حکم عام مندرج در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی دانست، مطابق ماده ۶۶۲ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد»

ب- مال: هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، مشروع یا غیرمشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار.

پ - مال حاصل از جرم: هر مالی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از جرم منشأ به دست آید از قبیل مالی که از جرائم اقتصادی و جرم تأمین مالی تروریسم حاصل می‌شود؛ همچنین، مال موضوع جرم یا مالی که برای ارتکاب جرم اختصاص داده شده است در حکم مال به دست آمده از جرم است.

ماده ۳ قانون مبارزه با پولشویی: «عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مال یا امتیازی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرائم، اعم از جرائم منشأ و پولشویی، به دست آمده باشد.»

ت - اشخاص مشمول: اشخاص مذکور در مواد (۵) و (۶) این قانون.

ث - مشاغل غیرمالی: مشاغلی که شاغلین آن معاملات زیادی را به صورت نقدی انجام داده و از نظر پولشویی در معرض خطر قرار دارند از قبیل پیش فروش کنندگان مسکن یا خودرو، طلافروشان، صرافان، فروشندگان خودرو، فرشهای قیمتی، فروشندگان عتیقه‌جات و هنرنوع محصول گران قیمت.

ج - خدمات پایه: خدماتی است که طبق مقررات مربوطه، پیش نیاز و لازمه ارائه سایر خدمات توسط اشخاص مشمول می‌باشد و پس از آن ارباب رجوع به منظور اخذ خدمات مکرر و متمادی به اشخاص مشمول مراجعه می‌کنند.

چ - معاملات و عملیات مشکوک:

معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنها است که براساس قرائن و اوضاع و احوالی مانند موارد زیر ظن وقوع جرم را ایجاد کند:

۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.
۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴- معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی این قانون هر چند مراجعان قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.

تبصره بند «پ» ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی: «معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنها است که براساس اوضاع و احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن برای انسان به طور متعارف ظن وقوع جرم را ایجاد کند؛ نظیر:

۱- معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که به نحو فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار وی باشد.
۲- کشف جعل، اظهار کذب یا گزارش خلاف واقع از سوی مراجعان قبل یا بعد از آنکه معامله یا عملیات مالی صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه.

۳- معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است.

۴- معاملات یا عملیات مالی که اقامتگاه قانونی هریک از طرفین در مناطق پرخطر (از نظر پولشویی) واقع شده است. فهرست این مناطق توسط شورا مشخص می‌شود.

۵- معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر در آیین‌نامه اجرائی. هر چند مراجعان، قبل یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام آن انصراف داده یا بعد از انجام آن بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام نمایند.»

معاملات و عملیات مشکوک

✓ یکی از مهم‌ترین مسائلی که سبب شناسایی منشأ مجرمانه و کشف جرم توسط مقامات قضایی می‌شود، انجام معاملات مشکوک از سوی افراد است، برای مثال در فرضی که صاحب یک خواروبارفروشی کوچک با گردش مالی ماهانه سه میلیون تومان، با مراجعه به بانک بیست میلیارد تومان به حساب خود منتقل نماید و یا با مراجعه به شعب ارزش یا صرافی‌ها تقاضای ارز به میزان یک میلیون دلار نماید و یا با مراجعه به دفاتر اسناد رسمی تقاضای ثبت یک خانه یا ماشین بسیار گران قیمت و فراتر از حد انتظار را داشته باشد، رفتار وی از مصادیق معاملات

مشکوک به شمار می‌می‌رود. گزارش معاملات مشکوک بر عهده بانک‌ها، صرافی‌ها، سازمان ثبت و دیگر نهادهای مقرر در قانون است تا با توجه به بند (پ) ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی، معاملات مشکوک را به «مرکز اطلاعات مالی» گزارش کنند و در صورتی که عالملاً و عامداً از انجام این وظیفه امتناع نمایند، به مجازات مقرر در تبصره ماده ۷ قانون فوق محکوم خواهند شد؛ مطابق تبصره ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی: «هر یک از مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ عالملاً و عامداً و به قصد تسهیل جرائم موضوع این قانون از انجام تکالیف مقرر در هر یک از بندهای فوق به استثنای بند «ث» خودداری نماید علاوه بر انفصال موقت درجه ۶ به جزای نقدی درجه ۶ محکوم می‌شود. در صورتی که عدم انجام تکالیف مقرر ناشی از تقصیر باشد مرتکب به انفصال موقت درجه ۷ محکوم خواهد شد. مدیران و کارکنان سایر دستگاه‌های حاکمیتی و بخش‌های غیردولتی در صورت عدم انجام تکالیف مقرر در این ماده به استثنای بند «ث»، به جزای نقدی درجه ۶ محکوم می‌گردند.» مرکز اطلاعات مالی در صورتی که معامله‌ای را مشکوک به پولشویی یا تأمین مالی تروریسم تشخیص دهد، با استناد به بند (ت) ماده ۷ مکرر قانون مبارزه با پولشویی، اقدام به جلوگیری از نقل و انتقال اموال می‌نماید، البته این اقدام مستلزم أخذ مجوز از مقام قضایی است؛ مگر در موارد فوری که در این صورت پس از متوقف ساختن نقل و انتقالات، مراتب باید ظرف ۲۴ ساعت به مقام قضایی اعلام گردد، وگرنه از مال رفع توقیف می‌شود. مطابق تبصره ۱ ماده ۷ مکرر قانون مبارزه با پولشویی: «توقیف و جلوگیری از نقل و انتقال وجوه یا اموال مشکوک به جرائم پولشویی و تأمین مالی تروریسم و یا انجام هرگونه تحقیقات منوط به اخذ مجوز از مراجع قضائی ذی‌صلاح است؛ مگر در موارد فوری که به مقام قضائی دسترسی نیست که در این صورت مرکز اطلاعات مالی می‌تواند دستور توقیف و جلوگیری از انتقال وجوه و اموال مشکوک را حداکثر تا بیست و چهار ساعت صادر و بلافاصله پس از حصول دسترسی، مراتب را به مقام قضائی گزارش و مطابق دستور وی عمل کند. چنانچه بعد از بیست و چهار ساعت مجوز مراجع قضائی صادر نشود، رفع توقیف می‌شود.»

در مورد جرم پولشویی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ پولشویی در زمره جرائم مطلق است و حتی اگر اقدامات مرتکب در عمل منتهی به پنهان نمودن منشأ مجرمانه نشود، باز به مجازات این جرم محکوم می‌گردد.
- ✓ مطابق ماده ۱۵ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴: «چنانچه تأمین مالی تروریسم به عملیات پولشویی منجر شود، مرتکب حسب مورد به مجازات شدیدتر محکوم می‌شود» ظاهراً حکم این ماده استثنایی است بر حکم مقرر در ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی؛ زیرا همان گونه که بیان شد در صورتی که جرم منشأ منتهی به پولشویی شود، رفتار مرتکب از مصادیق تعدد مادی به شمار می‌رود؛ در حالی که به نظر می‌رسد قانونگذار در ماده فوق رفتار مرتکب را از مصادیق تعدد معنوی (فعل واحد با دو عنوان مجرمانه) دانسته و همان گونه که در ماده ۱۳۱ ق.م.ا هم آمده است، مرتکب را مستحق مجازات شدیدتر دانسته است. مطابق ماده ۱۳۱ ق.م.ا: «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود» البته همان طور که گفته شد این حکم جنبه استثنایی داشته و در سایر موارد مرتکب به مجازات هر دو جرم (جرم منشأ و پولشویی) محکوم خواهد شد.

اثبات جرم پولشویی: قانونگذار در تبصره‌های ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی، در مقام مقابله با این جرم، کمی فراتر از اصول حقوقی، به ویژه اصل برائت قدم برداشته است؛ به موجب تبصره‌های مذکور در مواردی که مالی در تصرف دیگریاست و قاضی ظنّ (نه یقین) بر عدم مشروعیت آن داشته باشد، دستور توقیف آن را صادر کرده و این بر عهده متصرف است که مشروعیت آن را به اثبات برساند، وگرنه به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد. در واقع در این موارد قاضی علم به پولشویی ندارد، ولیکن علم قریب به ظن دارد که در مال تحت تصرف متصرف شبهه وجود دارد از راه قانونی تجصیل نشده است:

تبصره ۱- «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد مانند آن که نوعاً و با توجه به شرایط امکان تحصیل آن میزان دارایی در یک زمان مشخص وجود نداشته باشد مسؤولیت اثبات صحت آنها بر عهده متصرف است. منظور از علم در این تبصره و تبصره (۳) همان است که در قانون مجازات اسلامی برای علم قاضی تعریف شده است.»

ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی مؤلف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند»

تبصره ۲- «داراشدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبتیه می‌باشد. علاوه بر این چنانچه ارزش اموال مزبور بیش از ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال برای سال پایه و معادل افزایش یافته آن بر اساس نرخ تورم برای سال‌های بعد باشد وجود سابقه از آن در سامانه‌های مربوطه مطابق قوانین و مقررات لازم است. عدم تقدیم اسناد مثبتیه که قابل راستی‌آزمایی باشد به حکم دادگاه مستوجب جزای نقدی به میزان یک‌چهارم ارزش آن اموال خواهد بود، در این صورت اصل مال موضوع قانون تا زمان رسیدگی قضائی توقیف می‌شود. چنانچه پس از رسیدگی اثبات شود دارا شدن مشروع بوده از مال رفع توقیف و در غیر این صورت ضبط می‌شود.»

تبصره ۳- «چنانچه ظن نزدیک به علم بر تحصیل مال از طریق نامشروع وجود داشته باشد در حکم مال نامشروع محسوب و مرتکب در صورتی که مشمول مجازات شدیدتری نباشد به حبس درجه شش محکوم می‌شود. در هر صورت مال مزبور ضبط خواهد شد مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود.»

مجازات جرم پولشویی: مطابق ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی: «اصل مال و درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم منشأ و جرم پولشویی (و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن) مرتکبین جرم پولشویی مصادره می‌شود و همچنین چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد به حبس تعزیری درجه پنج و ارقام بیشتر از آن به حبس تعزیری درجه چهار در هر دو مورد علاوه بر مجازات قبل به جزای نقدی معادل وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- چنانچه عواید حاصل از جرم به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد همان اموال و در صورت انتقال به ثالث با حسن نیت، معادل آن از اموال مرتکب ضبط می‌شود.

تبصره ۲- صدور و اجرای حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشأ، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد.

تبصره ۳- مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم منشأ، به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.

تبصره ۴- در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود.

تبصره ۵- در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.

تبصره ۶- چنانچه این اموال متعلق به غیر باشد و در دادگاه صالحه مشخص شود که بدون اطلاع مالک استفاده شده یا اینکه مالک رضایت نداشته و این امر را به مراجع قانونی اعلام نموده یا اینکه امکان اعلام نداشته است به مالک آن مسترد می‌شود.»

✓ در راستای مجازات جرم پولشویی باید دقت نمود که امکان تحقق پولشویی در سطح خرد و کلان قابل تصور می‌باشد. از این جهت اگر پولشویی در سطح گسترده و به نحوی واقع شود که موجب اختلال شدید در نظام عمومی و اقتصادی کشور شده و یا خسارات عمده‌ای را به اموال عمومی و خصوصی وارد نماید، می‌توان در قالب مفهوم جرم افساد فی الارض قرار گرفته و مستوجب حد اعدام باشد. در این مورد می‌توان به ماده ۲۸۶ ق.م.ا مراجعه نمود، به موجب این ماده: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

✓ حکم به مصادره یا ضبط اموال به دلیل ارتکاب پولشویی ناظر بر فرضی است که در مورد جرم منشأ، ضبط اموال مورد پیش‌بینی قرار نگرفته باشد؛ برای مثال در جرم قاچاق کالاهای ممنوع، در هر حال حکم به ضبط اموال صادر می‌شود اعم از آن که با عواید حاصل از آن پولشویی

باشد یا نه، اما اگر در مورد جرم منشأ بحث ضبط اموال منتفی باشد، دادگاه به استناد تبصره ۲ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی موظف است تا حکم به ضبط عواید حاصل از جرم صادر نماید.

✓ مطابق تبصره ۳ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی، در صورتی که شخص صرفاً مرتکب پولشویی شده باشد، تنها به مجازات همین جرم محکوم می‌شود؛ اما اگر علاوه بر جرم منشأ، مرتکب پولشویی شده باشد، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد؛ به نظر می‌رسد حکم فوق را باید استثنایی بر حکم عام ماده ۱۳۴ ق.م.ا محسوب نمود؛ به موجب این ماده در صورت تعدد جرائم تعزیری قاعده جمع مجازات‌ها اعمال نمی‌شود؛ بلکه فقط یک مجازات؛ یعنی حداکثر مجازات جرم شدیدتر یا بیش از حداکثر قانونی به اجرا در می‌آید؛ اما از ظاهر کلام قانونگذار در تبصره فوق چنین برمی‌آید که در مورد مرتکبین جرم منشأ مجازات هر دو جرم؛ یعنی جرم منشأ و پولشویی با یکدیگر جمع می‌شود.

✓ پولشویی در زمره جرائمی است که معمولاً به شکل سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابد، قانونگذار در تبصره ۴ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی به این موضوع توجه داشته است و ارتکاب جرم به صورت سازمان‌یافته را از موجبات تشدید مجازات دانسته است؛ مطابق تبصره مذکور: «در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به به میزان یک درجه خواهد بود»؛ بنابراین در پولشویی سازمان‌یافته با مبلغ تا یک میلیارد تومان، مرتکب به مجازات حبس تعزیری درجه ۴ و بیش از آن به حبس تعزیری درجه ۳ محکوم خواهد شد. این نکته قابل ذکر است که تشدید مجازات اعضای گروه سازمان‌یافته، منافاتی با تشدید مجازات سردهسته نداشته و سردهسته گروه پولشویی با توجه به ماده ۱۳۰ ق.م.ا به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف آن گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد.

✓ در رابطه با مجازات معاونت در پولشویی، بر اساس ماده ۱۳ قانون مبارزه با پولشویی، مقررات معاونت در این جرم تابع قواعد عام مقرر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است؛ بنابراین با توجه به بند (ت) ماده ۱۲۷ ق.م.ا، مجازات معاونت در پولشویی با مبلغ بیش از یک میلیارد تومان، با توجه به آن که مجازات قانونی جرم، حبس درجه ۴ است، مجازات معاونت نیز حبس درجه ۵ یا ۶ خواهد بود.

✓ مجازات شروع به جرم پولشویی، بر اساس قواعد عام مقرر در ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین خواهد شد؛ بنابراین:

- در جرم پولشویی با مبلغ بیش از یک میلیارد تومان (حبس درجه ۴) مجازات شروع به جرم، حبس درجه ۵ می‌باشد
- در جرم پولشویی تا مبلغ یک میلیارد تومان (حبس درجه ۵) مجازات شروع به جرم، حبس درجه ۶ می‌باشد.

✓ در رابطه با اینکه آیا مجازات جرم پولشویی قابل تعلیق است یا نه؟ باید یادآور شد که جرم مزبور به صراحت بند (ذ) ماده ۳۶ ق.م.ا در زمره جرائم اقتصادی به شمار می‌رود و مطابق بند (ج) ماده ۴۷ ق.م.ا در جرائم اقتصادی بالای ده میلیون تومان و شروع به آن، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است؛ البته این حکم شامل تخفیف مجازات مرتکبین پولشویی نمی‌شود و همان گونه که در ماده ۱۳ قانون مبارزه با پولشویی آمده است: «مجازات شروع به جرم، معاونت و شرکت در جرائم موضوع این قانون و مقررات راجع به تشدید و تخفیف مجازات، حسب مورد تابع قانون مجازات اسلامی است» همان گونه که ملاحظه می‌شود، قانونگذار در ماده مذکور مقررات راجع به تخفیف یا تشدید مجازات پولشویی را مشمول حکم عام مقرر در قانون مجازات اسلامی دانسته است؛ بنابراین دادگاه می‌تواند با استناد به بند (الف) ماده ۳۷ ق.م.ا مجازات حبس را تا ۳ درجه تقلیل دهد؛ ولی امکان تبدیل مجازات این جرم وجود ندارد.

✓ با توجه به اقتصادی بودن جرم مورد بحث، در مواردی که مبلغ جرم صد میلیون تومان یا بیشتر باشد، دادگاه مؤلف است با استناد به ماده ۳۶ ق.م.ا علاوه بر مجازات اصلی، دستور انتشار حکم محکومیت قطعی رادر رسانه ملی یا جراید کثیرالانتشار (مجازات تعزیری درجه ۶) در حکم خود قید نماید، همچنین با توجه به ماده ۱۰۹ ق.م.ا استناد به هیچ یک از اقسام مرور زمان در جرم پولشویی با مبالغ مذکور (یعنی صد میلیون تومان و بیشتر) مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

✓ با توجه به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در ماده ۱۴۳ ق.م.ا در مواردی که شخص حقوقی مرتکب پولشویی شود، علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده ۲۰ ق.م.ا به جزای نقدی نسبی نیز محکوم خواهد شد؛ مطابق تبصره ۵ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی: «در صورتی که اشخاص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا چهار برابر وجوه یا ارزش مالی که مورد پولشویی واقع گردیده محکوم می‌شوند.»؛ بنابراین در فرضی که شخص حقوقی به منظور

ارتکاب پولشویی ایجاد شده یا بعداً فعالیت خود را منحصرأ در همین زمینه تغییر دهد، دادگاه مؤظف به است با استناد به ماده ۲۲ ق.م.ا. شخص حقوقی را علاوه بر انحلال و مصادره کل اموال به پرداخت جزای نقدی به شرح فوق محکوم نماید.

جرم پولشویی		
پولشویی جرمی، ساده، مستمر و مطلق است		
قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶		عنصر قانونی
تحصیل عواید حاصل از جرم	رفتار مجرمانه	عنصر مادی
تملک عواید حاصل از جرم		
نگهداری عواید حاصل از جرم		
استفاده از عواید حاصل از جرم		
تبدیل عواید حاصل از جرم		
مبادله عواید حاصل از جرم		
انتقال عواید حاصل از جرم		
پنهان کردن یا کتمان کردن:		
- منشأ عواید حاصل از جرم - منبع عواید حاصل از جرم - محل عواید حاصل از جرم - نقل و انتقال عواید حاصل از جرم - جابه‌جایی عواید حاصل از جرم - مالکیت عواید حاصل از جرم		
داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی رفتارهای فوق	سوء نیت عام	عنصر روانی
مصادره اموال جرم منشأ و جرم پولشویی - جزای نقدی معادل مال مورد پولشویی		مجازات
حبس تعزیری درجه ۵	چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور تا ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد	
حبس تعزیری درجه ۴	چنانچه جمع اموال، درآمد و عواید مذکور بیش از ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد	

جرم سیاسی

تعریف جرم سیاسی

جرم سیاسی به عنوان جرم علیه امنیت یا جرم امنیتی شناخته نمی‌شود، چون با تعریف جرم سیاسی انگیزه مرتکب این جرم اقدام علیه امنیت و نظم جامعه نیست؛ بلکه وی در پی اصلاحی در راستای منافع اجتماعی بر ساختار حاکمیت است؛ بنابراین نمی‌توان چنین رفتاری را جرم مرتبط با جرائم علیه امنیت دانست؛ ذیلاً به تعریف جرم سیاسی مطابق ماده ۱ قانون جرم سیاسی می‌پردازیم:

تعریف جرم سیاسی مطابق ماده ۱ قانون جرم سیاسی

ماده ۱ قانون جرم سیاسی: «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه‌زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود.»

ماده ۲ قانون جرم سیاسی: «جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند.

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان

ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (هـ) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷

ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات

ث - نشر اکاذیب»

با توجه به ماده ۲ قانون جرم سیاسی، جرائم زیر سیاسی محسوب می‌شود:

۱. توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان (نه مثلاً به دلیل اختلاف شخصی یا خانوادگی)

۲. توهین (نه افتراء) بخ رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات. بنابراین توهین به رئیس یا نماینده کشور خارجی در صورتی جرم سیاسی محسوب می‌شود که اولاً به طور علنی باشد و ثانیاً مشروط به معامله متقابل باشد، برای مثال در فرضی که شخصی در یک جمع دو نفره در منزل رئیس کشور خارجی به او توهین نماید، رفتار او مشمول جرم سیاسی نیست، چرا که شرط علنی بودن در اینجا رعایت نشده و توهین صرفاً در حضور طرف مقابل صورت گرفته است.

✓ بر اساس ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات، شرط تشدید مجازات در توهین به اشخاص فوق، ورود این افراد به خاک ایران است و برای مثال اگر کسی به این افراد در قلمرو هوایی یا دریایی ایران توهین نماید، با توجه به ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی، رفتار او مشمول ماده ۵۱۷ ق.م.ا تعزیرات نخواهد بود؛ اما مطابق بند «ب» ماده ۲ قانون جرم سیاسی، برای سیاسی محسوب نمودن توهین، نیازی به ارتکاب جرم در خاک ایران نیست و به صراحت بند مذکور همین که رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی وارد قلمرو جمهوری اسلامی ایران (اعم از زمینی، هوایی، دریایی) شده باشد، رفتار مرتکب جرم سیاسی محسوب می‌شود.

۳. نشر اکاذیب، قانونگذار در بند «ث» ماده ۲ قانون جرم سیاسی، نشر اکاذیب را به طور مطلق بیان نموده و ظاهراً حتی نشر اکاذیب نسبت به اشخاص عادی هم تحت شرایطی جرم سیاسی محسوب می‌شود؛ اما این نظر با توجه به ماده ۱ قانون جرم سیاسی قابل پذیرش نیست؛ چرا که به صراحت این ماده، جرائم مقرر در این قانون در صورتی مشمول عنوان جرم سیاسی هستند که «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد» و بنابراین شامل افراد عادی نمی‌شود.

✓ قانونگذار از این حیث، تفاوتی میان نشر اکاذیب غیررایانه‌ای و رایانه‌ای (موضوع ماده ۶۹۸ ق.م.ا و ماده ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای) نگذاشته و در هر دو صورت، رفتار مرتکب با رعایت سایر شرایط قانونی، مشمول عنوان جرم سیاسی خواهد بود.

۴. جرائم مندرج در بندهای «د» و «هـ» ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، مطابق اصل ۲۶م قانون اساسی: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت» بدیهی است آزادی احزاب و تشکلهای فوق نباید منتهی به نقض صریح قانون و انجام رفتارهایی مانند نقض وحدت ملی، تفرقه‌افکنی میان قومیت‌ها و ... شود و همان گونه که در ماده ۱۶ قانون مذکور آمده است، گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب موارد مقرر در این ماده خودداری نمایند؛ نقض آزادی‌های مشروع دیگران و همچنین ایراد تهمت، افتراء و شایعه‌پراکنی، رفتارهایی هستند که به موجب بندهای «د» و «هـ» ماده ۱۶ گروه‌های فوق از انجام آن منع شده‌اند منتهی تفاوتی که میان این دو بند با سایر

بندهای مقرر در ماده مذکور وجود دارد، آن است که قانونگذار در ماده ۲ قانون جرم سیاسی این دو بند را با رعایت سایر شرایط قانونی، مشمول جرم سیاسی دانسته است.

✓ ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده: «گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند:

الف - ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود.

ب - هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد.

ج - دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان.

د - نقض آزادی‌های مشروع دیگران.

ه - ایراد تهمت، افتراء و شایعه‌پراکنی.

و - نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور.

ز - تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران.

ح - نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی.

ط - تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره.

ی - اختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.

۵. جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛ برای مثال مطابق ماده ۶۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اصلاحی ۱۳۹۵ بازرسان و سایر دست‌اندرکاران امور اجرایی و نظارتی انتخابات و سایر اشخاص و مقامات مقرر در ماده مذکور، نمی‌توانند به نفع یا به ضرر نامزدها و جریان‌های سیاسی در انتخابات اعلام نظر کنند، در غیر این صورت با توجه به تبصره همین ماده به جزای نقدی درجه شش محکوم خواهند شد، این جرم به عنوان یکی از مصادیق جرائم انتخاباتی با رعایت سایر شرایط قانونی جرم سیاسی محسوب می‌شود.

✓ رفتارهای فوق در صورتی جرم سیاسی محسوب می‌شوند که با انگیزه اصلاح کشور و بدون قصد مقابله با اساس نظام انجام شده باشد. در واقع قانونگذار برای تشخیص جرائم سیاسی، رویکردی تلفیقی را اتخاذ کرده که علاوه بر رفتار مرتکب (ضابطه عینی)، قصد او (ضابطه ذهنی) را نیز مورد توجه قرار داده است. مطابق ماده ۱ قانون جرم سیاسی: «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود»؛ بنابراین در فرضی که تعدادی از مردم در نتیجه افزایش بی‌رویه قیمت‌ها به خیابان آمده و با سر دادن شعارهایی علیه وزیر مربوطه که بعضاً موهن محسوب می‌شود، خواستار اصلاح قیمت‌ها شوند، رفتار آنها جرم سیاسی محسوب می‌شود. بدیهی است رفتار افراطی شهروندان و انجام اعمالی مانند تخریب اموال عمومی، بمب‌گذاری، کشتار افراد دیگر و ... را حتی به قصد اصلاح وضع موجود، نمی‌توان جرم سیاسی دانست، چون رفتارهایی از این قبیل بیشتر از آنکه اصلاح‌طلبانه باشد، مخرب است و گاه عده‌ای از فرصت‌طلبان در نتیجه همین اعتراض ساده، در پی تغییر اساس نظام و بسیاری سوء استفاده‌های دیگر برمی‌آیند، بر همین اساس قانونگذار هیچ یک از جرائم مقرر در ماده ۳ قانون جرم سیاسی را ولو آن که با انگیزه اصلاح نظام باشد، جرم سیاسی ندانسته است.

ماده ۳ قانون جرم سیاسی: «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

الف - جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات

ب - سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی

پ - آدم‌ربایی و گروگان‌گیری

ت - بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی

ث - سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی

ج - حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان

چ - رشوا و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور

ح - جاسوسی و افشای اسرار

خ - تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری

د - اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی

ذ - کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن»

✓ احراز سیاسی بودن جرم با مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده است، در بسیاری از موارد رفتار فرد با توجه به ماده ۲ قانون جرم سیاسی، ظاهراً جرم سیاسی محسوب می‌شود، اما مقام قضایی نه تنها انگیزه مصلحانه مرتکب را احراز نمی‌کند، بلکه به این نتیجه می‌رسد که رفتار او برای مقابله با اصل نظام بوده است و بنابراین به جای سیاسی دانستن جرم مرتکب، رفتار او را جرم علیه امنیت قلمداد می‌کند، البته قانون در این موارد حق اعتراض را برای متهم محفوظ دانسته و چنانچه متهم، مدعی آن شود که اقدامات او (مثلاً نشر اکاذیب) با انگیزه اصلاح امور کشور بوده است، می‌تواند به تصمیم مقام قضایی اعتراض نماید؛ مطابق ماده ۵ قانون جرم سیاسی: «تشخیص سیاسی بودن اتهام با دادسرا یا دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است. متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه اول دادرسی در دادگاه نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود ایراد کند. مرجع رسیدگی کننده طی قراری در این مورد اظهار نظر می‌نماید. شیوه صدور و اعتراض به این قرار تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است.»

جرم اقدام برای جدا کردن قسمتی از قلمروی حاکمیت ایران

این جرم در ماده ۲۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲، به این شکل پیش‌بینی شده است، «هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به تمامیت ارضی با استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران اقدام نماید، به مجازات محارب محکوم می‌شود»

جرائم علیه آسایش عمومی جرم جعل

تعریف جرم جعل

جعل در لغت به معنی دگرگون کردن، منقلب نمودن، گردانیدن، قراردادن، آفریدن، وضع کردن، ساختن و ایجاد کردن به کار رفته است. تعریف جرم جعل از نظر دکتر میرمحمد صادقی عبارت است از: «ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری به قصد جا زده شدن آنها به عنوان اصل» یا به عبارت دیگر: «جعل عبارت است از ساختن یا دست‌کاری متقلبانه نسبت به موارد مندرج در قانون به ضرر دیگری»

عناصر تشکیل دهنده جرم جعل

عنصر قانونی جرم جعل: عنصر قانونی جرم جعل در حقوق ایران، مواد ۵۲۳ تا ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می‌باشد.
عنصر مادی جرم جعل: عنصر مادی جرم جعل متشکل از ۳ جزء عبارت است از: ۱- رفتار مجرمانه در جرم جعل ۲- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم جعل ۳- نتیجه حاصله جرم جعل

رفتار مجرمانه جرم جعل: ابتدا به تعریف اقسام جعل، سپس به بررسی رفتار مجرمانه در اقسام جعل می‌پردازیم.

اقسام جرم جعل: جعل را می‌توان به دو نوع جعل مادی و جعل معنوی (مفادی) تقسیم نمود:

۱. **جعل مادی:** مرتکب با رفتارهای عینی مانند مخدوش کردن، تراشیدن، خراشیدن، و غیره در ظاهر و صورت نوشته، سند، مهر، امضاء و ... تغییر ایجاد می‌کند یا اقدام به ساخت این موارد به شکل عینی می‌نماید.

۲. **جعل معنوی (مُفادی):** مرتکب بدون آن که چیزی بسازد یا در ظاهر آن تغییر بدهد، صرفاً حقیقت را به طور وارونه بیان می‌کند؛ به عبارت دیگر مرتکب هیچ گونه خدشه‌ای در ظاهر سند، از لحاظ اینکه آن را به طور متقلبانه بسازد یا تغییر دهد، ایجاد نمی‌کند، بلکه مطالب منتسب به دیگران را به طور تحریف شده در سند یا نوشته وارد می‌نماید.

• **مثال (۱) برای جعل مادی و معنوی:** در صورتی که متهم در جریان تحقیقات اظهار کند که «اتهام را قبول ندارم»؛ اما بازپرس آن را به شکل «قبول دارم» منعکس نماید، مرتکب جعل معنوی یا مُفادی شده است؛ زیرا چیزی را به شکل سند، نوشته و ... نساخته یا در آن دست نبوده و صرفاً اقدام به قلب حقیقت نموده است، اما اگر در همین مثال بازپرس اظهارات متهم را عیناً به همان شکل منعکس نماید و بعداً به سراغ برگه بازجویی رفته و «اتهام را قبول ندارم» به «اتهام را قبول دارم» تبدیل کند، مرتکب جعل مادی شده است؛ زیرا در اینجا در چیزی که وجود خارجی داشته و عینیت یافته دست برده و آن را تغییر داده است.

• **مثال (۲) برای جعل مادی و معنوی:** در صورتی که سردفتر اسناد رسمی معامله غیرقطعی را قطعی جلوه دهد یا اظهارات طرفین در پرداخت ثمن به صورت به صورت مؤجل را به شکل حال یا عقد اجاره را به شکل بیع منعکس نماید، به دلیل تحریف گفته طرفین، مرتکب جعل معنوی یا مُفادی شده است؛ در حالی که اگر مثلاً عقد بیع به درستی تنظیم شده، اما بعداً در محتوای آن دست برده شود (مثلاً مبلغ تغییر داده شود) رفتار مرتکب جعل مادی به شمار می‌رود.

✓ با توجه به مثال‌های فوق درمی‌یابیم که ماده ۵۲۳ ق.م.ا تعزیرات راجع به جعل مادی و ماده ۵۳۴ ق.م.ا تعزیرات راجع به جعل معنوی یا مُفادی است.

۱. **رفتار مجرمانه جعل مادی:** رفتار مجرمانه جرم جعل مادی فقط به صورت فعل مثبت ساختن یا دست‌کاری یا به کار بردن متقلبانه نسبت به موارد مندرج در قانون می‌باشد. جعل از سوی کسی محقق می‌شود که اساساً صلاحیت ساخت یا تغییر آن چیز را نداشته باشد؛ بنابراین در فرضی که صادرکننده چک، تاریخ چک یا مبلغ مندرج در چک را تغییر دهد، عمل او جعل محسوب نمی‌شود، در حالی که اگر دریافت‌کننده چک بدون هماهنگی صادرکننده، مندرجات چک را تغییر دهد، رفتار وی جعل محسوب می‌شود، یا اگر موصی پس از تنظیم وصیت‌نامه، نام یکی از موصی‌لهم را حذف کند، عمل او جعل محسوب نمی‌شود، در صورتی که اگر شخص ثالث (مثلاً سردفتر یا وراثت) چنین رفتاری مرتکب شود، عمل او جعل محسوب می‌شود.

✓ موصی‌ای که وصیت‌نامه دست‌نویس خود را تغییر داده و نام یکی از موصی‌لهم را حذف می‌کند، صادرکننده چکی که تاریخ چک را پس از صدور، تغییر دهد یا هنگام صدور تاریخ مقدم یا مؤخر بر روی چک می‌گذارد یا کسی که برای فریب دادن دیگران امضای خود را به شکل دیگری غیر از امضای معمول خود می‌کند، صندوقدار بانکی که در فهرستی که برای خود تنظیم کرده برخی از وجوه را وارد نمی‌کند یا پس از وارد کردن آن فقرات را پاک کرده و آن وجوه را تصاحب می‌کند، و متهمی که در حین بازپرسی به طور شفاهی یا کتبی به دروغ خود را بی‌گناه اعلام می‌دارد، هیچ یک (جز در صورت وجود نصّ خاص در هر یک از این موارد) جاعل محسوب نمی‌شود.

✓ تغییر و تبدیل نمره و تجدیدنظر در اوراق تصحیح‌شده بدون دستور مقام ذیصلاح از مصادیق جعل است.

ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.»

بررسی مصادیق مندرج در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

۱. **ساختن نوشته یا سند**

✓ سند نوشته‌ای است که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد، اعم از رسمی یا غیر رسمی

✓ با لحاظ نصّ قانون، نوشته محدود است به اوراق کاغذی و در نتیجه شبیه‌سازی یا تغییر متقلبانه برنامه‌های رایانه‌ای، تابلوی نقاشی، نقشه مهندسی از شمول مقررات این مواد خارج است.

۲. **ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی و غیررسمی**

✓ امضا هر علامتی است که شخص در زیر یک سند رسمی یا نوشته برای تأیید منتسب بودن آن نوشته به خود درج می‌کند.

✓ صرف ساختن امضاء دیگری در اسناد، صرف‌نظر از تحصیل اموال، خود جعل تلقی می‌گردد؛ اما در صورتی بردن مال دیگری با امضای جعلی کلاهبرداری نیز محقق می‌شود؛ بنابراین وقوع جعل و کلاهبرداری توأماً قابل تحقق است.

• در جعل امضا و مهر چه میزان شباهت با اصل ضرورت دارد؟

✓ با لحاظ سکوت قانونگذار و علی‌رغم اختلاف نظر در این مورد باید گفت که اساس جعل میزان شباهتی است که موجب فریب خوردن افراد شود، تا آن را به جای اصلی بگیرند.

✓ امکان به اشتباه انداختن و مشتبه کردن، شرط است نه اشتباه کامل.

✓ احتمال مشتبه کردن افراد معمولی و اشتباه عرفی کافی است، هرچند که شباهتی بین امضای اصلی و تقلبی نباشد.

✓ در اشیایی مثل سکه و اسکناس و نشان‌های دولتی شباهت لازم است، چون با عدم شباهت با اصل، امکان به اشتباه انداختن هم منتفی است.

✓ **نکته مهم:** در ماده فوق برخلاف جعل مهر و امضاء به جعل اثرانگشت اشاره نشده و اگر فردی اثرانگشت دیگری را با مهارت ذیل یک سند، ترسیم کند، عمل او را نمی‌توان جعل دانست، همچنان که اگر کسی به جای دیگر ذیل یک سند انگشت بزند و با این عمل مال متعلق به دیگری را به شخص دیگری منتقل نماید، صرفاً مرتکب انتقال مال غیر شده است، نه جعل. همچنین حک کردن نقش امضاء بر روی مهر مشمول حکام مهر است، نه امضا؛ بنابراین کسی که امضای دیگری که را بر روی مهر نقش بسته است، مورد استفاده قرار دهد؛ به دلیل استفاده از مهر دیگری مرتکب جعل شده است.

۳. تغییر و تحریف بر سند یا نوشته اصلی با یکی از روش‌های ذیل:

۱. **خراشیدن:** محو کردن جزئی از حروف کلمه با تیغ و چاقو و اشیاء نوک‌تیز؛ مانند: محسن: حسن

۲. **تراشیدن:** محو کردن کل کلمه با تیغ و چاقو و اشیاء نوک‌تیز؛ مانند حذف نام حمید از بین اسامی موصی‌لهم

۳. **قلم بردن:** ناخوانا کردن یا خط کشیدن بر روی بخشی از سند بدون اضافه کردن چیزی به سند یا نوشته؛ مانند: حسن: حسن.

۴. **الحاق:** چیزی را به سندی اضافه کردن، مانند رقمی در چک یا اضافه کردن جزئی از حروف کلمه؛ مانند: حسن: محسن.

۵. **محو کردن:** پاک کردن بخشی از نوشته با مداد پاک‌کن یا لاک غلط‌گیر یا مواد شیمیایی.

۶. **سیاه کردن:** ناخوانا کردن بخشی از نوشته با جوهر مرگب یا رنگ یا مانند آن.

✓ رفتارهایی مانند ریختن جوهر بر روی کل سند و سیاه کردن همه آن، به نحوی که سند به طور کلی از حیث انتفاع خارج شود، رفتار مرتکب در این موارد تخریب محسوب می‌شود، همچنانکه اگر شخصی کل سند را پاره کند یا آن را بسوزاند، رفتار او اتلاف یا تخریب محسوب می‌شود

۷. **اثبات:** سندی را از حالت بطلان خارج کردن و آن را صحیح نشان دادن؛ مانند از بین بردن مهر «باطل شد» از روی گذرنامه یا شناسنامه باطل شده یا سوراخی را که به نشان ابطال بر روی گذرنامه زده شده است، با کاغذ پُر کند، تا آن را معتبر نشان دهد، به دلیل اثبات سند مرتکب جعل شده است.

۴. تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن:

۱. **تقدیم تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی:** آقای «الف» تاریخ چکی را که در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۴ صادر شده و به دلیل شمول مرور زمان ۶ ماهه قابلیت تحصیل وجه را از دست داده است، جلو انداخته و به تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۴ تبدیل کرده است.

۲. **تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی:** آقای «الف» تاریخ مبیعه‌نامه‌ای را که قبل از تاریخ حکم ممنوع‌المعامله بودن او و مصادره اموال او توسط دادگاه صادر شده از تاریخ ۱۴۰۲/۱/۱۴ عقب انداخته به به تاریخ ۱۴۰۱/۱/۱۴ تبدیل کرده است.

۵. الصاق نوشته به نوشته دیگر

✓ بخش‌هایی از یک نوشته به بخش‌هایی دیگر منضم و ملصق می‌شود تا آنچه که به وجود می‌آید، نوشته واحدی تصور شود.

✓ اگر صاحب سندی، سند خود را پاره کند و شخص دیگری با چسباندن تکه‌های پاره شده به هم مجدداً از آن به عنوان سند اصلی استفاده کند، جعل نیست؛ بلکه می‌تواند در قالب کلاهبرداری یا شروع به آن فرض شود.

۶. به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن

✓ یعنی زدن مهر دیگری بدون اجازه صاحب مهر ذیل نوشته یا سند، چه مهر به او سپرده شده باشد، چه از طریق دیگری به دست آمده باشد.

✓ ساختن مهر دیگری جعل محسوب می‌شود، ولو آن که مرتکب اصلاً استفاده‌ای از آن نکند، ولی قانونگذار علاوه بر آن، صرف استفاده مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن را هم جعل دانسته است، برای مثال در فرضی که یک دانشجو برای موجه نشان دادن، غیبت‌های خود، از مهر یک پزشک بدون اجازه و استفاده کند، مرتکب جعل شده است. البته منظور از مهر در اینجا، مهر اصلی و غیرجعلی است و گرنه در صورتی که شخصی مهر جعلی دیگری را مورد استفاده قرار دهد، مرتکب استفاده از سند مجعول (نه جعل) شده است؛ بنابراین در مثال مزبور، اگر شخصی مهر یک پزشک را جعل کرده و دانشجو بدون اجازه سازنده مهر، از آن استفاده کند، مرتکب استفاده از سند مجعول شده است.

✓ نشان دادن مهر را نمی‌توان استفاده از آن دانست و استفاده به معنای به کار بردن مهر ذیل سند، نوشته و ... است.

✓ سوءاستفاده از سفید مهر، از جمله جرائم در حکم خیانت در امانت است که به عنوان یک جرم مستقل در ماده ۶۷۳ ق.م.ا تعزیرات جرم‌انگاری شده است.

• **سوال:** آیا صدور چک از حساب دیگری بدون اجازه صاحب حساب جعل است یا خیر؟

✓ **پاسخ:** باید بین دو فرض قائل به تفکیک شویم، اگر امضایی که بر روی برگ چک دیگری زده شده است، شبیه به امضای صاحب حساب نباشد، عمل مرتکب جعل نیست؛ زیرا نمونه امضای صاحب حساب در بانک وجود دارد و متصدی بانک به اشتباه نمی‌افتد، ولی اگر امضایی که بر روی برگ چک دیگری زده شده، شبیه به امضای صاحب حساب باشد، عمل مرتکب جعل است و اگر از چک استفاده کند، عمل مرتکب استفاده از سند مجعول نیز محقق شده است و اگر منتهی به بردن مال دیگری شده باشد، عمل مرتکب کلاهبرداری نیز می‌باشد.

۲. **رفتار مجرمانه جعل معنوی (مُفادی):** رفتار مجرمانه جعل معنوی (مُفادی) بیان حقیقت به طور وارونه می‌باشد یا به عبارت دیگر وارد نمودن مطالب منتسب به دیگران به طور تحریف شده در سند یا نوشته می‌باشد.

✓ مطابق نظر دکتر میرمحمد صادقی جعل معنوی (مُفادی) هم با فعل هم با ترک فعل قابل تحقق است، مثل سردفتری که نام یکی از موصلی‌لهم را عمداً در وصیت‌نامه نمی‌آورد.

ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف‌شان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۵ سال یا به پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

مصادیق مندرج در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

با توجه به ماده ۵۳۴ ق.م.ا تعزیرات رفتار مجرمانه در جعل معنوی یا مُفادی (که تنها از سوی کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی در راستای انجام وظایف‌شان قابل ارتکاب باشد و نه توسط افراد عادی) عبارت است از یکی از اعمال زیر است:

۱. **تغییر موضوع یا مضمون نوشته:** انعکاس عقد اجاره به شکل بیع توسط سردفتر، جلوه دادن عقد غیرقطعی به شکل قطعی

۲. **تحریف گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی:** تحریف اظهارات فاضی توسط منشی دادگاه

۳. **تحریف تقریرات یکی از طرفین:** منشی دادگاه اظهار متهم را که می‌گوید: «مورد اتهام را قبول ندارم»، بنویسد: «مورد اتهام را قبول

دارم»

۴. **امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل جلوه دادن:** تنظیم سند انتقال مال بر مبنای وکالت باطل شده با تنظیم سند به قبل از تاریخ بطلان وکالت‌نامه
۵. **چیزی که به آن اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دادن:** منشی دادگاه اظهار متهم را که می‌گوید: «من به قتل نرساندم»؛ بنویسد: «من به قتل رساندم»
- ✓ بدین ترتیب، هرگاه سردفتری عقد اجاره را به شکل عقد بیع منعکس کند، یا معامله غیرقطعی را قطعی جلوه دهد، یا برخلاف گفته طرفین، در سند بنویسد که ثمن معامله پرداخت شده است، یا نام متعاملین را به شکلی غیر از آنچه که آنها اظهار می‌دارند وارد کند، یا در سند ازدواج مطالبی خلاف مندرجات شناسنامه بیاورد، یا منشی دادگاه اظهارات قاضی را به میل خود تحریف کند، یا دادیار و بازپرس، برای آسان کردن کار خود، اظهار متهم را که «مورد اتهام را قبول ندارم» به شکل «مورد اتهام را قبول دارم» منعکس کند، یا مأمور ثبت احوال جنسیت نوزاد تازه متولد شده را، برخلاف گفته والدین، به جای پسر، دختر یا به جای دختر، پسر بنویسد، یا مأمور دفترخانه، در هنگام تنظیم وصیت‌نامه، نام‌هایی را به اسامی کسانی که از سوی موصی به عنوان موصی له تعیین شده‌اند اضافه کند، مرتکب جعل معنوی یا مفادی شده‌اند.
- ✓ به صراحت ماده ۵۳۴ ق.م.ا تعزیرات جعل معنوی (مفادی) صرفاً از سوی کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی و در راستای وظایف‌شان قابل ارتکاب است؛ بنابراین در فرضی که مشاور املاک برخلاف اظهارات طرفین، مبلغ پرداخت‌شده ثمن را به شکل پرداخت نشده منعکس نماید، مرتکب جرمی (اعم از جعل مادی یا معنوی) نشده است؛ زیرا همان گونه که قبلاً در توضیح جعل مادی بیان شد، صرف تقلب در بیان حقیقت تا مادامی که در قالب ساختن یا تغییر دادن نباشد، جعل محسوب نمی‌شود و تحریف در بیان حقیقت را تنها زمانی می‌توان جرم (جعل معنوی) دانست، که اولاً از سوی مأموران فوق و ثانیاً در راستای وظایف‌شان صورت گرفته باشد؛ بنابراین در فرضی که یک کارمند دولتی که عهده‌دار تنظیم وصیت‌نامه برای شخصی است، نام بعضی از موصی لهم را قید نکند، مرتکب جرمی نشده است؛ زیرا این عمل را در راستای وظایفش انجام نداده است.
- ✓ منظور از عبارت «راجع به وظایف‌شان» در ماده فوق لزوماً آن نیست که مرتکب در ساعات کاری یا در محل کار، دست به انجام رفتارهای مزبور زده باشد و آنچه دارای اهمیت می‌باشد؛ آن است که مرتکب در رابطه با وظایفش این اقدامات را انجام داده باشد؛ بنابراین در فرضی که بازپرس، صدای متهم را ضبط کرده و پرونده تحقیقات را از محل کار به خانه برده و در نوشتن اظهارات متهم، آنها را به طور وارونه منعکس نماید، مرتکب جعل معنوی شده است.
- ✓ قانونگذار در ماده فوق، علاوه بر کارکنان دولتی و قضایی، به مأموران به خدمات عمومی نیز اشاره کرده است و بنابراین ارتکاب جعل معنوی از سوی کارمندان شهرداری و بانک‌ها نیز امکان‌پذیر است؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۱۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۲ اداره حقوق قوه قضاییه: «هر چند کارمندان و رؤسای ادارات شهرداری‌ها کارمند دولت محسوب نمی‌شوند و مشمول ماده ۵۳۲ و ۵۴۴ ق.م.ا نیستند؛ ولی از جهت اینکه مأمورین به خدمات عمومی هستند، علاوه بر ماده ۵۳۳ ق.م.ا حسب مورد مشمول ماده ۵۳۴ قانون مزبور خواهند بود» همچنین به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۴۰۲۵ مورخ ۱۳۷۵/۶/۱۸ اداره حقوق قوه قضاییه: «کارمندان بانک‌ها مشمول مقررات قانون استخدام کشوری نیستند تا کارمند دولت به حساب آیند؛ اما در زمره مأمورین به خدمات عمومی هستند» هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای وحدت رویه خود در سال ۱۳۹۹ بانک‌های خصوصی را در زمره همین نهادهای غیردولتی که مأمور به خدمات عمومی هستند، دانسته است و بنابراین جرم جعل معنوی از سوی این افراد امکان‌پذیر می‌باشد. با توجه به رأی مذکور جرائم دیگر مانند ارتشاء، اختلاس، و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی نیز از سوی کارمندان بانک‌های خصوصی قابل ارتکاب است.
- ✓ **جرم جعل معنوی (مفادی) توسط افراد نظامی:** به استناد ماده ۱۰۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که در تحریر نوشته‌ها، قراردادهای و مقاوله‌نامه‌های راجع به وظایفش مرتکب جعل یا تزویر شود اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهد یا گفته و نوشته یکی از مقامات یا تقریرات یکی از طرفها را تحریف کند یا امر باطلی را صحیح و یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده اقرار شده جلوه دهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.»

✓ صرف گزارش خلاف حقیقت را نمی‌توان جرم دانست و قانونگذار در مواردی آن را تحت همین عنوان با کتمان حقیقت (نه جعل) جرم‌انگاری کرده است؛ مطابق ماده ۷۱۱ ق.م.ا تعزیرات: «هر گاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صلاحیتدار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و (۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهند یا بر خلاف واقع گزارش نمایند در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند به ۳ تا ۶ ماه حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند.»

✓ جرم گزارش خلاف واقع توسط افراد نظامی: به استناد ماده ۷۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی بر خلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسؤول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوء نیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت امر خود را به مقامات ذیصلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارشها و جرائم را به موقع اعلام نکند به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

الف - چنانچه اعمال فوق موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب.

ب - در صورتی که موضوع به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال.

ج - در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره ۱ - چنانچه اعمال مذکور موجب خسارات مالی گردد مرتکب علاوه بر مجازات فوق به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه اعمال مورد اشاره در بندهای (ب) و (ج) این ماده در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری باشد در صورتی که موجب جنایت بر نفس یا اعضاء شده باشد مرتکب به نصف حداقل، تا نصف حداکثر مجازاتهای مزبور محکوم خواهد شد و در غیر این صورت طبق آئین نامه انضباطی عمل می‌شود. پرداخت دیه طبق مقررات قانون دیات می‌باشد.»

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم جعل: مجموعه شرایطی را که قانونگذار برای تحقق جرم جعل (اعم از مادی یا معنوی) ضروری هستند را ذکر می‌نمایم

۱. **شرط اول:** موضوع جعل باید موارد مندرج در قانون باشد، ساختن یا تغییر هر چیزی را نمی‌توان جعل دانست و جعل تنها نسبت به موارد مندرج در قانون مانند نوشته، مهر، امضاء، تمبر، منگنه، اسکناس و ... امکان‌پذیر است؛ بنابراین دست‌کاری در داده‌های رایانه‌ای یا پلاک خودرو را نمی‌توان جعل دانست و هر یک دارای عنوان مجرمانه خاص است که به ترتیب در ماده ۶ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و ماده ۷۲۰ ق.م.ا تعزیرات به آن اشاره شده است.

✓ ضرورتی ندارد که اسناد، نوشته‌ها و سایر چیزهای مذکور در قانون متعلق به دیگری باشد، بلکه ممکن است فرد مرتکب برای مثال در شناسنامه یا نسخه‌ای از قرارداد که متعلق به خود اوست، مرتکب جعل شود.

✓ کشیدن نقاشی یک نقاش مشهور به جای او، جعل محسوب نمی‌شود، مگر آن که امضای نقاش هم ذیل آن درج شود، که در این صورت مرتکب به دلیل جعل امضاء (نه کشیدن نقاشی) جاعل شناخته می‌شود، چسباندن عکس خود به روی شناسنامه دیگری نیز مشمول همین حکم است و صرف چسباندن عکس را تا زمانی که ممهور نشده باشد، نمی‌توان جعل دانست؛ زیرا عکس از موارد مندرج در قانون نیست و الصاق آن به یک سند یا دست‌کاری در آن را نمی‌توان جعل دانست. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲۷۶ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «الصاق عکس به روی شناسنامه یا گواهینامه رانندگی متعلق به غیر به صورت ساده و بدون ممهور کردن به نحوی که در بادی امر معلوم و محسوس باشد، جعل محسوب نمی‌شود، لیکن در صورتی که عکس با مهر ساختگی مُتَنَسَب به ثبت احوال یا راهنمایی و رانندگی ممهور شده باشد به نحوی که در بادی نظر با اصل مشتبه شود، جرم جعل صادق است و استفاده کننده از آنها مستفید از سند رسمی مجعول می‌باشد.» همچنین مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۱: «نظر به اینکه در بسیاری از ادارات و مراجع از تصویر اسناد و مدارک استفاده و به آن اسناد می‌شود، جعل در تصویر این قبیل اسناد و مدارک - مانند جعل در تصویر شناسنامه - (نه دست‌کاری در عکس صاحب شناسنامه) جرم و مشمول ماده ۵۲۳ ق.م.ا (تعزیرات) است»

✓ با توجه به معنی عرفی نوشته و نیز مواد بعدی قانون و مواد مذکور در قوانین متفرقه و با توجه به لزوم تفسیر مضیق قوانین جزایی باید نوشته را محدود به قدر متیقن آن یعنی نوشته مندرج بر روی اوراق کاغذ دانست و نه نوشته‌های موجود بر روی سنگ و چوب و پارچه و مجسمه و پلاک اتومبیل و فرش و نظایر اینها. تغییر در پلاک اتومبیل ماده خاص دارد.

۲. **شرط دوم:** موضوع جعل باید جعلی نباشد؛ به عبارت دیگر جعل در چیزی قابل تصور است که خودی آن ساختگی و تقلبی نباشد؛ بنابراین جعل در سندی که فاقد اصالت بوده و خودش جعلی است، متصور نیست؛ برای مثال در فرضی که شخصی اقدام به ساخت یک شناسنامه جعلی نموده و شخص دیگر مندرجات آن را تغییر دهد (مثلاً تاریخ تولد صاحب شناسنامه را تغییر دهد) فقط نفر اول جاعل محسوب می‌شود و عمل نفر دوم که سند جعلی را تغییر داده، فاقد عنوان مجرمانه است، در حالی که اگر شخصی در یک شناسنامه واقعی و صحیح دست برد و سن صاحب آن را کم کند و صاحب شناسنامه مجدداً آن را تغییر بدهد، هر به دلیل اصالت سند، جاعل محسوب می‌شوند.

✓ تغییر و دست بردن در فتوکپی و سندی که فاقد اصالت است نیز جعل محسوب نمی‌شود، برای مثال در فرضی که شخصی در رونوشت دانش‌نامه مقطع کارشناسی خود دست برده و معدل خود را تغییر دهد، مرتکب جعل نشده است، البته این حکم شامل رونوشت مصدق (کپی برابر اصل) که به تأیید دفاتر اسناد رسمی می‌رسد و همچنین المثنای اسناد رسمی نمی‌شود و دست‌کاری در این موارد مانند جعل سند رسمی است، مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۷/۲۰۷۳ مورخ ۱۳۷۸/۴/۵: «با توجه به ماده ۵۲۳ ق.م.ا و تعریف قانونی جعل، جعل فتوکپی غیرمصدق اسناد عادی و رسمی و استفاده از آن چون امکان اضرار به غیر را ندارد، جعل جزایی محسوب نمی‌شود، لکن چنانچه فتوکپی اسناد عادی یا رسمی تصدیق شده باشد، جعل در آنها و نیز استفاده از آن جرم و مرتکب آن قابل تعقیب کیفری است»

۳. **شرط سوم:** موضوع جعل باید متقلبانه باشد، منظور از متقلبانه بودن در جعل، تقلب در ساخت یا تغییر دادن است، ولو آن که مندرجات چیزی که ساخته یا تغییر داده شده است، صحیح باشد؛ برای مثال در فرضی که دارنده چک در مبلغ آن دست برد و مبلغ طلب واقعی خود را در آن بنویسد، مرتکب جعل شده است؛ زیرا صلاحیت دست بردن در چک را نداشته و در این رفتار تقلب کرده است، هر چند اصل ادعای او صحیح باشد، یا در فرضی که مالک در سند ملک دست برد و متراژ آن را تغییر بدهد، مرتکب جعل شده است؛ هرچند متراژ ذکر شده در سند واقعاً اشتباه بوده و صاحب سند متراژ واقعی آن را درج کند.

✓ صرف دروغ و تقلب در بیان مطالب را نمی‌توان جعل دانست؛ بنابراین کسی که به دروغ در برگه استخدام خود را دارای مدرک کارشناسی ارشد معرفی کند یا سن خود را کمتر اعلام کند، مرتکب جعل نشده است؛ زیرا دروغ و تقلب در اینجا در اصل صورت نگرفته است؛ در حالی که اگر همان شخص برای استخدام و کم کردن سن خود در شناسنامه دست برد، به دلیل تقلب در ساختن یا تغییر دادن، جاعل محسوب می‌شود.

✓ در فرضی که متصدی بنگاه املاک در تنظیم مبایعه‌نامه و پیش از امضای طرفین، متراژ ملک را کمتر و یا میزان ثمن را بیشتر بنویسد، مرتکب جعل نشده است؛ زیرا صرفاً در تعیین متراژ و قیمت ملک تقلب کرده و در اصل مبایعه‌نامه دست نبرده است، در حالی که اگر بعد از امضای طرفین در آن دست برد، عمل او جعل محسوب می‌شود؛ زیرا در این مورد تقلب در قالب تغییر چیزی که اساساً صلاحیت تغییر آن را ندارد، اتفاق افتاده است. با توجه به این ضابطه متوجه می‌شویم در صورتی که «الف» چک خود را به «ب» بدهد تا او مندرجات آن را درج کند و «ب» مبلغ بیشتری را در چک درج کند و «الف» بدون توجه به این مطلب چک را امضا کند، عمل «ب» جعل محسوب نمی‌شود؛ در حالی که اگر «ب» پس از امضای چک توسط «الف» مبلغ آن را تغییر دهد، عمل او جعل محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت، گاهی سند جعلی متضمن اطلاعات صحیح است و گاهی سند صحیح، متضمن اطلاعات دروغ است، و همان گونه که بیان شد، آنچه در جعل دارای اهمیت است، تقلب در ساختن یا تغییر سند می‌باشد، نه تقلب در بیان اطلاعات. مثال دیگر برای روشن شدن مسأله، ناظر بر فرضی است که یک فرد بی‌سواد بخواهد، اموال خود را به چند نفر هبه کند و تنظیم‌کننده سند هبه، نام یکی از آنها را قید نکند و به جای او نام خود را قید کند، رفتار او جعل محسوب نمی‌شود، در حالی که اگر پس از تنظیم سند و امضای واهب، نام کسی را حذف و نام خود را اضافه کند، عمل او جعل محسوب می‌شود.

در مورد جرم جعل نکات ذیل قابل توجه است:

✓ هرگاه شخصی تاریخ مندرج بر روی یک سند اصیل را تغییر داده باشد و بعداً شخص دیگری نام مندرج در آن سند را تغییر دهد، ظاهراً عمل هر دو نفر جعل محسوب می‌شود؛ زیرا در این حالت سند ذاتاً بلا اشکال و فقط تاریخ مندرج در آن تغییر داده شده و مجعول بوده است. اگر یک نفر این هر دو کار را با هم انجام دهد، چون در این حالت تغییر در یک سند و برای یک منظور واقع شده حکم به ارتکاب دو فقره جرم جعل از سوی مرتکب، خالی از شبهه نخواهد بود و شاید درست آن باشد که او را در این حالت به ارتکاب یک جرم جعل محکوم کنیم، تفسیر به نفع متهم و رویه قضایی اقتضای همین را دارد.

✓ دروغ به صرف مکتوب شدن، جعل محسوب نمی‌شود، بلکه خود نوشته یا سند باید مجعول باشد و نه صرفاً حاوی اطلاعات دروغ باشد. در مورد جعل اعم از مادی یا معنوی، موضوع جعل (سند، نوشته و غیره) باید ماهیتاً ساختگی و تقلبی باشد و صرف اینکه حاوی اطلاعات دروغ باشد، کفایت نمی‌کند؛ همچنین اگر کسی شفاهاً یا کتباً به دروغ خود را دارای تحصیلات عالی یا برخوردار از یک مقام دولتی و نظایر آنها معرفی کند، یا طرفین قرارداد برای ایراد ضرر به اداره مالیات در هنگام تنظیم سند بیع قیمت غیرواقعی در آن منعکس نمایند، این موارد جعل نیست.

✓ جعل ممکن است در سند رسمی یا عادی اتفاق بیفتد:

- * اگر جعل در سند رسمی توسط کارمندان اتفاق بیفتد مرتکب مطابق ماده ۵۳۲ ق.م.ا تعزیرات مجازات می‌شود.
 - * اگر جعل در سند رسمی توسط غیرکارمند یعنی افرادی عادی اتفاق بیفتد، مرتکب مطابق ماده ۵۳۳ ق.م.ا تعزیرات مجازات می‌شود.
 - * اگر جعل در سند عادی توسط غیرکارمند یعنی افرادی عادی اتفاق بیفتد، مرتکب مطابق ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات مجازات می‌شود.
- ✓ لازم به ذکر است که عمل منشی دادگاه در دفتر ثبت دادنامه‌ها یا منشی یک شرکت بازرگانی که دفاتر را اشتباه نوشته و بعداً اشتباه خود را تصحیح کرده باشد، عمل جعل نیست.

- ✓ نوشتن یک مطلب بر روی سنگ یا مجسمه و آن را دارای ارزش تاریخی قلمداد کردن و بهای گزاف فروختن کلاهبرداری است.
- ✓ جعل بر روی شناسنامه یا گذرنامه یا گواهینامه که به علت منقضی شدن تاریخ اعتبار آن دیگر اعتباری ندارد، جعل محسوب نمی‌شود.
- ✓ صرف اینکه شخصی مثلاً یک شاعر یا نویسنده یا سیاستمدار اسم مستعاری را برای خود برگزیده و اشعار، نوشته‌ها و اوراق مالی خود را به آن نام نوشته و یا امضا کند باعث ارتکاب جرم جعل از سوی او نمی‌گردد.

نتیجه حاصله جرم جعل: جعل در زمره جرائم آنی و مطلق است، منظور از مطلق بودن جعل آن است که برای تحقق این جرم لازم نیست که حتماً از انجام آن منفعتی نصیب جاعل شود یا در عمل ضرری به دیگری وارد شود؛ بلکه برای تحقق جرم جعل همین که از رفتار مرتکب احتمال ضرر به شخص (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی) برود، برای تحقق آن کفایت می‌کند؛ به عبارت دیگر برای تحقق جرم جعل، وجود ضرر بالقوه کفایت می‌کند، حتی اگر عملاً منتهی به ضرر دیگری نشود؛ برای مثال صرف آوردن امضای دیگری ذیل یک سند، به طور بالقوه موجب اضرار به صاحب امضاء می‌شود یا صرف ساختن اسکناس جعلی، موجب اخلال در نظم و آسایش عمومی و سلب اعتماد نسبت به نظام پولی و بانکی می‌شود، ولو جاعل پیش از استفاده از اسکناس‌ها دستگیر شود.

همین که امکان ضرر و خسارت متصور باشد، جرم جعل را باید محقق دانست، استفاده گرفتن و نتیجه گرفتن از جعل شرط اساسی تحقق جرم جعل نیست؛ بلکه کفایت که مرتکب با قصد متقلبانه اقدام به ساختن سند کرده باشد و لازم نیست که سند مجعول مورد استفاده واقع شده یا ابراز گردیده و انتشار یافته باشد.

اصلاً ضرر با جعل واقع نمی‌شود، بلکه با استفاده از سند مجعول ضرر تحقق پیدا می‌کند.

با توجه به ملاک ضرر بالقوه مشخص می‌شود که برای تحقق جعل نیازی به وجود شباهت نیست و همین که امکان اشتباه طرف مقابل و اضرار به دیگری برود، برای تحقق این جرم کفایت می‌کند؛ بنابراین در فرضی که «الف» ذیل یک سند را به جای «ب» امضاء کند، بی آن که امضای او کمترین شباهتی با امضای اصلی داشته باشد، مرتکب جعل شده است؛ زیرا نوعاً امضای صرف به جای دیگری موجب ضرر بالقوه می‌شود و غالب افراد از شکل امضای دیگران مطلع نیستند. البته در مورد چیزهای مشهور مانند اسکناس، امضای رئیس بانک مرکزی و ... که اغلب افراد با آن آشنا هستند، وجود شباهت لازم است؛ زیرا در صورت عدم تشابه با نمونه اصلی، اساساً احتمال ورود ضرر منتفی است و ممکن است به جای اشتباه افتادن سایرین، موجب خنده آنان شود (مانند ساختن اسکناس هزار تومانی قرمز)

حداقل ضرر بالقوه برای تحقق جرم جعل ضروری است که باید بین آن و عمل فیزیکی در جرم جعل رابطه سببیت وجود داشته باشد. چون ضرر لزوماً به کسی که سند به نام او ساخته شده است وارد نمی‌شود، برای تحقق سوءنیت خاص نیز قصد ایراد ضرر به چنین شخصی ضرورت ندارد، بلکه جاعل می‌تواند قصد ایراد ضرر به دیگری را - که حتی ممکن است کس دیگری غیر از شخصی باشد که سند مجعول وی را فریب داده است - داشت باشد، مثل اینکه کارمند بانک فریب خورده و در مقابل یک چک جعلی به جاعل از محل وجوه بانک پول بدهد. هرگاه شخصی که سند، نوشته، امضاء یا چیز دیگری به نام او ساخته می‌شود، مرده باشد، جرم جعل قابل تحقق خواهد بود.

شروع به جرم جعل

هرچند جعل در زمره جرائم مطلق می‌باشد، ولیکن قانونگذار شروع به آن را جرم و قابل مجازات دانسته است؛ بنابراین شروع به جرم جعل مثل سایر جرائم قابل تحقق است، مشروط بر اینکه قسمتی از مقدمات جرم انجام شده و به علتی خارج از اراده مرتکب، ناتمام و ناقص مانده باشد. برای مثال در فرضی که مرتکب قسمتی از کارت ملی دیگری را جعل نموده و پیش از اتمام و گذاشتن نام خانوادگی او از سوی مأموران دستگیر شود، عمل او شروع به جعل محسوب می‌شود.

برخلاف شروع به جعل، شروع به استفاده از سند مجعول متصور نیست و به محض ارائه سند مجعول، این جرم محقق می‌شود، ولو آن که در عمل منتهی به نتیجه نشده و مثلاً مرتکب دستگیر شود.

شروع به جرم در همه موارد جرم قابل مجازات نیست، مگر در مواردی که تصریح شده باشد و قانونگذار جرائمی را که شروع به جرم‌شان قابل مجازات است را در ماده ۱۲۲ ق.م.ا پیش‌بینی کرده است، مطابق این ماده اگر مجازات جرم تعزیری، حبس تعزیری درجه ۱ تا ۵ باشد، شروع به آن جرم قابل مجازات است؛ پس اگر مجازات جرم تعزیری، حبس تعزیری درجه ۶ تا ۸ باشد، شروع به آن قابل مجازات نیست؛ به طور مثال شروع به جرم جعل در اسناد عادی موضوع ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات که مجازات آن حبس تعزیری درجه ۶ است، قابل مجازات نیست؛ ولی شروع به جرم جعل در فرض ماده ۵۲۴ ق.م.ا که مجازات آن درجه ۳ است، قابل مجازات می‌باشد.

نکته مهم: ماده ۵۴۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل در تمام موارد را جرم و قابل مجازات می‌داند که این ماده به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نسخ ضمنی شده است؛ بنابراین برای مجازات شروع به جرم جعل مطابق مقررات ماده ۱۲۲ ق.م.ا عمل می‌شود.

عنصر روانی جرم جعل

علم به موضوع: مرتکب جرم جعل باید بداند که عملی که انجام می‌دهد بر روی سند یا نوشته یا سایر اشیاء پیش‌بینی شده در قانون است. **سوء نیت عام:** سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم جعل نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در ساختن یا دست‌کاری یا به کار بردن در جعل مادی و وارد نمودن مطالب منتسب به دیگران به طور تحریف شده در سند یا نوشته در جعل معنوی داشته باشد.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، ولی در جرم جعل نیز که یک جرم مطلق است، سوء نیت خاص استثنائاً باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم جعل قصد اضرار به دیگری است.

✓ با توجه به این که سوء نیت خاص به عنصر نتیجه باز می‌گردد و نتیجه در جرم جعل اعم از قابلیت ضرر مادی یا معنوی است، لذا قصد ایراد هر نوع ضرر، اعم از مادی یا معنوی به عنوان سوء نیت خاص در جرم جعل کفایت می‌کند. در جعل، برخلاف کلاهبرداری، قصد انتفاع چه برای شخص جاعل و چه برای شخص ثالث، اساساً ضرورتی ندارد و همین که جاعل قصد ایراد ضرر به قربانی اعم از مادی یا معنوی را داشته باشد و بدون توجه به این که قصد وی محقق شده است یا خیر، کفایت می‌کند؛ بنابراین عمل کسانی که به دستور دیگران و با حسن نیت مهر می‌سازند، چون اطلاعاتی از غیرمجاز بودن این عمل ندارند، جاعل محسوب نمی‌شوند.

جرم جعل		
ساختن یا دست‌کاری متقلبانه نسبت به موارد مندرج در قانون به ضرر دیگری		
جعل جرمی، ساده، آنی و مطلق است		
عنصر قانونی	مواد ۵۲۳ تا ۵۴۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵	
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	جعل مادی: ساختن یا دست‌کاری یا به کار بردن متقلبانه نسبت به موارد مندرج در قانون
		جعل مفادی (معنوی): وارد نمودن مطالب منتسب به دیگران به طور تحریف شده در سند یا نوشته
	شرایط و اوضاع و احوال	موضوع جعل باید موارد مندرج در قانون باشد، موضوع جعل باید جعلی نباشد، موضوع جعل باید متقلبانه باشد
	نتیجه حاصله جرم	جرم مطلق است
عنصر روانی	علم به موضوع	مرتکب جرم جعل باید بداند که عملی که انجام می‌دهد بر روی سند یا نوشته یا سایر اشیاء پیش‌بینی شده در قانون است.
	سوء نیت عام	داشتن قصد رفتار مجرمانه، یعنی عمد در ساختن یا دست‌کاری یا به کار بردن در جعل مادی و وارد نمودن مطالب منتسب به دیگران به طور تحریف شده در سند یا نوشته
	سوء نیت خاص	در جرم جعل نیز که یک جرم مطلق است، سوء نیت خاص استثنائاً باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم جعل قصد اضرار به دیگری است.

اقسام خاص جرم جعل در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات

جرم جعل احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط رهبر یا رؤسای سه قوه یا استعمال آن

ماده ۵۲۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا روسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد.»
✓ ماده فوق ۲ رفتار مجرمانه ذیل را جرم‌انگاری نموده است:

۱. جعل احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط رهبر یا رؤسای سه قوه

۲. استعمال احکام یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط جعلی رهبر یا رؤسای سه قوه با علم به جعل یا تزویر

✓ ماده فوق منوط به آن است که جعل «به اعتبار مقام» این افراد انجام گرفته باشد، در مورد دیگر مقامات مندرج در بند «الف» ماده ۵۲۵ ق.م.ا تعزیرات نیز به همین شکل است و اعمال مجازات مقرر در این بند منوط به آن است که جعل «از حیث مقام رسمی آنان» صورت گرفته باشد.

جرم جعل یا استعمال یا داخل کشور نمودن موارد مندرج در ماده ۵۲۵ ق.م.ا تعزیرات

ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا به علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد:

- ۱- احکام یا امضاء یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس جمهور یا وزراء یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از رؤسا یا کارمندان و مسؤولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان.
- ۲- مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی.
- ۳- احکام دادگاه‌ها یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی.
- ۴- منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می‌رود.
- ۵- اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی.

تبصره - هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین‌المللی و به منظور القاء شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.»

✓ مجازات مقرر در ماده فوق علاوه بر جاعل، شامل استفاده‌کنندگان و واردکنندگان نیز می‌شود، به عبارت دیگر به موجب حکم خاص مقرر در این ماده مجازات جعل و استفاده از سند مجعول یکسان تعیین شده است.

✓ درمورد واژه تمبر مذکور در ماده فوق باید اشاره کرد که منظور از آن فقط تمبرهای پستی که نشان‌گر پرداخت بهای پست کردن بسته و از زمره اوراق بهادار است، نمی‌باشد؛ بلکه هر تمبری که ادارات مختلف، مثلاً هلال احمر یا دادگستری یا اداره مالیات و شهرداری‌ها و غیره، برای منظورهای مختلف، و بالأخص اخذ هزینه‌ها و عوارض قانونی، صادر می‌نمایند، مورد مشمول ماده قرار می‌گیرد، به نظر می‌رسد که نقش تمبر را هم، که به وسیله دستگاه به جای تمبر بر روی اوراق زد می‌شود، می‌توان مشمول ماده فوق دانسته و جاعل آن را مجازات کرد.

✓ منظور از علامت، نشان و ویژگی است که شرکت، نهاد، سازمان، اداره و نظایر آنها به وسیله آن قابل شناسایی است، مثل آرم یک اداره دولتی.

✓ تهیة سربزرگ ادارات، همان طور که در یکی از آراء دیوان عالی کشور ذکر شده است، جعل محسوب نمی‌شود، چون سربزرگ را نمی‌توان علامت محسوب کرد.

✓ جعل احکام کلیه دادگاه‌ها، شامل جعل حکم کلیه دادگاه‌های عمومی، اختصاصی، انقلاب، خانواده، نظامی و ... می‌شود.

✓ جعل اسناد و حواله‌های صادره از خزانه دولتی؛ یعنی جعل اوراق و حواله‌های مالی می‌باشد.

✓ جعل منگنه یعنی جعل ابزار فلزی که با استفاده از آن بر روی چیزهایی مثل طلا و نقره و اسناد علامت‌گذاری می‌شود، یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می‌رود.

✓ جعل چک مشمول بند (۵) ماده فوق نیست؛ زیرا چک از اسناد تعهدآور بانکی نیست؛ مگر چک‌هایی که پرداخت وجه آن از سوی بانک تضمین شده است. اداره حقوق قوه قضاییه چک‌های مسافرتی را هم با توجه به صدور آن از سوی بانک مشمول بند (۵) این ماده دانسته است؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۱۲۸ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۴ اداره حقوقی قوه قضاییه: (استفاده از چک‌های مسافرتی مجعول (با علم به جعلیت آن) از مصادیق بند ۵ ماده ۵۲۵ ق.م.ا است.)

✓ در مواردی که جعل اسکناس رایج داخلی (نه خارجی) مشمول ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸ باشد، مرتکب به مجازات اعدام محکوم می‌گردد، نه مجازات مقرر در ماده فوق، مطابق این ماده واحده: «هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشرة یا به واسطه جعل کند. یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد، به اعدام محکوم می‌شود. همچنین عامل عامد و عالم ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مُفسد به اعدام محکوم می‌گردد، مگر آن که عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است.» همان گونه که ملاحظه می‌شود تعیین مجازات اعدام برای جعل اسکناس رایج داخلی یا استفاده از آن منوط به آن است که یا جرم در قالب باند و گروه ارتکاب یافته باشد یا به قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی بوده باشد.

✓ در مواردی که جعل، وارد کردن یا توزیع اسکناس رایج (اعم از داخلی یا خارجی) به طور عمد و مستوجب اخلال در نظام پولی و ارزی کشور گردد، مرتکب به مجازات مقرّر در ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوّب ۱۳۶۹ یعنی ۵ تا ۲۰ سال حبس محکوم می‌شوند؛ مگر آن که رفتار مرتکب از مصادیق افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ ق.م.ا باشد که در این صورت به اعدام محکوم می‌شود.

ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند چنانچه مُفسد و محارب شناخته نشود به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم می‌شود.»

✓ جعل اسکناس رایج خارجی یا داخلی و سایر اسناد بانکی و اوراق و اسناد بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه، به شرط احراز «قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی» مشروط بر آنکه به حدّ براندازی و مقابله با نظام نرسد موجب مجازات حبس از ۵ تا ۲۰ سال به موجب ماده ۵۲۶ ق.م.ا تعزیرات خواهد شد، و در صورت عدم احراز چنین قصدی، مرتکب، بر اساس بند «پنجم» ماده ۵۲۵ ق.م.ا به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.

✓ شباهت بین اسکناس جعلی و واقعی شرط تحقق جرم است.

✓ جعل اسکناس‌های غیر رایج (از دور خارج شده) از شمول مقرّرات مذکور خارج است.

جرم جعل اسکناس و مجازات آن			
مجازات	ماده مربوطه	قصد	رفتار مجرمانه
۱ تا ۱۰ سال حبس	ماده ۵۲۵ ق.م.ا تعزیرات	بدون قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی	جعل اسکناس داخلی یا خارجی
۵ تا ۲۰ سال حبس	ماده ۵۲۶ ق.م.ا تعزیرات	قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم‌زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی به نحوی که رفتار مرتکب از مصادیق افساد فی الارض نباشد	جعل اسکناس داخلی یا خارجی
۵ تا ۲۰ سال حبس	مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوّب ۱۳۶۹	به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام به نحوی که رفتار مرتکب از مصادیق افساد فی الارض نباشد	جعل اسکناس داخلی یا خارجی
اعدام	م ۲۸۶ ق.م.ا، و م ۵۲۶ ق.م.ا تعزیرات و م ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوّب ۱۳۶۹	به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام به نحوی که رفتار مرتکب از مصادیق افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ ق.م.ا باشد	جعل اسکناس داخلی یا خارجی
اعدام	ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوّب ۱۳۶۸	جرم در قالب باند و گروه ارتکاب یافته باشد یا به قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی بوده باشد	جعل اسکناس داخلی

جرم جعل مدارک تحصیلی

ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تاییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت، به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.»

✓ حکم فوق شامل جعل مدارک مؤسسات آموزشی آزاد (مانند مؤسسات آموزش زبان‌های خارجی) مقاطع ابتدایی یا متوسطه نمی‌شود و مجازات مرتکب در این موارد بر اساس ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات (جعل عادی) تعیین می‌شود.

✓ مجازات استفاده از سند مجعول در ماده فوق همانند مجازات جاعل دانسته شده است.

✓ صرف اشتغال در نهادهای مقرر در قسمت اخیر ماده فوق (مانند شهرداری‌ها) موجب تشدید مجازات مرتکب است؛ اعم از آن که جرم به مناسبت شغل او ارتکاب یافته باشد یا نه.

✓ نوع رابطه استخدامی (رسمی، پیمانی و ...) تأثیری در تشدید مجازات به شرح فوق نخواهد داشت.

جرم جعل مهر و علامت مؤسسات عمومی غیردولتی یا استفاده از آن

ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی مانند شهرداری‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»

ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیر دولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۳ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»

✓ در مواد ۵۲۸ و ۵۲۹ ق.م.ا تعزیرات، مجازات استفاده‌کنندگان از سند مجعول همانند مجازات جاعل آن دانسته شده است.

✓ نهادهای عمومی غیردولتی مثل: شهرداری‌ها، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد امام خمینی (ره)

✓ مصادیق تمبر اشخاص حقوقی مثل: تمبر هلال احمر، تمبر دادگستری، تمبر شهرداری‌ها، تمبر اداره مالیات

جرم جعل مهر یا علامت و مجازات آن			
رفتار مجرمانه	نوع نهاد	مقرره	مجازات
جعل مهر یا علامت	نهادهای دولتی	بند دوم ماده ۵۲۵ ق.م.ا تعزیرات	۱ تا ۱۰ سال حبس
جعل مهر یا علامت	نهادهای عمومی غیردولتی	ماده ۵۲۸ ق.م.ا تعزیرات	۶ ماه تا ۳ سال حبس
جعل مهر یا علامت	شرکت‌ها و تجارتخانه‌های غیردولتی	ماده ۵۲۹ ق.م.ا تعزیرات	۳ ماه تا ۲ سال حبس

جرم استفاده غیرمجاز از مهر و علامت نهادها و مؤسسات غیردولتی

ماده ۵۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز بدست‌آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به ۲ ماه تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد.»

✓ ماده فوق ناظر بر جعل مهر، تمبر یا علامت نیست، بلکه ناظر بر استفاده غیرمجاز از مهر، تمبر یا علامت اصیل ادارات، شرکت‌ها و تجارتخانه‌ها است، به نحوی که موجب ورود ضرر به این نهادها گردد.

- ✓ استفاده غیر مجاز از مهر اصیل دیگری (ولو اشخاص عادی) جعل محسوب می‌شود و ماده فوق به طور خاص به استفاده غیر مجاز از مهر نهادهای مقرر در این ماده اشاره کرده است.
- ✓ در رابطه با جعل تمبرهایی که چاپ و فروش آن در انحصار دولت است، باید به ماده ۱۹ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ مراجعه نمود؛ مطابق این ماده: «هر کس تمبر یا پاکت و کارت پستی با تصویر تمبر یا کوپن رپنس یا علامت نقش تمبر و به طور کلی هر گونه اوراق و علائمی که چاپ و فروش آن در انحصار دولت و شرکت است، به هر کیفیت بالمباشره یا مع‌الواسطه، جعل کند یا با علم به جعل مورد استفاده قرار دهد یا داخل کشور نماید، جاعل اوراق و اسناد بهادار دولتی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده با توجه به شرایط و امکانات خاطی و مراتب جرم به حبس از ۱ ماه تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد.»

جعل در اسناد و نوشته‌های رسمی

جرم جعل مادی اسناد رسمی توسط کارمندان و مسؤولان دولتی در راستای اجرای وظیفه

- ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر یک از کارمندان و مسؤولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از این که امضاء یا مهری را ساخته یا امضاء یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۵ سال یا به پرداخت پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»
- ✓ ماده فوق ناظر بر جعل مادی و اوراق و نوشته‌های رسمی از سوی کارکنان دولتی به مناسبت وظیفه آنان است.
 - ✓ مرتکب این جرم دارای ویژگی خاصی است؛ یعنی باید کارمند دولت باشد و در راستای وظیفه خود مرتکب این جرم شده باشد؛ بنابراین جعل در اسناد رسمی توسط کارمندان و مسؤولان دولتی با این ماده بررسی می‌شود.
 - ✓ در صورتی که جعل اسناد و نوشته‌های رسمی از سوی اشخاص عادی یا کارکنان دولت، در غیر اجرای وظایف‌شان صورت گرفته باشد، مجازات مرتکب بر مبنای ماده ۵۳۳ ق.م.ا تعزیرات تعیین می‌گردد.
 - ✓ در جعل اسنادی غیر رسمی (اسناد عادی)، مجازات مرتکب بر اساس ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات تعیین می‌شود و در این زمینه تفاوتی میان کارمندان دولت و افراد عادی نیست.
 - ✓ جعل المثنای سند رسمی و رونوشت مصدق سند رسمی نیز همچون جعل سند رسمی محسوب می‌شود و مجازات مرتکب حسب مورد بر اساس مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ ق.م.ا تعزیرات تعیین می‌گردد.
 - ✓ در رابطه با جعل چک قابل ذکر است که هرچند چک، در حکم سند رسمی محسوب می‌شود؛ اما نمی‌توان آن را سند به معنای اخص خود دانست.

جرم جعل مادی اسناد رسمی توسط افراد عادی

- ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «اشخاصی که کارمند یا مسؤول دولتی نیستند هر گاه مرتکب یکی از جرائم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا پرداخت پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»
- با توجه به اینکه جعل معنوی

جرم جعل مادی توسط کارمندان دولت

- ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضائی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایف‌شان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از ۱ تا ۵ سال یا به پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

با توجه به ماده ۵۳۴ ق.م.ا تعزیرات رفتار مجرمانه در جعل معنوی یا مفادی (که تنها از سوی کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورن به خدمات عمومی در راستای انجام وظایف‌شان قابل ارتکاب باشد و نه توسط افراد عادی) عبارت است از یکی از اعمال زیر است:

۱. تغییر موضوع یا مضمون نوشته
۲. تحریف گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی
۳. تحریف تقریرات یکی از طرفین
۴. امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل جلوه دادن
۵. چیزی که به آن اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دادن

جرم جعل در اسناد و نوشته‌های غیر رسمی (اسناد عادی) توسط کلیه افراد

ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس در اسناد یا نوشته‌های غیر رسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا به بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

- ✓ مواد ۵۳۲ و ۵۳۳ ق.م.ا تعزیرات، ناظر به جعل در اسناد و نوشته‌های رسمی به ترتیب از سوی کارمندان و مسؤولان دولتی و افراد عادی و ماده فوق ناظر بر جعل اسناد و نوشته‌های غیررسمی (عادی) از سوی کلیه افراد (اعم از کارمندان و مسؤولان دولتی و سایر افراد) یا استفاده از آن است؛ بنابراین در فرضی که یکی از رؤسای دولتی اقدام به جعل اجارنامه نماید، به جرم وی بر مبنای فوق رسیدگی خواهد شد.
- ✓ جعل و استفاده از سند مجعول در زمره جرائم غیرقابل گذشت هستند؛ ولی استثنائاً به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، جرم موضوع ماده فوق در زمره جرائم قابل گذشت محسوب شده و مدت حبس آن نصف می‌شود و بنابراین مدت حبس جرم فوق از ۳ ماه تا ۱ سال خواهد بود.

جعل در اسناد (جعل مادی)			
نوع سند	ارتکاب توسط	میزان مجازات	ماده قانونی
رسمی	کارمندان و مسؤولان دولتی در راستای اجرای وظیفه	حبس از ۱ تا ۵ سال یا پرداخت پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی	ماده ۵۳۲ ق.م.ا تعزیرات
رسمی	افراد عادی	حبس از ۶ ماه تا ۳ سال یا پرداخت پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی	ماده ۵۳۳ ق.م.ا تعزیرات
عادی	همه افراد	حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی	ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات

جرم عکس‌برداری از اوراق هویت و مدارک دولتی و عمومی

ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «عکس‌برداری از کارت شناسائی، اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود باید ممهور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان این گونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آنها به جای اصلی عالماً عامداً علاوه

بر جبران خسارت به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و یا به بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

✓ شرایط تحقق جرم فوق:

۱. عکس برداری از اسناد و مدارک مندرج در قانون باشد؛ بنابراین عکس برداری از اسناد و مدارکی که از سوی دولت یا سایر نهادهای رسمی صادر نشده است، مشمول ماده فوق نخواهد بود.

۲. سند و مدرک باید دارای اصالت باشد، و گر نه عکس برداری از کارت ملی، شناسنامه یا سایر اوراق جعلی اساساً جرم محسوب نمی‌شود.

۳. عکس برداری باید موجب اشتباه با اصل شود؛ بنابراین در فرضی که فتوکپی یا تصویر آن مدرک، به نحوی گرفته شده باشد، که نوعاً موجب اشتباه سایرین با اصل نشود و همه کپی بودن آن را تشخیص دهند، مشمول این ماده نخواهد بود، ولو آن که مرتکب بخواهد آن را به جای اصل ارائه بدهد، همچنانکه اگر اسناد فوق دارای مهر یا علامتی باشد که غیر اصلی بودن آن را نشان دهد، این جرم محقق نمی‌شود ولو آن که مشابه نسخه اصلی باشد؛ زیرا مهر یا علامت مذکور نشان‌دهنده غیر اصلی بودن آن است.

۴. مرتکب باید قصد ارائه این اسناد را به جای سند اصلی داشته باشد، و گر نه به دلیل فقدان عنصر روانی، رفتار او فاقد عنوان مجرمانه است، البته جرم فوق در زمره جرائم مطلق است و همین که شخص با قصد مجرمانه اقدام به عکس برداری از اسناد فوق نماید، این جرم محقق شده است، ولو آن که در عمل موفق به استفاده از آن نشود.

✓ کسانی که اقدام به استفاده از مدارک فوق می‌نمایند، نیز به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردند، البته ارائه این اسناد و مدارک باید «بجای اصلی» باشد؛ بنابراین در فرضی که از شخصی فتوکپی کارت ملی درخواست شود و او فتوکپی غیرممه‌ور را که کاملاً مشابه اصلی است، ارائه کند، مرتکب جرم فوق نشده است؛ زیرا مدرک مزبور را به جای اصلی ارائه نداده است، همچنین در فرضی که شخصی از گواهینامه دیگری عکس گرفته و صاحب گواهینامه به تصور اینکه نسخه اصلی است، آن را به مأمور راهنمایی و رانندگی ارائه کند، به دلیل جهل موضوعی و فقدان عنصر معنوی، جرم محسوب نمی‌شود.

✓ قید «به جای اصلی» در عبارت «تهیه‌کنندگان این گونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آنها به جای اصلی عالماً عامداً» هم به تهیه‌کنندگان و هم به استفاده‌کنندگان برمی‌گردد.

✓ گاهی عکس برداری و ارائه سند از سوی یک نفر انجام می‌شود، در این موارد همین که مرتکب با قصد مجرمانه اقدام به عکس برداری نموده باشد، جرم مزبور محقق می‌شود، ولو آنکه در استفاده از آن دچار اشتباه نشده و اتفاقاً عکس را به جای سند اصلی ارائه داده باشد، برای مثال در فرضی که شخصی از دانشنامه لیسناس خود به قصد ارائه آن به جای مدرک اصلی عکس بگیرد و به اشتباه آن را به اداره کارگزینی یک اداره ارائه دهد، مرتکب این جرم شده است، حتی اگر واقعاً قصد ارائه سند اصلی را داشته و اشتباهاً تصویر آن را ارائه داده باشد؛ زیرا قصد مجرمانه را در عکسبرداری داشته است، حتی اگر در استفاده از آن اشتباه کرده باشد.

جرم جعل گواهی پزشکی از سوی افراد عادی

ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از ۶ ماه تا ۱ سال یا به بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا هفتاد میلیون (۷۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

✓ ماده فوق ناظر بر جعل گواهی پزشکی از سوی اشخاص عادی و ماده ۵۳۹ ق.م.ا تعزیرات ناظر بر صدور گواهی خلاف واقع از سوی پزشک است، در رابطه با افرادی که به دروغ خود را به جای پزشک معزفی کرده و اقدام به جعل گواهی مزبور نمایند، دادگاه بر اساس ماده فوق، مجازات تعیین می‌کند و چنانچه مرتکب در ازای آن پول هم گرفته باشد، به مجازات کلاهبرداری نیز محکوم خواهد شد.

✓ ماده فوق تنها شامل موردی نیست که کسی از تا انتهای یک گواهی پزشکی را جعل کند، بلکه شامل مواردی هم که کسی در گواهی پزشکی دست ببرد، نیز می‌شود؛ به طور مثال هرگاه کسی نام دیگری را از یک گواهی پزشکی حذف و نام خود را به آن اضافه نماید، مضمول ماده فوق است.

- ✓ در فرضی که شخصی بدون جعل گواهی‌نامه پزشک، مهر او را بدون رضایت وی مورد استفاده قرار داده و ذیل گواهی‌نامه بزند، مشمول ماده فوق خواهد بود؛ زیرا به صراحت ماده ۵۲۳ ق.م.ا تعزیرات استفاده از مهر دیگری بدون اجازه او نیز جعل محسوب می‌شود. همچنین در مواردی که اصل گواهی از سوی پزشک صادر شده و مرتکب در بخش‌هایی از آن دست‌برد نیز مشمول ماده ۵۲۳ ق.م.ا تعزیرات است؛ به عبارت دیگر برای تحقق این جرم ساختن کل گواهی پزشکی از سوی مرتکب لازم نیست و اگر در گواهی صادر از سوی پزشک دست‌برد نیز به مجازات مزبور محکوم خواهد شد.
- ✓ منظور از عبارت «توسط دیگری» در ماده فوق همان مباشر معنوی است، برای مثال در فرضی که شخصی، دیگری را اکراه کند تا اقدام به جعل گواهی پزشکی برای معافیت او نماید، تمام مسئولیت کیفری متوجه سبب اقوی از مباشر (مباشر معنوی)؛ یعنی شخص اکراه‌کننده است.
- ✓ جعل گواهی پزشک در صورتی مشمول ماده فوق است که برای معافیت از خدمت دولتی یا نظام وظیفه صورت گرفته باشد؛ بنابراین در فرضی که کارمند یک شرکت خصوصی برای گرفتن مرخصی استعلاجی یا یک دانشجو برای موجه جلوه دادن غیبت خود در طول ترم تحصیلی، اقدام به جعل گواهی پزشکی نمایند، رفتار آنان جعل عادی محسوب می‌شود و تحت شمول ماده فوق قرار نمی‌گیرد.
- ✓ منظور از «معافیت» در ماده فوق لزوماً معافیت دائمی نیست و صرف عدم حضور در محل خدمت نظام وظیفه یا دولتی - ولو برای چند روز - نیز مشمول همین ماده است (مانند جعل گواهی پزشکی از سوی سرباز برای موجه نشان دادن غیبت چند روزه‌اش).
- ✓ جرم فوق در زمره جرائم مطلق است و برای تحقق آن نیازی به تحقق نتیجه و معافیت از خدمت نیست، البته به نظر می‌رسد برای تحقق این جرم، صرف صدور گواهی پزشکی کفایت نمی‌کند و حداقل باید به نهادهای مزبور ارائه شود، ولو آن که در عمل منتهی به معافیت مرتکب نشود.

جرم صدور گواهی خلاف واقع از سوی پزشک

- ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات:** «هر گاه طبیب تصدیق‌نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی بدهد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا به بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. و هر گاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.»
- ✓ در ماده فوق خود پزشک اقدام به صدور گواهی خلاف واقع می‌نماید و به همین دلیل قانونگذار برخلاف ماده ۵۳۸ ق.م.ا تعزیرات از لفظ «جعل» استفاده ننموده است، چرا که پزشک در صدور گواهی دارای صلاحیت است، ولی در صدور آن خلاف حقیقت را بیان نموده است.
 - ✓ تفاوت میان جرائم موضوع ماده ۵۳۸ و ۵۳۹ ق.م.ا تعزیرات:
 - ۱. هر فردی می‌تواند مرتکب جرم ماده ۵۳۸ شود، ولی فقط پزشک می‌تواند مرتکب جرم ماده ۵۳۹ شود.
 - ۲. در ماده ۵۳۸ به «دادگاه» و در ماده ۵۳۹ به «مراجع قضائی» اعم از دادسرا یا دادگاه اشاره شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، جعل گواهی پزشکی برای تقدیم به دادسرا از سوی اشخاص عادی، جعل عادی محسوب می‌شود.
 - ۳. در ماده ۵۳۸ به معافیت از خدمت در «دولت» و در ماده ۵۳۹ به معافیت از خدمت در «ادارات رسمی» اشاره شده است؛ بنابراین ظاهراً ماده ۵۳۹ علاوه بر نهادهای دولتی شامل نهادهای غیردولتی عمومی هم می‌شود.
 - ✓ در ماده فوق نیز همانند ماده ۵۳۸ ق.م.ا تعزیرات، تحقق جرم مستلزم صدور گواهی برای معافیت دائم نیست و شامل معافیت موقتی مانند مرخصی یا بستری شدن در بیمارستان هم می‌شود.
 - ✓ قانونگذار در قسمت اخیر ماده فوق برای فرضی که پزشک در قبال صدور گواهی‌نامه، مال یا وجهی دریافت کند، مجازات ارتشاء را در نظر گرفته است، در این فرض بحث جمع مجازات‌ها منتفی است و مرتکب صرفاً به مجازات رشوه محکوم می‌گردد و قانونگذار چنین مقرر نکرده است که مرتکب علاوه بر مجازات این ماده، به مجازات رشوه نیز محکوم می‌گردد.

- ✓ مطابق ماده ۵۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: «هر پزشکی که عمداً بر خلاف واقع گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون را صادر یا با سوءنیت از دادن گواهی مذکور خودداری کند، بار اول به محرومیت درجه ۶ موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به طبابت و بار دوم و بالاتر به حداکثر مجازات مذکور محکوم می‌شود»
- ✓ مطابق ماده ۷۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی که موجبات معافیت یا اعزام مشمولی را به خدمت وظیفه عمومی بر خلاف مقررات فراهم سازد و یا سبب شود نام کسی که مشمول قانون خدمت وظیفه عمومی است در فهرست مشمولان ذکر نگردد و یا شخصاً یا به واسطه دیگری اقدام به صدور گواهی یا تصدیق نامه خلاف واقع در امور نظام وظیفه یا غیر آن نماید چنانچه اعمال مذکور به موجب قوانین دیگر مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از ۱ تا ۵ سال و یا شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) تا دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.
- تبصره ۱- هرکس با علم و اطلاع، از اوراق و تصدیق نامه‌های خلاف واقع مذکور در این ماده استفاده نماید و یا امتیازاتی کسب کند به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و یا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم و در هر صورت امتیاز مکتسبه لغو می‌گردد.
- تبصره ۲- مرتکبان جرائم مذکور چنانچه برای انجام اعمال فوق مرتکب جرم ارتشاء نیز شده باشند به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردند.»

جرم صدور گواهی خلاف واقع

- ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «برای سایر تصدیق نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به هشت میلیون (۸/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ✓ جرم موضوع ماده فوق نیز همچون ماده ۵۳۹ ق.م.ا تعزیرات صدور گواهی تصدیق خلاف واقع است. لیکن حکم مقرر در این ماده منصرف از گواهی‌هایی است که در ماده ۵۳۹ ق.م.ا تعزیرات به آن اشاره شده است و به دلیل اهمیت کمتر این گواهی‌ها، قانونگذار نیز برای جرم فوق، مجازات خفیف‌تری در نظر گرفته است.
- ✓ جرم فوق بر خلاف جرائم موضوع مواد ۳۸ و ۵۳۹ ق.م.ا تعزیرات، جرمی مقید بوده و تحقق آن منوط به آن است که منتهی به ورود ضرر به شخص ثالث یا خزانه دولت شود. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵۲ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «چنانچه گزارش خلاف واقع موجب زیان شخص ثالث یا تضییع خزانه دولت گردد به مجازات مقرر در ماده ۵۴۰ ق.م.ا تعزیرات محکوم می‌شود و اگر موجب ضرر نگردد، عمل او تخلف انتظامی بوده و قابل تعقیب در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری می‌باشد»

اقسام خاص جعل

جعل رایانه‌ای

- مواد ۶ و ۷ قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵، جعل رایانه‌ای و استفاده آن در جرائم رایانه‌ای را مورد پیش‌بینی قرار داده است:
- ماده ۶ قانون فوق: «هرکس به طور غیرمجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از ۱ تا ۵ سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یک صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:
- الف - تغییر یا ایجاد داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا واردکردن متقلبانه داده به آنها،
- ب - تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علائم به آنها.»
- در رابطه با حکم مقرر در ماده فوق نکات ذیل قابل توجه است:

✓ جعل رایانه‌ای به معنای تغییر یا ایجاد یک داده رایانه‌ای است، مانند فرضی که مرتکب با مراجعه به صفحه کاربری استاد خود، نمره پایان ترم خود را در سامانه دانشگاهی، تغییر دهد؛ بنابراین در مواردی که شخص از طریق رایانه‌ای، اسناد و نوشته‌های عادی (غیر رایانه‌ای) را تغییر دهد، رفتار او مشمول جعل عادی موضوع ماده ۵۲۳ ق.م.ا تعزیرات می‌باشد مانند اینکه مرتکب به جای استفاده از خودکار، مداد، جوهر و ... از رایانه استفاده نموده است، برای مثال رفتار شخصی که برای دست بردن در گذرنامه دیگری از رایانه استفاده کند، جعل عادی است که به وسیله رایانه ارتکاب یافته است یا در فرضی که شخصی با استفاده از رایانه مبلغ یا مدت چک کاغذی را تغییر دهد، رفتارش جعل عادی محسوب می‌شود، در حالی که اگر این اقدامات را بر روی چک الکترونیکی انجام دهد به دلیل تغییر در داده پیام‌های رایانه‌ای که در سامانه بانک مرکزی ثبت شده‌اند، مرتکب جعل رایانه‌ای شده‌اند.

✓ با توجه به بند (ب) ماده ۶ قانون جرائم رایانه‌ای، علاوه بر تغییر داده‌ها، تغییر علائم موجود در کارت‌های حافظه یا تراشه‌ها هم جعل رایانه‌ای محسوب می‌شود.

✓ با توجه به ماده ۵۲۳ ق.م.ا تعزیرات و عدم تصریح به مواردی مانند عکس، تصویر یا صدای دیگری، تغییر در این موارد را نمی‌توان جعل دانست، در حالی که اگر این موارد به شکل داده رایانه‌ای درآمده باشد، مانند عکسی که در سیستم دانشگاهی ثبت شده است، همگی مشمول جعل رایانه‌ای خواهند بود؛ زیرا داده رایانه‌ای صرفاً شامل برنامه رایانه‌ای نمی‌شود و اعم است از برنامه، نوشته، صدا یا تصویر. در این مورد باید به ۲ نکته مهم توجه نمود:

۱. قانونگذار تغییر یا ایجاد هر نوع داده رایانه‌ای را جعل ندانسته و تحقق جعل صرفاً نسبت به داده‌های قابل استناد امکان‌پذیر دانسته است. منظور از داده قابل استناد، داده‌ای است که محاکم آن را به رسمیت شناخته و ارزش اثباتی داشته باشد و همان گونه که سند عادی در مواردی فاقد ارزش است، ممکن است گاهی داده رایانه‌ای هم فاقد اعتبار باشد. مطابق ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، داده‌های رایانه‌ای همانند دیگر ادله و با رعایت شرایط قانونی دارای ارزش اثباتی هستند و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی «داده پیام» را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد. همچنین مطابق ماده ۱۳ قانون تجارت الکترونیکی: «به طور کلی، ارزش اثباتی «داده پیام» ها با توجه به عوامل مطمئن از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله «داده پیام» تعیین می‌شود.»

۲. تغییر و تحریف همواره مشمول عنوان مجرمانه جعل رایانه‌ای نیست؛ قانونگذار در ماده ۱۰ قانون جرائم رایانه‌ای مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذرواژه یا رمزنگاری داده‌ها با رعایت سایر شرایط، تخریب رایانه‌ای و در ماده ۱۶ قانون جرائم رایانه‌ای تغییر یا تحریف فیلم یا صوت یا تصویر دیگری همراه با انتشار آن، با رعایت سایر شرایط، هتک حیثیت رایانه‌ای دانسته است.

ماده ۷ قانون فوق: «هرکس با علم به مجعول بودن داده‌ها یا کارت‌ها یا تراشه‌ها از آنها استفاده کند، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد.»

✓ استفاده از داده‌های رایانه‌ای مجعول، جرم مستقلی محسوب می‌شود و چنانچه خود جاعل اقدام به استفاده از این داده‌ها نموده باشد، رفتار او از مصادیق تعدد مادی جرائم مختلف به شمار می‌رود.

جعل ارتكابی توسط مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک

در قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶، ارتکاب برخی از اعمال از سوی مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک موجب جاعل شناخته شدن آنها دانسته شده است:

مطابق ماده ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر یک از مستخدمین و اجزاء ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر رسمی عامداً یکی از جرم‌های ذیل را مرتکب شود جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است محکوم خواهد شد: اولاً- اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند.

ثانیاً- سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید.

ثالثاً- سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند ثبت کند.

رایعاً - تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند.

خامساً - تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد.

سادساً - اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند.

سابعاً - سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده ثبت کند.

و همچنین ماده ۱۰۳ قانون ثبت اسناد و املاک: «هر یک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک عامداً تصدیقاتی دهد که مخالف واقع باشد در حکم جاعل اسناد رسمی خواهد بود»

جعل ارتكابی در اسناد سجلی

قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه، مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۵ (مجمع تشخیص مصلحت نظام) مواردی از جعل اسناد سجلی را پیش‌بینی کرده است:

ماده ۱۰ قانون فوق: «هر کس در شناسنامه یا اسناد سجل خود یا دیگری هر گونه خدشه (از قبیل خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن) وارد نماید به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. در صورتی که اقدامات مذکوره به قصد متقلبانه انجام یافته باشد، مرتکب به مجازات جعل در اسناد رسمی به کیفیت مقرر در قوانین جزائی محکوم می‌شود. در صورت تکرار دادگاه مکلف به تعیین حداکثر مجازات می‌باشد»

ماده ۱۳ قانون فوق: «هر کس اقدام به چاپ غیر مجاز اوراق و اسناد سجلی و یا، ساخت و تهیه غیر مجاز مهرهای سجل و یا سرقت آن نماید به حبس از ۲ سال تا ۵ سال و پرداخت جزای نقدی از صد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سیصد و پنجاه میلیون (۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم می‌شود و در صورت تکرار به اشد هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

ماده ۱۴ قانون فوق: «هر کس از اوراق چاپی مذکور در ماده فوق با علم و آگاهی استفاده نماید به حبس از ۱ سال تا ۳ سال و به پرداخت جریمه از پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.»

ماده ۲ قانون فوق: «اشخاص زیر به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال و یا به پرداخت جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) تا هفتاد میلیون (۷۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند:

الف - اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت بر خلاف واقع اظهاری نمایند.

ب - اشخاصی که عالماً عامداً پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده نموده یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی‌علیه و یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده نمایند. افرادی که شناسنامه خود را در اختیار استفاده‌کنندگان فوق قرار دهند به همان مجازات محکوم می‌شوند.

ج - ماما یا پزشکی که در مورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند.

د - اشخاصی که در مورد ولادت یا وفات شهادت دروغ بدهند و شهادت آنان در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات مؤثر واقع شود.»

جعل ارتكابی از سوی نظامیان

جعل و تزویر ارتكابی از سوی نظامیان در مواد ۹۵ الی ۱۰۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ این جرائم از قرار ذیل است:

جعل و استفاده از سند مجعول توسط افراد نظامیان	
شماره ماده مطابق با قانون جرائم نیروهای مسلح	رفتار مجرمانه ارتكابی توسط فرد نظامی
ماده ۹۵ ق.م.ج.ن.م	۱. جعل حکم یا امضاء یا مهر یا فرمان یا دستخط فرمانده کل قوا ۲. استعمال موارد فوق با علم به جعل و تزویر
ماده ۹۶ ق.م.ج.ن.م	۱. جعل حکم یا امضاء یا مهر یکی از فرماندهان یا مسؤولان نیروهای مسلح در رده فرماندهی یا هم‌طرز و بالاتر به اعتبار مقام آنان ۲. استعمال موارد فوق با علم به جعلی بودن
ماده ۹۷ ق.م.ج.ن.م	۱. جعل حکم یا امضاء یا مهر سایر فرماندهان و مسؤولان نیروهای مسلح را به اعتبار مقام آنان ۱. استعمال موارد فوق با علم به جعلی بودن
ماده ۹۸ ق.م.ج.ن.م	۱. جعل مهر یکی از نیروهای مسلح به مباشرت یا با واسطه ۲. استعمال مهر با علم به جعلی بودن
ماده ۹۹ ق.م.ج.ن.م	۱. جعل منگنه یا علامت یکی از نیروهای مسلح به مباشرت یا با واسطه ۲. استعمال منگنه یا علامت با علم به جعلی بودن
ماده ۱۰۰ ق.م.ج.ن.م	استفاده غیرمجاز یا فراهم کردن موجبات استفاده غیرمجاز مهر یا تمبر یا علامت یکی از نیروهای مسلح یا سازمان‌ها یا ادارات و شرکت‌های وابسته آنان که بدون مجوز از طریق مرتکب به دست آمده است
ماده ۱۰۱ ق.م.ج.ن.م	استفاده غیرمجاز یا سبب استفاده غیرمجاز مهر، تمبر یا علائم مذکور در ماده ۱۰۰ ق.م.ج.ن.م که به مرتکب سپرده شده‌اند.
ماده ۱۰۳ ق.م.ج.ن.م	جعل مادی در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و آمار و محاسبات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی مربوط به امور نظامی یا راجع به وظایف نظامی
ماده ۱۰۴ ق.م.ج.ن.م	جعل معنوی در نوشته‌ها، قراردادها و مقاوله‌نامه‌های راجع به وظایف نظامی
ماده ۱۰۵ ق.م.ج.ن.م	استفاده عالمانه از سند مجعول مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ ق.م.ج.ن.م
ماده ۱۰۶ ق.م.ج.ن.م	جعل در اسناد و نوشته‌های غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه (اعم از جعل مادی و معنوی)
ماده ۱۰۷ ق.م.ج.ن.م	استفاده عالمانه از اسناد مجعول ماده ۱۰۶ ق.م.ج.ن.م

ذکر تاریخ مقدم توسط ظهنویس

مطابق ماده ۲۴۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳: «هر گاه ظهن‌نویس در ظهن‌نویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می‌شود.»

انتقال مال غیر به وسیله سند رسمی

مطابق ماده ۸ قانون راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸/۱/۵: «کسانی که معاملات تقلبی مذکوره در مواد فوق را به وسیله اسناد رسمی نموده یا بنمایند جاعل در اسناد رسمی محسوب و مطابق قوانین مربوطه به این موضوع مجازات خواهند شد.»
مطابق ماده

جعل در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

مطابق ماده ۳۳ قانون فوق: «هر کس در اسناد مُثَبِّتِ گمرکی اعم از کتبی یا رقومی (دیجیتالی)، مهر و موم یا پلمب گمرکی و سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات، شناسه کالا و رهگیری، مرتکب جعل گردد و یا با علم به جعلی بودن، آنها را مورد استفاده قرار دهد، حسب مورد علاوه بر مجازات حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کالای موضوع اسناد مجعول محکوم می‌شود.

تبصره - خرید و فروش اسناد اصیل گمرکی که قبلاً در ترخیص کالا استفاده شده است و همچنین استفاده مکرر از آن اسناد، جرم محسوب و مرتکب به مجازات فوق محکوم می‌شود.»

جعل توسط کارشناس

مطابق ماده ۲۸ قانون راجع به کارشناسات رسمی مصوب ۱۳۱۷/۲/۲۳: «هر گاه کارشناس ضمن اظهار عقیده برخلاف مشهودات خود چیزی بنویسد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌شود. هر گاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی خود راجع به امر جنحه و یا حقوقی تمام واقع را ذکر نکند به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. هر گاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی راجع به امر جنایی تمام واقع را ذکر نکند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد به حبس با کار از سه سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. هر گاه کارشناس در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوء نیت تغییر بدهد اگر کارشناسی برای امر جنحه یا حقوقی باشد به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال و اگر برای امر جنایی باشد به حبس مجرد از سه سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات‌های مذکور در این قانون در صورتی اعمال می‌شود که عمل مشمول مقررات شدیدتری نباشد و اگر نه مجازات اخیر اعمال خواهد شد. اگر گزارش خلاف واقع در حکم دادگاه مؤثر شده باشد کارشناس به یک درجه مجازات بالاتر از مجازات مذکور در فوق محکوم خواهد شد. مفاد این ماده نسبت به کارشناسان غیر رسمی نیز رعایت خواهد شد.»

جعل در قانون کارشناسان رسمی دادگستری

مطابق ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱: «هرگاه کارشناس رسمی با سوء نیت ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی برخلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی تمام واقع را ذکر نکند و یا برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوء نیت تغییر بدهد به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه مؤثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین‌شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم‌الرعايه می‌باشد.»

جرائم مرتبط با جرم جعل

جرم استفاده از سند مجعول

عناصر تشکیل‌دهنده جرم استفاده از سند مجعول

عنصر قانونی جرم استفاده از سند مجعول: قانونگذار در مواد ۵۲۳ تا ۵۴۲ ق.م.ا تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، در اکثر موارد به موازات جرم‌انگاری جعل به جرم‌انگاری استفاده از سند مجعول و تعیین مجازاتی برابر با مجازات جرم جعل، برای آن پرداخته است، مواد قانونی جرم‌انگاری جرم استفاده از سند مجعول از قرار ذیل است:

- ماده ۵۳۵ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۲۴ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۲۵ ق.م.ا تعزیرات

- انتهای ماده ۵۲۶ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۲۷ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۲۸ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۲۹ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۳۰ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۳۶ ق.م.ا تعزیرات
- انتهای ماده ۵۳۷ ق.م.ا تعزیرات

عنصر مادی جرم استفاده از سند مجعول: عنصر مادی جرم استفاده از سند مجعول متشکل از ۳ جزء عبارت است از: ۱- رفتار مجرمانه در جرم استفاده از سند مجعول ۲- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول ۳- نتیجه حاصله جرم استفاده از سند مجعول
رفتار مجرمانه در جرم استفاده از سند مجعول: منظور از استفاده از سند مجعول، استفاده عملی از آن نیست و صرف ارائه آن برای تحقق این جرم کفایت می‌کند؛ بنابراین در فرضی که شخص با گذرنامه جعلی قصد خروج از کشور را داشته باشد و با ارائه آن برای دریافت بلیت، از سوی مأموران فرودگاه دستگیر شود، مرتکب استفاده از سند مجعول شده است. همچنان که اگر کسی با شناسنامه جعلی دیگری، قصد دریافت یارانه را داشته باشد و به محض ارائه آن، مجعول بودن شناسنامه محرز و دستگیر شود، جرم استفاده از سند مجعول محقق شده است؛ بنابراین رفتار مجرمانه جرم استفاده از سند مجعول به صورت فعل محقق شده و اعم از رفتارهای ذیل است:

- صرف به کار بردن سند مجعول
 - صرف تسلیم سند مجعول
 - صرف ارائه سند مجعول
 - صرف انتشار سند مجعول
 - صرف واگذار نمودن سند مجعول
 - صرف استعمال سند مجعول
 - صرف استعمال سند مجعول
 - صرف استناد سند مجعول
 - صرف مبادله سند مجعول
- حتی اگر فایده عملی از سند نبرده باشد.

شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول: مجعول بودن سند یا شیء موضوع جرم
نتیجه حاصله جرم استفاده از سند مجعول

- استفاده از سند مجعول، جرم مطلق است و ورود ضرر با فعل شرط نیست.
- صرف قابلیت اضرار کافی است.

عنصر روانی جرم استفاده از سند مجعول

علم به موضوع: مرتکب جرم استفاده از سند مجعول باید بداند که عملی که انجام می‌دهد بر روی سند یا نوشته یا شیء مجعول است و در صورتی که علم به جعلی بودن موضوع جرم نداشته باشد، انتساب جرم به او منتفی است.

سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم استفاده از سند مجعول نیز مرتکب باید در ارتکاب رفتار مجرمانه عمد داشته باشد.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، ولی در جرم استفاده از سند مجعول نیز که یک جرم مطلق است، سوء نیت خاص شرط نیست و صرف استفاده از سند مجعول، جرم محقق می‌شود؛ به عبارت دیگر

استفاده از سند مجعول، همچون جعل جرمی مطلق است و به صرف ارائه آن، این جرم محقق می‌شود؛ اعم از آن که مرتکب واقعاً در عمل موفق به استفاده از آن بشود یا نه.

در مورد جرم استفاده از سند مجعول نکات ذیل قابل توجه است:

✓ در استفاده از سند مجعول برخلاف جعل، شروع به جرم قابل تصور نیست؛ یعنی یا سند مجعول ارائه می‌شود که در این صورت جرم تمام می‌شود و یا ارائه نمی‌شود که اساساً بحث استفاده از سند مجعول منتفی است.

• **سوال:** اگر شخصی اقدام به جعل نموده و خودش از آن استفاده کند، مرتکب جرم واحد شده است یا جرائم متعدّد؟

✓ **پاسخ:** جعل و استفاده از سند مجعول از سوی یک نفر، جرائم متعدّد محسوب می‌شوند که در این موارد مجازات مرتکب بر مبنای مقررات تعدّد مادی تعیین می‌شود. در مواردی که جعل و استفاده از سند مجعول تنها با یک عمل صورت گرفته باشد، رفتار مرتکب را نمی‌توان از مصادیق تعدّد جرم دانست و مرتکب تنها به مجازات جعل محکوم می‌شود؛ بنابراین در فرضی که شخصی به جای دیگری برگه دریافت بار را در اداره پست امضاء کند و بار را تحویل بگیرد، تنها مرتکب جعل شده است؛ زیرا در عالم بیرون تنها یک رفتار از او سر زده است (یعنی امضای بارنامه) و به صرف امضاء، بسته پستی در اختیار او قرار گرفته است.

✓ استفاده از سند مجعول در مورد سندی متصور است که خودش مجعول باشد، وگرنه بحث استفاده از سند مجعول در مورد سندی غیر جعلی سالبه به انتفاء موضوع است. برای مثال در فرضی که شخصی در فتوکپی غیرمصدّق شناسنامه‌اش، دست برده و سنّ خود را کاهش داده و از آن طریق بتواند در آزمون ورودی یک مدرسه شرکت کند، مرتکب هیچ جرمی نشده است. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۵۶۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «نظر به اینکه فتوکپی سند فی نفسه فاقد اعتبار می‌باشد و شخصی که فتوکپی سندی را به دادگاه تقدیم نماید، بر اساس ماده ۱۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۹۶ فعلی ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹) باید اصل سند را برای ارائه در دادگاه و ملاحظه طرف دعوی به دادگاه ارسال نماید، صرف ارائه فتوکپی مصدّق سندی که اصل آن در اختیار نیست، فاقد وصف کیفری است؛ مگر آن که تهیه فتوکپی اسناد اعم از عادی یا رسمی تصدیق شده باشد (که در این صورت) جعل در آنها و نیز استفاده از آن جرم و مرتکب قابل تعقیب کیفری است» با توجه به این مطلب درمی‌یابیم که ارائه سندی که اصالت داشته، اما اعتبار خود را از دست داده است، استفاده از سند مجعول تلقی نمی‌شود؛ زیرا سند ارائه شده مجعول نیست، بلکه بی اعتبار و خالی از وجه است؛ بنابراین در فرضی که شخصی گواهینامه رانندگی خود را که تاریخ آن منقضی شده است، به مأمور راهنمایی و رانندگی بدهد، مرتکب استفاده از سند مجعول نشده است، یا در فرضی که خانواده شخص متوفی با ارائه شناسنامه او اقدام به دریافت یارانه کنند، عمل آنها استفاده از سند مجعول محسوب نمی‌شود؛ البته بدیهی است در مواردی که در اصل شناسنامه دست ببرند و مثلاً مهر «باطل شد» را از سوی آن پاک کنند، به دلیل تحقق جعل، مرتکب استفاده از سند مجعول هم شده‌اند.

✓ برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول، ضرورتی به ارائه آن به شخص حقیقی نیست و هرگونه به کار بردن آن مشمول این جرم خواهد بود؛ بنابراین در فرضی که شخصی با استفاده از کارت سوخت جعلی موفق به دریافت بنزین شود، مرتکب جرم مذکور شده است، همچنین که اگر کسی با اسکن کردن مدارک تقلبی خود و بازگذاری آن در سایت سازمان سنجش، در آزمون سراسری دانشگاه‌ها شرکت کند، مرتکب جرم استفاده از سند مجعول شده است.

✓ همان گونه که ساختن اسناد جعلی متعدّد از سوی یک نفر (ولو بای هدف واحد مانند معافیت از سربازی) تعدّد جرم محسوب می‌شود، استفاده از سند مجعول در چند نوبت نیز مشمول تعدّد جرم خواهد بود؛ بنابراین در فرضی که شخصی با گذرنامه جعلی، چند بار از کشور خارج شود، مرتکب جرائم متعدّد شده است و دادگاه با رعایت قواعد تعدّد جرم اقدام به تعیین مجازات برای او می‌نماید.

✓ همان گونه که بیان شد، جعل و استفاده از سند مجعول از سوی شخص واحد از مصادیق تعدّد مادی جرم مختلف است، حالی در صورتی که مرتکب با استفاده از سند مجعول موفق به ارتکاب جرم دیگری (مانند کلاهبرداری) شود، رفتار او از مصادیق تعدّد معنوی محسوب می‌شود؛ بنابراین رفتار شخصی که اقدام به جعل سند رسمی آپارتمانی نموده و با ارائه آن به عنوان مالک، آن را بفروشد، هم مشمول تعدّد مادی (به دلیل جعل و فروش مال غیر) و هم مشمول تعدّد معنوی (به دلیل استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری) می‌باشد.

✓ در جعل و استفاده از سند مجعول، همچون جرائم عمدی دیگر، علم و عمد مرتکب در ارتکاب جرم لازم است؛ بنابراین در فرضی که شخصی بدون اطلاع از مجعول بودن سند، اقدام به استفاده از آن نماید، به دلیل جهل موضوعی اساساً مرتکب جرم نشده است، همچنان که اگر شخص با تصور اینکه سند، جعلی است، در آن دست ببرد، به دلیل عدم آگاهی از اصلی بودن سند، جاعل محسوب نمی‌شود.

جرم شرکت در آزمون جای دیگری

ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به جای داوطلب اصلی هر یک از آزمون‌ها اعم از کنکور ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجو به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستان‌ها، مدارس راهنمایی و هنرستان‌ها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به هشت میلیون (۸/۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

✓ از مصادیق مقرر در ماده فوق چنین برمی‌آید که تحقق این جرم منوط به آن است که مرتکب در آزمون‌های مراکز رسمی مانند امتحانات دانشگاه‌ها مدارس و ... شرکت نماید و شامل شرکت در آزمون‌هایی مانند راهنمایی و رانندگی، آزمون وکالت، آزمون قضاوت نمی‌شود، البته اداره حقوقی قوه قضاییه با توجه به اطلاق ماده فوق و عبارت «هر یک از آزمون‌ها» این نظر را مورد پذیرش قرار نداده است؛ مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۶/۲/۱۴ اداره حقوقی قوه قضاییه: «با توجه به عموم و اطلاق ماده ۵۴۱ ق.م.ا (تعزیرات) تقلب در امتحانات راهنمایی و رانندگی نیز جرم است»

✓ در مواردی که مرتکب برای شرکت در آزمون به جای دیگری، اقدام به جعل کارت نموده یا عکس ممهور خود را به کارت داوطلب اصلی بچسباند و در آزمون شرکت نماید، رفتار وی از مصادیق تعدد جرم یعنی جعل، استفاده از سند مجعول و شرکت در آزمون به جای دیگری است.

✓ از عبارت «شرکت نماید» چنین برمی‌آید که برای تحقق جرم فوق مرتکب باید حداقل در بخشی از آزمون شرکت کرده باشد و در فرضی که قبل از شرکت در جلسه آزمون، هویت او احراز و دستگیر شود، مشمول ماده فوق نخواهد شد، از سوی دیگر در فرضی که شخصی به جای خود در آزمون حاضر شده و ورقه دیگری را از او گرفته و به جای او، به سوالات پاسخ دهد، مشمول ماده فوق نیست؛ زیرا به جای خودش (نه به جای دیگری) در آزمون شرکت کرده و صرفاً ورقه دیگری را به جای او پاسخ داده است.

جرم قلب سکه و جرائم مرتبط با آن

منظور از ساختن سکه تقلبی آن است که مرتکب با تهیه کردن مقداری از فلزاتی که در سکه اصلی به کار رفته‌اند و فراهم آوردن وسایل و ابزار لازم، مثل وسایل قالب‌گیری و منگنه، دست به سکه‌سازی بزند. معمولاً کسی که این کار را می‌کند از این جهت سود می‌برد که عیار یا وزن سکه ساخته شده وی از عیار سکه‌های واقعی کمتر است. ولی نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که اگر چنین نیز نباشد و حتی برعکس، عیار و وزن سکه‌های تقلبی ساخته شده از عیار و وزن سکه‌های واقعی بیشتر یا مساوی آنها هم باشد (مثل برخی از سکه‌های بهار آزادی غیررسمی که بعضی از جواهرفروشان تهیه و عرضه می‌کنند و لزوماً وزن و عیار آنها کمتر از وزن و عیار سکه‌های بانکی نیست) جرم قلب سکه تحقق می‌پذیرد؛ زیرا این جرم در زمره جرائم علیه اموال نیست، بلکه در زمره جرائم علیه آسایش عمومی است؛ بنابراین ورود ضرر به گیرنده یا خریدار سکه شرط تحقق جرم نمی‌باشد. البته، تنها تفاوت بین حالتی که عیار و وزن سکه تقلبی از عیار و وزن سکه واقعی کمتر است با حالتی که چنین نیست، آن است که در حالت اول (حالتی که عیار و وزن سکه تقلبی از عیار و وزن سکه واقعی کمتر است) فرد مرتکب با فروختن سکه تقلبی ممکن است مشمول عنوان کلاهبرداری هم قرار گیرد؛ زیرا با حيله و تقلب مال دیگران را برده است، ولی در حالت دوم (حالتی که عیار و وزن سکه تقلبی از عیار و وزن سکه واقعی کمتر نیست؛ یا بیشتر است یا مساوی است) به دلیل عدم ایراد ضرر به غیر، تحقق عنوان کلاهبرداری بعید به نظر می‌رسد؛ مگر آن که این سکه‌ها، علی‌رغم برخورداری از وزن و عیار مساوی، بهای کمتری از سکه‌های اصلی داشته باشند و فروشنده، با دادن آنها به عنوان اصل، قیمت سکه اصل را از خریدار بگیرد.

در جرم قلب سکه، وجود «شباهت» ضروری است، برای مثال ساختن سکه بهار آزادی به شکل لوزی یا سکه پانصد تومانی با رنگ سبز را نمی‌توان قلب سکه دانست؛ البته منظور از شباهت، صرفاً تشابه ظاهری و قابلیت به اشتباه انداختن افراد عادی است، ولو آن که صاحبان فن (مثلاً صراف‌ها) تقلبی بودن آن را تشخیص دهند.

شرط تحقق قلب سکه، وجود اصلی خارجی و ما به ازای خارجی آن سکه است و در صورتی که نمونه اصلی آن سکه از سوی دولت ضرب نشده، بحث ساختن نمونه تقلبی آن منتفی است؛ بنابراین در صورتی که شخصی اقدام به ساختن سکه هفتصد تومانی کند، عمل او قلب سکه محسوب نمی‌شود؛ زیرا اصلاً چنین سکه‌ای در بازار وجود ندارد؛ البته در صورت خرج کردن چنین سکه‌ای رفتار مرتکب را می‌توان با رعایت سایر شرایط کلاهبرداری دانست.

قانونگذار به «خارج کردن» سکه‌های تقلبی از کشور اشاره نکرده و ظاهراً خارج کردن را نمی‌توان، مشمول ترویج سکه تقلبی دانست. ترویج سکه تقلبی به هر گونه رفتاری که موجب ورود سکه‌های مزبور به چرخه اقتصادی می‌گردد اطلاق می‌شود؛ بنابراین حتی صدقه دادن این سکه‌ها به یک شخص تنگ‌دست نیز ترویج سکه تقلبی محسوب می‌شود.

قلب سکه و ترویج آن از سوی شخص واحد تعدد مادی محسوب می‌شود؛ البته در صورتی که استفاده از سکه قلب منتهی به دریافت پول از دیگری شود، رفتار مرتکب مشمول تعدد معنوی است، یعنی رفتار واحد مشمول دو عنوان مجرمانه (ترویج سکه قلب همراه با کلاهبرداری) می‌شود.

عبارت «به قصد تقلب» در صدر ماده ۵۱۹ ق.م.ا تعزیرات، تنها در مورد جرم مخدوش نمودن سکه مورد پیش‌بینی قرار گرفته است و در مواد ۵۱۸ و ۵۲۰ ق.م.ا تعزیرات، در مورد جرم قلب سکه به چنین مطلبی اشاره نشده که این امر ناشی از تسامح قانونگذار است و قصد تقلب در جرم قلب سکه نیز همچون جرم مخدوش نمودن سکه باید محرز شود؛ منظور از قصد تقلب آن است که مرتکب قصد داشته باشد که با حیل و فریب اشخاصی اعم از حقیقی یا حقوقی و از جمله دولت را متضرر سازد؛ بنابراین کسی که صرفاً به قصد هنرنمایی اقدام به ساختن یا مخدوش نمودن سکه نماید، مشمول هیچ یک از مواد فوق قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اساساً قصد فریب دادن دولت یا سایرین را نداشته است. عمل کسی که با انداختن سکه تقلبی به داخل دستگاه مخصوص، مواد خوراکی دریافت می‌کند، ترویج سکه قلب است. ساختن سکه دویست ریالی چون در حال حاضر، سکه دویست ریالی وجود ندارد، هیچ‌گاه قلب سکه محسوب نمی‌شود.

جرم قلب سکه (ساختن سکه تقلبی)

جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره

عناصر تشکیل‌دهنده جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره

عنصر قانونی جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره: ماده ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه‌های حکومت‌های قبلی ایران، لیره و نظایر آن را از پول‌ها و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می‌شود، بسازد یا عالماً داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.»

ماده فوق ۳ جرم ذیل را جرم‌انگاری نموده است:

۱. وارد کشور نمودن عالمانه سکه تقلبی طلا و نقره داخلی یا خارجی
۲. خرید عالمانه سکه تقلبی طلا و نقره داخلی یا خارجی
۳. فروش عالمانه سکه تقلبی طلا و نقره داخلی یا خارجی
۴. ترویج عالمانه سکه تقلبی طلا و نقره داخلی یا خارجی

عنصر مادی جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره: رفتار مجرمانه این جرم به صورت فعل محقق می‌شود و آن عبارت است از «شبیه‌سازی هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی»

در مورد ساختن سکه تقلبی طلا و نقره نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ مسکوک طلا و نقره داخلی و خارجی موضوع شبیه‌سازی باید مسکوک باشد که اصل آن مورد معامله واقع می‌شود.
- ✓ منظور از عبارت «مورد معامله واقع شود» در ماده ۱۸ ق.م.ا تعزیرات رواج نسبی است؛ یعنی اینکه دست به دست شود، این خصیصه در مورد سکه‌های بهار آزادی و پهلوی وجود دارد؛ ولی شامل ساختن تقلبی سکه‌های بسیار قدیمی مثلاً از زمان نادرشاه یا ناصرالدین شاه نمی‌شود و این‌ها می‌تواند مشمول کلاهبرداری باشد. در جرم قلب سکه ورود ضرر به گیرنده یا خریدار شرط تحقق این جرم نیست. به عبارت دیگر منظور از مورد معامله بودن مسکوک طلا و نقره:
- * آن نیست که مسکوک صرفاً قابل خرید و فروش باشد؛ زیرا این ضابطه معقول نخواهد بود، چه بسا که مردم حاضر باشند، در قبال هر آنچه ارزش مالی داشته باشد، ولو اندک پول پرداخت کنند.
- * آن نیست که مسکوک رایج باشد؛ زیرا مسکوکات طلا و نقره، اندازه مسکوکات کم ارزش غیر طلا و نقره در میان مردم رواج ندارد.
- * آن است که مسکوک طلا و نقره «رواج نسبی» داشته باشد، به نحوی که عرفاً در بازار قابل ارزش‌گذاری از طریق افراد عادی یا جواهرفروش‌ها باشد.
- ✓ سکه‌های طلا و نقره بسیار قدیمی که تشخیص قیمت آنها به نظر متخصص نیاز دارد، مشمول این مقرره نیست و ساختن نمونه تقلبی آنها که در قبال آن پول دریافت شود، کلاهبرداری محسوب می‌شود.
- ✓ ساختن سکه تقلبی طلا و نقره جرمی مقید به نتیجه تقلب است.

عنصر روانی جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره

- علم به موضوع:** مرتکب جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره باید بداند که عملی که انجام می‌دهد بر روی مسکوک باشد که اصل آن مورد معامله واقع می‌شود یا به عبارت دیگر رواج نسبی دارد.
- سوء نیت عام:** سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عاقد باشد؛ یعنی عمد در شبیه‌سازی هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی داشته باشد.
- سوء نیت خاص:** سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوء نیت خاص باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم ساختن سکه تقلبی طلا و نقره قصد نتیجه که همان قصد تقلب است، می‌باشد.

جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره

عناصر تشکیل‌دهنده جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره

- عنصر قانونی جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره:** ماده ۵۲۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالماً عامداً آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم می‌شود.»
- ماده فوق ۳ جرم ذیل را جرم‌انگاری نموده است:

۱. وارد کشور نمودن عالمانه و عامدانه سکه تقلبی غیر طلا و نقره داخلی یا خارجی
۲. خرید عالمانه و عامدانه سکه تقلبی غیر طلا و نقره داخلی یا خارجی
۳. فروش عالمانه و عامدانه سکه تقلبی غیر طلا و نقره داخلی یا خارجی
۴. ترویج عالمانه و عامدانه سکه تقلبی غیر طلا و نقره داخلی یا خارجی

عنصر مادی جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره: رفتار مجرمانه این جرم به صورت فعل محقق می‌شود و آن عبارت است از «شبهه‌سازی هر نوع مسکوک غیر طلا یا نقره داخلی یا خارجی»
در مورد ساختن سکه تقلبی طلا و نقره نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ منظور از عبارت «رایج بودن» در ماده ۵۲۰ ق.م.ا تعزیرات؛ مور معامله واقع شدن نیست، بلکه پول قانونی یک کشور بودن است و این واقعیت باید در زمان ساخته شدن سکه وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر این سکه‌ها باید رواج قانونی داشته باشد موضوع ماده فوق مسکوکات رایج یعنی سکه‌هایی که در ایران یا کشور خارجی به عنوان سکه قانونی رواج دارند؛ بنابراین سکه‌هایی که رواج ندارند، مانند برخی سکه‌ها که به مناسبت اعیاد ملی و مذهبی هدیه می‌شوند، موضوع این جرم قرار نمی‌گیرند.
- ✓ مسکوک غیر طلا و نقره داخلی و خارجی موضوع شبهه‌سازی باید مسکوکی باشد رایج باشد.
- ✓ منظور از رایج بودن این است که، مسکوک، پول قانونی کشور در زمان شبهه‌سازی باشد.
- ✓ در فرضی که شخصی بدون ساختن اصل سکه، در عدد آن دست‌کاری کند، مثلاً سکه ۱۰ تومانی را به سکه ۲۰ تومانی تبدیل کند، رفتار وی به دلیل قلب سکه و تبدیل آن به یک سکه جدید، مشمول ماده فوق خواهد بود.
- ✓ ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره جرمی مطلق است.

عنصر روانی جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره

علم به موضوع: مرتکب جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره باید بداند که عملی که انجام می‌دهد بر روی مسکوکی باشد که رایج است یا به عبارت دیگر رواج قانونی دارد

سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در شبهه‌سازی هر نوع مسکوک غیر طلا یا نقره داخلی یا خارجی داشته باشد.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوء نیت خاص باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم ساختن سکه تقلبی غیر طلا و نقره قصد نتیجه که همان قصد تقلب است، می‌باشد.

میزان مجازات قلب سکه		
نوع رفتار مجرمانه + قصد	ماده مربوطه	مجازات
قلب سکه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام به نحوی که رفتار مرتکب از مصادیق افساد فی الارض نباشد، اما منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور شود.	مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹	۵ تا ۲۰ سال حبس
قلب سکه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام به نحوی که رفتار مرتکب از مصادیق افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ ق.م.ا باشد	مواد ۱ و ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹	اعدام
قلب سکه «طلا و نقره» در غیر از دو حالت فوق	ماده ۵۱۸ ق.م.ا تعزیرات	۱ تا ۱۰ سال حبس
قلب سکه «غیر طلا و نقره» در غیر از دو حالت فوق	ماده ۵۲۰ ق.م.ا تعزیرات	۱ تا ۳ سال حبس

جرم مخدوش کردن سکه طلا یا نقره

جرم مخدوش نمودن سکه طلا و نقره

عناصر تشکیل دهنده جرم مخدوش نمودن سکه طلا و نقره

عنصر قانونی جرم جرم مخدوش نمودن سکه طلا و نقره: ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس به قصد تقلب به هر نحو از قبیل تراشیدن، بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالماً عامداً در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از ۱ تا ۳ سال محکوم می‌شود.»
ماده فوق ۲ جرم ذیل را جرم‌انگاری نموده است:

۱. ترویج عالمانه و عامدانه سکه طلا و نقره مخدوش داخلی یا خارجی مخدوش
۲. وارد کشور نمودن عالمانه و عامدانه سکه طلا و نقره مخدوش داخلی یا خارجی مخدوش

عنصر مادی جرم مخدوش نمودن سکه طلا یا نقره: رفتار مجرمانه این جرم به صورت فعل محقق می‌شود و آن عبارت است از «مخدوش نمودن هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی»

منظور از مخدوش کردن سکه آن است که کسی با استفاده از وسایل برقی، مثل مته، یا وسایل شیمیایی مثل اسید، مقداری از فلز گران‌بهای موجود در سکه را جدا کند تا فلز جدا شده را مورد استفاده قرار دهد یا بفروشد. در مخدوش کردن سکه لزوماً چیزی از وزن سکه کاسته نمی‌شود، مثلاً چه بسا فرد با جدا کردن مقداری از طلای به کار رفته شده در سکه بهار آزادی مقداری فلز زرد رنگ کم ارزش (و یا حتی پر ارزش‌تر) را به جای آن بگذارد، به طوری که از وزن سکه هیچ کم نشود؛ چنین عملی قطعاً مخدوش کردن محسوب خواهد شد. أخذ یا عدم أخذ عوض در مقابل سکه از اهمیت برخوردار نیست. حتی اگر تقلبی بودن سکه‌ها به اطلاع گیرنده برسد، موجب رفع مسئولیت از رواج‌دهنده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که اعمالی مثل صرف پشت ویتترین گذاشتن سکه قلب یا مخدوش را نتوان ترویج دانست، مثل اینکه جواهرفروشی برای تزئین ویتترین مغازه‌اش از سکه‌های بهار آزادی تقلبی استفاده کند.

در مورد مخدوش نمودن سکه طلا و نقره نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ مسکوک موضوع تخدیش، مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی است.
- ✓ تخدیش مسکوکات کم بها یعنی غیر طلا یا نقره داخلی یا خارجی از شمول ماده فوق خارج است.
- ✓ برخلاف سکوت قانونگذار مسکوکات این ماده نیز مسکوکات طلا یا نقره داخلی یا خارجی‌اند که «مورد معامله واقع شوند»؛ یعنی مسکوکات مندرج در ماده ۵۱۹ ق.م.ا تعزیرات، همان مسکوکات مندرج در ماده ۵۱۸ ق.م.ا تعزیرات می‌باشند.
- ✓ مخدوش نمودن مسکوکات عتیقه از شمول ماده فوق خارج است.

عنصر روانی جرم مخدوش کردن سکه طلا یا نقره

علم به موضوع: مرتکب جرم مخدوش کردن سکه باید بداند که عملی که انجام می‌دهد بر روی مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی می‌باشد
سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرم مخدوش کردن سکه طلا یا نقره نیز مرتکب باید در انجام عمل ارتكابی عامد باشد؛ یعنی عمد در مخدوش نمودن هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی داشته باشد.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرم مخدوش کردن سکه نیز که یک جرم مقید به نتیجه است، سوء نیت خاص باید وجود داشته باشد. سوء نیت خاص در جرم مخدوش کردن سکه طلا یا نقره قصد نتیجه که همان قصد تقلب است، می‌باشد.

جرائم مربوط به مسکوکات	
مسکوکات طلا و نقره داخلی یا خارجی	مسکوکات رایج غیر طلا و نقره داخلی یا خارجی
قلب سکه (ساختن سکه تقلبی)	قلب سکه (ساختن سکه تقلبی)
وارد کشور نمودن عالمانه سکه تقلبی	وارد کشور نمودن عالمانه سکه تقلبی
خرید عالمانه سکه تقلبی	خرید عالمانه و عامدانه سکه تقلبی
فروش عالمانه سکه تقلبی	فروش عالمانه و عامدانه سکه تقلبی
ترویج عالمانه سکه تقلبی	ترویج عالمانه و عامدانه سکه تقلبی
مخدوش نمودن سکه	
ترویج عالمانه و عامدانه سکه مخدوش	
وارد کشور نمودن عالمانه و عامدانه سکه مخدوش	

ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه اشخاصی که مرتکب جرائم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضائی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آنکه احرار شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازات‌های مذکور معاف خواهند شد.»

✓ تخفیف یا معافیت ماده فوق از اختیارات دادگاه است، مگر آن که مرتکب قبل از دستگیری توبه کرده باشد که در این صورت به نظر می‌رسد دادگاه ملزم به معاف نمودن از مجازات است.

ماده ۵۲۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «علاوه بر مجازات‌های مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.»

✓ ضبط اموال ماهیتاً یک اقدام تأمینی و تربیتی است که جزء مجازات‌های تعزیری محسوب نمی‌شود و موقوفی اجرای مجازات، مانع اجرای ضبط اموال نخواهد بود؛ بنابراین حتی در صورت معافیت مرتکب از مجازات به دلیل همکاری مؤثر یا توبه، با اموال تحصیل شده در نتیجه ارتکاب جرم ضبط خواهد شد.

✓ حکم مقرّر در ماده فوق و تعزیر محسوب نمودن ضبط اموال با تبصره ۵ ماده ۱۹ ق.م.ا همخوانی ندارد؛ زیرا همان گونه که بیان شد ضبط اموال، برخلاف مصادره اموال اساساً جزء مجازات‌های تعزیری محسوب نمی‌شود.

جرائم رشاء و ارتشاء

رشوه دادن و رشوه گرفتن از زمره جرائم علیه آسایش عمومی می‌باشد، که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری، از بین رفتن زمینه رقابت سالم و فاسد شدن مأموران دولتی می‌شود. مأموران دولت بدین وسیله عادت می‌کنند که وظایف خود را جز با اخذ ما به ازای یا پاداشی از ارباب رجوع انجام ندهند. برای جلوگیری از این فساد، در اکثر کشورهای دنیا ارتکاب این گونه اعمال جرم و قابل مجازات شناخته شده است.

تعریف اصطلاحات

رشوه: آنچه به دیگری جهت کارسازی ناحق یا ابطال حق یا احقاق باطل داده می‌شود.

رشاء یا رشوه دادن: تعریف رشاء مطابق نظر دکتر ملاکریمی: «دادن وجه یا مال یا سند تسلیم وجه یا مال به اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ یا انجام معامله با بهای غیر واقعی یا آنها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آنها»

ارتشاء یا رشوه گرفتن: تعریف ارتشاء مطابق نظر دکتر ملاکریمی: «أخذ وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از سوی اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ یا انجام معامله با بهای غیر واقعی از سوی آنها، برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آنها»

راشی: رشوه‌دهنده

مرتشی: رشوه‌گیرنده

عناصر تشکیل‌دهنده جرائم رشاء و ارتشاء

عنصر قانونی جرائم رشاء و ارتشاء: عنصر قانونی جرم رشاء ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و عنصر قانونی جرم ارتشاء ماده ۳ و همچنین ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است. همچنین مواد ۵۸۸ الی ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به جرائم رشاء و ارتشاء اختصاص یافته است.

عنصر مادی جرائم رشاء و ارتشاء: عنصر مادی جرائم رشاء و ارتشاء متشکل از ۳ جزء عبارت است از: ۱- رفتار مجرمانه در جرائم رشاء و ارتشاء ۲- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرائم رشاء و ارتشاء ۳- نتیجه حاصله جرائم رشاء و ارتشاء

رفتار مجرمانه در جرائم رشاء و ارتشاء

رفتار مجرمانه جرم رشاء

۱. دادن وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال (ماده ۵۹۲ ق.م.ا.تعزیرات)

۲. انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی (ماده ۵۹۰ ق.م.ا.تعزیرات)

رفتار مجرمانه جرم ارتشاء:

۱. قبول کردن و أخذ وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال (ماده ۳ ق.ت.م.م.ا.ک)

۲. انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی (ماده ۵۹۰ ق.م.ا.تعزیرات)

در مورد رفتار مجرمانه جرائم رشاء و ارتشاء نکات ذیل قابل توجه است:

✓ قبض و اقباض شرط تحقق جرم است، البته نه قبض و اقباض فیزیکی؛ بلکه واریز وجه و روش‌هایی مانند آن هم کفایت می‌کند. مطابق نظریه مشورتی شماره ۲۶۵۷ مورخ ۱۳۷۲/۵/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه: «(برای تحقق جرم ارتشاء) مرتشی باید مال را دریافت نماید، به عبارت دیگر قبول به معنی دریافت است و با دریافت آن ارتشاء تحقق می‌یابد؛ و الا صرف وعده راشی به تنهایی کافی برای تحقق جرم نیست، مگر آن که اقداماتی را که مرتشی انجام داده با وعده راشی جمعاً مفید شروع به ارتشاء باشد» در رابطه با قسمت اخیر نظریه فوق باید خاطر نشان ساخت که صرف قبول وعده را حتی نمی‌توان شروع به ارتشاء دانست؛ چرا که اساساً جزء عنصر مادی جرم فوق یعنی قبض و اقباض به شمار نمی‌رود؛ زمانی می‌توان رفتار مرتکب را شروع به جرم دانست که وارد عملیات اجرایی شده باشد، برای مثال حین دریافت مال دستگیر شود.

✓ دادن یا گرفتن وجه مال یا سند و نیز انجام معامله لازم نیست به شکل مستقیم انجام گیرد؛ بلکه بنا به تصریح قانون می‌تواند به طور غیرمستقیم نیز انجام گیرد. همین طور قبض و اقباض فیزیکی مال ضرورتی ندارد، بلکه صرف اینکه مال در اختیار فرد قرار داده شود، مثلاً وجه به حساب او واریز یا ملک به نام منتقل یا پول با رضایت او در کشوی میزش گذاشته شود کفایت می‌کند. همچنین ممکن است مال به

- شخصی غیر از مأمور دولت منتقل شود، برای مثال در فرضی که مأمور دولت به طرف مقابل بگوید: «کار تو را به شرطی انجام می‌دهد که جهیزیه فلان فرد را تأمین کنی یا به فلان صندوق قرض الحسنه کمک کنی» ارتشاء محقق می‌شود.
- ✓ در صورت قبول چک جرم تام ارتشاء تحقق می‌یابد، حتی اگر چک را نقد نکرده باشد؛ به عبارت دیگر در صورت دادن و گرفتن سند پرداخت وجه یا تسلیم مال جرم رشاء و ارتشاء محقق می‌شود، مثل اینکه چکی بین طرفین رد و بدل شود، برگشتن خوردن چک تأثیری در مسؤولیت کیفری طرفین ندارد؛ زیرا به محض دادن و گرفتن آن سند جرم تمام شده است.
- ✓ اگر کارمند قصد نداشته باشد که کار مورد انتظار را انجام دهد، صرف این که مال را به این بهانه می‌گیرد کفایت می‌کند؛ ولی اگر اساساً مال را به قصد دیگری بگیرد، مرتشی محسوب نمی‌شود.
- ✓ صرف وعده و قرارداد بین ارباب رجوع و کارمند در ارائه پیشنهاد رشوه از جانب ارباب رجوع و پذیرش پیشنهاد از سوی کارمند موجب تحقق رشاء و ارتشاء نیست؛ با لحاظ ماده ۳ ق.ت.م.ا.ا.ک مرتشی باید وجه یا سند را قبول کند تا ارتشاء محقق شود و با لحاظ تبصره ۲ ماده فوق که به ضبط مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر اشاره می‌نماید و ماده ۵۹۲ ق.م.ا تعزیرات نیز در تعیین جرم رشاء و مجازات راشی به دادن رشوه و ضبط اموال حکم داده شده، تأکید دارد باید بیان نمود که رشاء و ارتشاء به صرف پیشنهاد و وعده تحقق نمی‌یابند.
- ✓ صرف قبول مال برای تحقق جرم رشوه کفایت می‌کند و تصرف مرتشی در مال شرط تحقق آن محسوب نمی‌شود، البته در صورت تصرف مرتشی در مال اخذشده (و مثلاً خرید خانه با آن مال) رفتار وی را با رعایت سایر شرایط قانونی می‌توان پولشویی هم دانست، که در این صورت علاوه بر مجازات جرم منشأ (ارتشاء) به مجازات جرم پولشویی نیز محکوم می‌گردد. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۷۸۹۱ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۱ اداره حقوقی قوه قضاییه: «در صورتی که معلوم شود شخص مورد نظر وجه یا پول را از راشی دریافت کرده است، بزه ارتشاء محقق شده و تصرف در مال هیچ گاه شرط تحقق ارتشاء نیست»
- ✓ انجام معامله صوری با مبلغ غیر واقعی: ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری به طور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیر مستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود» بنابراین معاملات ذیل با رعایت سایر شرایط رشوه محسوب می‌شود:
- * هرگونه نقل و انتقال ولو بلاعوض، اعم از هبه، بیع با مرتشی در انتقال مال به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی
 - * انتقال گرفتن مال از مرتشی به مقدار فاحش گران‌تر از قیمت معمولی
- ✓ در صورتی که مالکیت به دلیل بطلان عقد (مانند شرط خلاف مقتضای ذات عقد) معامله باطل بوده و عمل واقع شده در حد شروع به جرم متوقف خواهد شد.
- ✓ اگر معامله انجام شده غیرنافذ باشد و مالک متعاقباً رضایت دهد با لحاظ اینکه رضای مالک کاشف است، نه ناقل پس موجب صحیح شدن معامله از لحظه انعقاد شده و جرم رشاء و ارتشاء از زمان انجام معامله، نه از زمان تنفیذ معامله، انجام شده فرض می‌گردد.
- ✓ انجام معامله صوری توسط همسر یا فرزند راشی و مرتشی و یا هر شخص ثالثی به عنوان طرفین معامله ممکن است.
- ✓ برای تحقق ارتشاء لازم نیست که آن مال متعلق به خود راشی باشد مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۶۴ مورخ ۱۳۷۳/۴/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه: «(برای) تحقق جرم رشاء و ارتشاء مالکیت راشی نسبت به مالی که به عنوان رشوه می‌دهد، شرط نیست و اگر راشی مال مسروقه را هم به عنوان رشوه بدهد از مصادیق رشاء می‌باشد» دادن مال دیگری به عنوان رشوه از مصادیق تعدد معنوی یعنی رشاء و انتقال مال غیر محسوب می‌شود و مرتکب مستنداً به ماده ۱۳۱ ق.م.ا به مجازات جرم اشد محکوم می‌گردد.
- ✓ برای تحقق ارتشاء لازم نیست همان مالی که مورد توافق بوده است، پرداخت شود؛ برای مثال در فرضی که شخصی وعده دادن یک دستگاه خودرو را به مأمور دولت داده باشد، اما پس از انجام کار، تعدادی سکه بهار آزادی به او بدهد، ارتشاء تحقق یافته است.
- شرایط و اوضاع و احوال برای تحقق جرائم رشاء و ارتشاء**

۱. مرتشی از کارکنان دولت و افراد مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ باشد، مطابق این ماده: مستخدمین و مأموران دولتی اعم از:

- قضایی
- اداری
- شوراها
- شهرداری‌ها
- نهادهای انقلابی
- قوای سه‌گانه
- نیروهای مسلح
- شرکت‌های دولتی
- سازمان‌های دولتی ابسته به دولت
- خدمات عمومی رسمی یا غیر رسمی
- ✓ بنابراین کارکنان بخش خصوصی از شمول جرم ارتشاء مندرج در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ خارج‌اند.

۲. آنچه در مقام رشوه داده و اخذ می‌شود، لزوماً باید جنبه مالی داشته باشد؛ بنابراین در فرضی که شخص در مقام پرداخت رشوه، اسکناس‌های مجعول یا سکه تقلبی را به طرف مقابل بدهد، رفتار او از مصادیق استفاده از سند مجعول یا ترویج سکه قلب به شمار می‌رود، نه ارتشاء.

✓ دادن نمره قبولی به فرزند کارمند در ازای تقاضا، ازدواج کردن با کارمند در ازای تقاضا، صدور رأی به نفع کارمند در ازای تقاضا؛ رشوه محسوب نمی‌شود؛ مگر به طور غیرمستقیم برای کارمند جنبه مالی داشته باشد.

✓ آنچه در مقام رشوه داده و اخذ می‌شود، موضوع آن دارای مالیتی است که قبلاً توافقی بین راشی و مرتشی راجع به آن در ازای انجام تقاضا وجود داشته است؛ انعام دادن به کارمند صرفاً جهت تشکر از او بدون توافق قبلی، رشوه محسوب نمی‌شود.

۳. میزان و ارزش اقتصادی مالی که به عنوان رشوه داده می‌شود تأثیری در تحقق جرم ندارد و فقط در میزان مجازات مرتشی مؤثر است؛ مگر مال ارزش بسیار کمی داشته باشد (برای مثال دادن جعبه شیرینی) که نتوان آن را نسبت به کارمند، اغواکننده فرض نمود.

۴. پنهانی بودن عمل دادن موضوع رشوه یا اخذ کردن موضوع رشوه شرط نیست و در فرضی که کارمند دولت مال را در حضور سایر ارباب رجوع یا همکاران خود دریافت نماید، نیز جرم مزبور محقق خواهد شد.

۵. دادن یا اخذ کردن موضوع رشوه لازم نیست برای خود مرتکب داده یا اخذ شود؛ بلکه در صورت دادن یا اخذ کردن موضوع رشوه نسبت به خویشاوندان مرتکب، رشوه محقق می‌شود، برای مثال راشی ۱۰۰ میلیون تومان به فرزند مرتشی بدهد.

۶. برای تحقق جرم باید اخذ مال یا وجه برای انجام دادن یا ندادی امری که مربوط به سازمان‌های مزبور است، صورت گیرد اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف کارمند در آن سازمان باشد، یا مربوط به وظایف کارمند دیگری در همان سازمان باشد.

✓ اگر امر مذکور مربوط به وظایف سازمانی دیگری باشد، موضوع از شمول رشوه خارج است.

✓ همین اندازه که امر مذکور جزء وظایف سازمان محل اشتغال کارمند باشد، کافی است، حتی اگر وظیفه سازمانی مستقیم کارمند نباشد.

✓ کارمند وزارت امور خارجه که بابت تسهیل روند صدور پروانه ساختمان شهرداری وجوهی دریافت کند، مطابق ماده ۳ ق.ت.م.م.ا.ک مرتشی محسوب نمی‌شود.

✓ در مواردی که شخص هیچ گونه ارتباطی با اداره دولتی نداشته و با وعده واهی چنین وانمود کند که قادر به انجام آن است و در قبال آن، وجه یا مالی دریافت کند، رفتار وی از مصادیق کلاهبرداری موضوع ماده ۱ ق.ت.م.م.ا.ک محسوب می‌شود و اگر واقعاً در آن نهاد دولتی یا عمومی با کسی ارتباط داشته باشد (مثلاً فرزند قاضی پرونده باشد) و در ازای برآورده شدن تقاضای فرد، مالی از او دریافت کند (ددر حالی که می‌داند مأمور دولتی مطلقاً چنین کاری را انجام نخواهد داد) رفتار او از مصادیق اعمال نفوذ برخلاف حق محسوب

می‌شود؛ مطابق ماده ۲ قانون مجازات اِعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵: «هر کس از روابط خصوصی که با مامورین یا مستخدمین مذکوره در ماده یک دارد سوء استفاده نموده و در کارهای اداری که نزد آنها است به نفع یا ضرر کسی برخلاف حق و مقررات قانونی اِعمال نفوذ کند از ۱ ماه الی ۱ سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد»

۷. انجام دادن یا ندادن کاری که بابت آن رشوه اخذ شده، شرط نیست.

۸. مقدّم بودن اخذ مال نسبت به انجام کار شرط نیست. و چنانچه پیرو توافق قبلی و پس از انجام کار، مال دریافت شود، ارتشاء محقق می‌شود.

نتیجه حاصله جرائم رشاء و ارتشاء

- رشاء و ارتشاء هر دو جرم مطلق می‌باشند.
- هر چند قبض و اقباض رشوه بین طرفین باید واقع شود، اما؛
- * لازم نیست مستخدم، کار مورد توافق را انجام داده باشد (به موجب ماده ۳ ق.ت.م.م.ا.ک خواه مرتشی آن کار را انجام داده باشد یا نداده باشد)
- * اگر راشی سند پرداخت وجه (مثل چک) را به مرتشی بدهد، بعد از دریافت چک توسط مرتشی جرم واقع شده است، هر چند چک پرداخت‌نشده باشد و گواهی عدم پرداخت آن صادر شود.

شروع به جرائم رشاء و ارتشاء

توافق حاصل شده بین طرفین است به نحوی که به دلیل مانع خارجی قبض و اقباض محقق نشده باشد و راشی نتوانسته مال یا وجه را به ید مرتشی برساند؛ بنابراین صرف وعده دادن مال و قبول آن را نمی‌توان شروع به رشاء و ارتشاء دانست و شروع به رشاء و ارتشاء در فرضی صادق است که مرتکب حین قبض و اقباض دستگیر شود یا معامله‌ای که به قیمت فاحش بیشتر یا کمتر از میزان متعارف آن صورت گرفته است، به جهاتی باطل باشد.

مجازات شروع به جرائم رشاء و ارتشاء

تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری: «مجازات شروع به ارتشاء حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود (در مواردی که در اصل ارتشاء انفصال دائم پیش‌بینی شده است در شروع به ارتشاء به جای آن سه سال انفصال تعیین می‌شود) و در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد»

ماده ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است»

تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری همچنین ماده ۵۹۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به موجب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ منسوخ شده و مجازات شروع به ارتشاء و همچنین مجازات شروع به رشاء، همچون جرائم دیگر تابع حکم مقرر در ماده ۱۲۲ ق.م.ا.ست.

عنصر روانی جرائم رشاء و ارتشاء

علم به موضوع: مرتکب جرم رشاء باید بداند که وجه یا مال را به کارمند دولت می‌پردازد؛ بنابراین در فرضی که بدون علم به سمت کارمند، پولی به او بدهد، به دلیل جهل موضوعی بحث رشاء منتفی است و به دلیل ملازمه رشاء و ارتشاء، رفتار مأمور دولت نیز ارتشاء محسوب نمی‌شود. مطابق نظریه مشورتی شماره ۷/۸۷۱۱ مورخ ۱۳۷۴/۱/۲۹ اداره حقوقی قوه قضاییه: «در جرم ارتشاء چنانچه متهم به اخذ رشوه به علل غیر شخصی از جرم انتسابی برائت حاصل نماید، محکوم کردن راشی به همان جرم قابل توجه نخواهد بود؛ زیرا بین عمل راشی و مرتشی ملازمه وجود دارد»

سوء نیت عام: سوء نیت عام عبارت است از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که در تمام جرائم عمدی، سوء نیت عام از اجزای اصلی عنصر روانی است، در جرائم رشاء و ارتشاء نیز مرتکبین باید در انجام عمل ارتكابی عاَم باشند؛ یعنی عمد در دادن یا قبول کردن و اخذ وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال یا عمد در انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی داشته باشند.

سوء نیت خاص: سوء نیت خاص عبارت است از قصد تحقق نتیجه که در جرائم عمدی مقید باید وجود داشته باشد، در جرائم رشاء و ارتشاء که جرم مطلق هستند، نیازی به احراز آن نمی‌باشد، به عبارت دیگر در جرائم رشاء و ارتشاء نیازی به قصد نتیجه نیست و همین که مالی به عنوان انجام کار دریافت شود، رشاء و ارتشاء محقق می‌شود، ولو آنکه کارمند از ابتدا قصد انجام آن کار را نداشته باشد.

مجازات راشی و مرتشی

مجازات راشی

ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال، ناشی از ارتشاء به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

مجازات مرتشی

مجازات مرتشی (ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری)	
انفصال موقت از ۶ ماه تا ۳ سال	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار (۲۰/۰۰۰) ریال نباشد
انفصال دائم از مشاغل دولتی	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار (۲۰/۰۰۰) ریال نباشد و مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد
۱ تا ۳ سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از ۶ ماه تا ۳ سال	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار (۲۰/۰۰۰) ریال تا دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال باشد
۱ تا ۳ سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار (۲۰/۰۰۰) ریال تا دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال باشد و مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد
۲ تا ۵ سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد
۲ تا ۵ سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از ۶ ماه تا ۳ سال از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار (۲۰۰/۰۰۰) ریال تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد و مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا همپراز آن باشد
۵ تا ۱۰ سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق	اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد
۵ تا ۱۰ سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از ۶ ماه تا ۳ سال و تا ۷۴ ضربه شلاق	در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد و مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا همپراز آن باشد

✓ در مواردی که رشوه در چند نوبت از کسی دریافت شود (جرم استمرار یابد) مجموع مبالغ، ملاک تعیین مجازات است

✓ در مواردی که مأمور دولت به دلایلی مانند برگشت خوردن چک، موفق به دریافت مال نشود، بحث جزای نقدی منتفی است؛ زیرا بحث «جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ» مندرج در ماده فوق در مورد وجهی که هنوز اخذ نشده است، اساساً منتفی است.

✓ در صورتی که مرتکب از پرداخت جزای نقدی امتناع نماید، علاوه بر حبس اصلی، با توجه به ماده ۲۹ ق.م.ا به حبس بدل از جزای نقدی نیز محکوم می‌گردد.

در مورد مجازات راشی و مرتشی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ بحث ضبط مال مأخوذه در مواردی که مال دیگری به عنوان رشوه داده می‌شود منتفی است.
- ✓ رشاء و ارتشاء در زمره جرائم اقتصادی محسوب می‌شوند، بنابراین چنانچه مبلغ آن یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد، علاوه بر مجازات فوق حکم محکومیت مرتکب نیز در رسانه ملی یا روزنامه کثیرالانتشار منتشر خواهد شد.
- ✓ در رشا و ارتشا در صورتی که مبلغ آن یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیشتر باشد، استناد به مرور زمان امکان‌پذیر نمی‌باشد.
- ✓ تعلیق اجرای مجازات در جرائم رشاء و ارتشاء با استناد به به بند (ج) ماده ۴۷ ق.م.ا ممنوع می‌باشد.

جرائم رشاء و ارتشاء		
آنچه به دیگری جهت کارسازی ناحق یا ابطال حق با احقاق باطل داده می‌شود.		
رشاء و ارتشاء جرائمی، ساده، آنی و مطلق است		
عنصر قانونی		مواد ۵۸۸ تا ۵۹۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷
عنصر مادی	رفتار مجرمانه	رشاء دادن وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال یا انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی
	ارتشاء	قبول کردن و اخذ وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال یا انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی
	شرایط و اوضاع و احوال	مرتشی از کارکنان دولت و افراد مذکور در ماده ۳ ق.ت.م.ا.ک باشد
		آنچه در مقام رشوه داده و اخذ می‌شود، لزوماً باید جنبه مالی داشته باشد
		میزان و ارزش اقتصادی مالی که به عنوان رشوه داده می‌شود تأثیری در تحقق جرم ندارد
		پنهانی بودن عمل دادن موضوع رشوه یا اخذ کردن موضوع رشوه شرط نیست
		دادن یا اخذ کردن موضوع رشوه لازم نیست برای خود مرتکب داده یا اخذ شود
		برای تحقق جرم باید اخذ مال یا وجه برای انجام دادن یا ندادی امری که مربوط به سازمان‌های مزبور است، صورت گیرد.
		انجام دادن یا ندادن کاری که بابت آن رشوه اخذ شده، شرط نیست.
		مقدم بودن اخذ مال نسبت به انجام کار شرط نیست
	نتیجه حاصله جرم	جرائم رشاء و ارتشاء هر دو جرم مطلق می‌باشند.
	علم به موضوع	علم به کارمند بودن
عنصر روانی	سوء نیت عام	عمد در دادن یا قبول کردن و اخذ وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال یا عمده در انجام معامله صوری با مبلغ غیرواقعی
	سوء نیت خاص	جرائم رشاء و ارتشاء مطلق است و نیازی به احراز سوءنیت خاص ندارد

ارتشاء مشدد

ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد

اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال وانفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود»

✓ مطابق ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، مجازات حبس ابد تعزیری به حبس درجه ۱ (حبس بیش از ۲۵ سال) تبدیل شده است

اقسام خاص ارتشاء

ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر یک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از این که توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا مجازات نقدی از بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودّی به نفع دولت ضبط خواهد شد.»

✓ جرم فوق مشابه جرم ارتشاء است؛ اما مرتکبین آن از اشخاص مقرر در ماد ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ (مانند مأموران دولتی، قضایی، یا مأموران به خدمات عمومی) نمی‌باشند.

✓ مراد از کارشناس در ماده فوق، لزوماً کارشناس رسمی دادگستری نیست و در مواردی که موضوع برای کارشناسی به اهل خبره (کارشناسان فاقد پروانه) ارجاع شود نیز مشمول ماده فوق می‌باشد.

✓ تحقق جرم موضوع ماده فوق منوط به آن است:

۱. وجه یا مالی دریافت شود

۲. در قبال آن به نفع یکی از طرفین اتخاذ تصمیم شود.

✓ بنابراین برخلاف جرم ارتشاء موضوع ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس کلاهبرداری؛ پذیرش سند پرداخت مانند چک، مشمول ماده فوق نیست و از سوی دیگر مقید به اظهار نظر از سوی اشخاص مذکور است؛ در حالی که در بزه ارتشاء انجام یا عدم انجام کاری که مأمور در قبال آن رشوه دریافت کرده است، مانع تحقق جرم نخواهد بود.

انتهای ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه طبیب تصدیق‌نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضائی بدهد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال یا به بیست و پنج میلیون (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا صد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

و هر گاه تصدیق‌نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه‌گیرنده محکوم می‌گردد.»

ماده ۳۸ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴: «چنانچه اعضای شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهار نظر کنند، به مجازات بزه موضوع ماده (۵۸۸) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲) محکوم می‌شوند.»

تسهیل ارتشاء

ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود»

✓ واسطه‌گری و ایجاد تسهیلات تحقق جرم ارتشاء که نوعی معاونت از لحاظ ماهیتی است، در حکم جرم مستقل قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر ماده فوق در رابطه با «رایش»؛ یعنی کسی که موجبات تحقق ارتشاء را فراهم آورده است می‌باشد

✓ در این زمینه باید یادآور شد که همکاری‌های بعدی شخص ثالث را نمی‌توان مشمول ماده فوق دانست، مانند کسی که پس از دریافت چک از سوی کارمند، اقدام به نقد کردن آن برای او نماید. البته بحث معاونت در مورد چنین فردی به دلیل عدم تقارن زمانی منتفی است و همکاری‌های بعدی را نمی‌توان معاونت در جرم دانست.

معاذیر مخفیه و معاف‌کننده قانونی و علل موجهه در مورد راشی

ماده ۵۹۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «هر گاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد.»

✓ پرداخت رشوه لزوماً برای امر غیرقانونی نیست و گاه افراد برای انجام کار قانونی خود نیز به کارمند دولت وجهی را می‌پردازند (مثلاً برای دریافت پایان کار ساختمان خود به مأمور شهرداری وجهی را می‌پردازند) در این موارد هر دو طرف به مجازات رشاء و ارتشاء محکوم خواهند شد؛ مگر آن که محرز شود که شخص برای حفظ حقش، به میل خود این مبلغ را نپرداخته و برای این امر ناچار از دادن رشوه شده است، (برای مثال چنانچه در فرض فوق به جای اینکه خود صاحب ساختمان به مأمور شهرداری پیشنهاد دانی مبلغی را بنماید، مأمور شهرداری به او بگوید: تا پول ندهی کارت را انجام نمی‌دهم) که در این صورت فقط مأمور شهرداری به مجازات دریافت رشوه محکوم می‌گردد.

✓ اصل بر آن است که مال پرداخت شده به میل راشی بوده است و راشی باید خلاف آن (ناچار بودن خود) را به اثبات برساند.

✓ «ناچار» بودن راشی در ماده فوق به معنای اضطراب او نیست و در صورتی که شخص مضطر باشد، عمل او با توجه به ماده ۱۵۲ ق.م.ا اساساً جرم محسوب نمی‌شود، چون اضطراب موجب زوال عنصر قانونی جرم می‌گردد (مانند کسی که برای نجات از مرگ و پذیرش بیمار در بیمارستان دولتی، مجبور به دادن رشوه به کارمند بیمارستان شود).

تبصره ماده ۵۹۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در صورتی که رشوه‌دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد»

✓ در رابطه با معافیت از حبس در تبصره ماده فوق باید خاطر نشان ساخت که میان مضطر بودن راشی با شکایت یا گزارش جرم تفاوت وجود دارد؛ زیرا در فرض اضطراب رفتار مرتکب اساساً جرم تلقی نمی‌شود و از هرگونه مجازات قانونی معاف (نه فقط از حبس) است؛ در حالی که در فرض گزارش جرم یا شکایت توسط راشی، رفتار وی جرم محسوب می‌شود، ولی صرفاً از مجازات حبس معاف خواهد بود.

✓ اضطراب صرفاً موجب زوال عنصر قانونی از رفتار راشی نمی‌شود و حتی در صورتی که مرتشی هم مجبور به دریافت رشوه شود، عمل وی جرم محسوب نمی‌شود؛ مانند فرضی که کارمند دولت از فرط گرسنگی مجبور شود غذای گران قیمتی را که ارباب رجوع به عنوان رشوه به او می‌دهد، قبول کند.

تبصره ۵ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری: «در هر مورد از موارد ارتشاء هر گاه راشی قبل از کشف جرم مأمورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می‌شود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجب تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می‌شود و امتیاز نیز لغو می‌گردد.»

✓ تفاوت بین «در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می‌شود» با «لغو امتیاز» این است که در حالت اول (در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می‌شود) هرگاه اعتبار طبق مقررات به راشی واگذار شده باشد، لغو نخواهد شد، در حالی که در صورت دوم (لغو امتیاز)، امتیاز در هر حال حتی اگر بر اساس ضوابط و مقررات هم اعطا شده باشد، لغو می‌گردد و این تنبیه مضاعفی بر راشی است.

ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات: «در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم واقع شده محکوم خواهند شد.»

✓ در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.»

✓ با توجه به ضرورت تفسیر مضیق قوانین جزایی، حکم فوق صرفاً ناظر بر فرضی است که قضات دادگاه در قبال اخذ رشوه مجازات شدیدتری از مجازات مقرر در قانون تعیین نموده باشند؛ بنابراین در فرض که اعضای سازمان تعزیرات حکومتی، مجازاتی شدیدتر از میزان قانونی تعیین نموده باشند، مشمول ماده فوق نخواهند بود. همچنان که اگر بازپرس یا دیگر مقامات قضایی دادسرا در قبال پرداخت رشوه از شاکی، متهم را بیش از حداکثر قانونی در بازداشت نگه دارند یا برای او تأمین کیفری غیرمتناسب صادر نمایند؛ مشمول ماده فوق نخواهند بود.

✓ حکم فوق استثنایی است بر حکم مقرر در ماده ۱۳۴ ق.م.ا یعنی اجرای مجازات اشد در فرض تعدد جرائم و در فرض فوق هر دو مجازات در مورد مرتکب به اجرا درمی‌آید.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «جرائم علیه مصالح عمومی کشور دکتر میرمحمد صادقی» و کتاب «حقوق جزای اختصاصی آقای ساولانی» و کتاب «دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی دکتر بهداد کامفر» و کتاب «حقوق جزای اختصاصی دکتر عظیم‌زاده» کمک گرفته‌ایم.

اینستاگرام شخصی: [omid_mollakarimi](https://www.instagram.com/omid_mollakarimi)

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۲



امید ملاکریمی هستم؛ یه حواسِ پرتِ متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزشِ اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان من: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمند سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اوّل فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اوّل اوّل توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اوّل فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه یه کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اوّل برو یه جاسوئچی برای ماشینی که توو روایه تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی کُت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤول یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتیم در وضعیتی هستیم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا پیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم!

به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است